



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

سیرت النبی ﷺ

صنف هفتم
(برای مدارس دینی)

سیرت النبی ﷺ — صنف هفتم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

سیرت النبی ﷺ

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ.ش.

مؤلف

- دكتور خليل الرحمن حناني

ايدیت علمی

- قیام الدین کشاف

- رقیب الله ابراهیمی

- محمد نسیم قاضی زاده

ايدیت زبانی

دكتور فضل الهادی وزین

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- گل آقا شایق

- فضل الله نیازی

إشراف:

- دكتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه بان
دا هېواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د اسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وايو الله اکبر وايو الله اکبر

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

مقدمه

استادان محترم و شاگردان عزیز!

علم سیرت که از زندگانی پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ و حالات و وقایع همعصر وی بحث می‌کند در فهم قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ رول عمده دارد، زیرا شأن نزول آیات و شأن ورود احادیث از علم سیرت آموخته می‌شود، ازینرو آگاهی از سیرت برای فهم درست هدایات اسلام امریست مبرم و اساسی.

همچنان ما بحیث مسلمان، برای تطبیق عملی دین به تأسی و اقتداء به رسول الله ﷺ نیاز داریم، زیرا زنده گی ایشان تجسم عینی و تطبیق عملی دین اسلام می‌باشد.

با در نظر داشت اهمیت سیرت النبی ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان تدریس این علم را بحیث یک مضمون مستقل در دو صنف (۷-۸) دوره متوسطه مدارس تعلیمات اسلامی مقرر نموده و در تهیه مفردات مضمون مذکور اولویتهای مطالب، تسلسل موضوعات و مرحله عمری شاگردان را رعایت نموده است.

این کتب درسی با استفاده از شیوه‌های جدید تألیف کتابهای نصاب تعلیمی نوشته شده و در تهیه مطالب آن به روایات موثق اکتفاء صورت گرفته است.

امید داریم تا مورد قبول علما و مدرسین قرار گیرد و شاگردان از مطالب آن در عرصه علم و عمل استفاده اعظمی نمایند.

والله الموفق

فهرست موضوعات

شماره	عنوان	صفحه
۱	سیرت نبوی	۱
۲	جزیره العرب	۵
۳	تمدن‌های عرب	۹
۴	احوال عرب قبل از بعثت	۱۳
۵	مهمترین حوادث قبل از ولادت	۱۷
۶	حادثه اصحاب فیل	۲۱
۷	نسب حضرت محمد ﷺ	۲۵
۸	ولادت حضرت محمد ﷺ	۲۹
۹	دوران شیر خواره گی	۳۳
۱۰	وفات بی بی آمنه	۳۷
۱۱	حضرت محمد ﷺ در سفر شام	۴۱
۱۲	حرب الفجار و حلف الفضول	۴۳
۱۳	ازدواج با خدیجه رضی الله عنها	۴۵
۱۴	بنای کعبه و گذاشتن حجر الاسود	۴۷
۱۵	بشارت‌هایی در مورد نبوت	۴۹
۱۶	فضایل اخلاقی حضرت محمد ﷺ قبل از بعثت	۵۳

شماره	عنوان	صفحه
۱۷	رویای صالحه و خلوت گزینی	۵۵
۱۸	مقام پیامبر بزرگوار	۵۹
۱۹	نزول وحی	۶۳
۲۰	موقف خدیجه رضی الله عنها در آغاز بعثت	۶۷
۲۱	مرحله دعوت سری	۷۱
۲۲	پیش آهنگان اسلام	۷۵
۲۳	دار الارقم	۷۹
۲۴	مرحله دعوت علنی	۸۳
۲۵	مهمترین اعتراضات مشرکین	۸۷
۲۶	واکنش قریش در برابر علنی شدن دعوت اسلامی	۹۱
۲۷	مشرکین و شیوه‌های رویا رویی با اسلام	۹۵
۲۸	شکنجه و تعذیب پیامبر صلی الله علیه و آله	۹۹
۲۹	شیوه‌های تعذیب و شکنجه مسلمانان	۱۰۳
۳۰	تحت فشار قرار گرفتن ابوطالب	۱۰۷
۳۱	حکمت خود داری مسلمانان از جنگ در مکه	۱۱۱
۳۲	مصالحه و عقب نشینی قریش	۱۱۳

شماره	عنوان	صفحه
۳۳	سازش یهود با قریش	۱۱۵
۳۴	هجرت مسلمانان به حبشه	۱۱۷
۳۵	مسلمان شدن دو دلیر مرد قریش	۱۲۱
۳۶	مساعی قریش برای باز گردانیدن مهاجرین از حبشه	۱۲۵
۳۷	مقاطعه و تحریم همگانی	۱۲۹
۳۸	آخرین تلاش قریش نزد ابوطالب	۱۳۳
۳۹	عام الحزن یا سال غم و اندوه	۱۳۵
۴۰	پیامبر ﷺ در طائف	۱۳۷
۴۱	اسراء و معراج	۱۴۱
۴۲	نخستین تماس پیامبر ﷺ با انصار	۱۴۵
۴۳	نخستین بیعت در عقبه	۱۴۷
۴۴	دومین بیعت در عقبه	۱۴۹
۴۵	عوامل صبر و پایداری مسلمانان	۱۵۳
۴۶	پیش آهنگان هجرت	۱۵۷
۴۷	دار الندوه و فیصله بزرگ قریش	۱۶۱

سیرت نبوی

چون مضمون سیرت النبی ﷺ اولین بار است که به شاگردان صنف هفتم به حیث مضمون اساسی تدریس می‌شود، قبل از همه لازم است به گونه مختصر، راجع به مفهوم، اهمیت و اهداف این علم اشاره شود.

مفهوم سیرت النبی ﷺ

«سیره» یک واژه عربی است، در لغت به معنای طریقه و راه و روش آمده است. و در اصطلاح حالات زندگی را گویند.

سیرت نبوی، مجموعه ای از حالات زنده گی، کردار، عادات، خویها و غزوه‌هایی پیغمبر ﷺ را می‌گویند که توسط دانشمندان حدیث و تاریخ به ما نقل شده است.

اهمیت سیرت نبوی

بررسی و مطالعه سیرت نبوی برای هر مسلمان خیلی مهم است؛ زیرا انسان، می‌تواند با مطالعه و شناخت سیرت نبوی، ابعاد شخصیت حضرت محمد ﷺ را بهتر و بیشتر بشناسد و در امور زنده گی بدان اقتدا نماید.

هدف از خواندن سیرت نبوی، محض آگاهی از وقایع تاریخی و یا بیان یک سلسله داستانها نیست؛ بلکه هدف آن است که، انسان بتواند حقایق اسلامی را در زنده گی آن حضرت ﷺ، به صورت واقعی و تجسم یافته در یابد.

اهداف مطالعه سیرت نبوی

یک مسلمان، با مطالعه سیرت نبوی، می تواند به اهداف زیادی دست یابد که مهمترین آنها قرار زیر است:

۱ - شناخت شخصیت محمد ﷺ از خلال مطالعه زنده گی آنحضرت ﷺ و اطلاع پیرامون شرایطی که در آن زنده گی کردند به منظور این که محمد ﷺ در میان قوم خود، تنها بزرگترین شخصیت نبود، بلکه پیامبری بود که با وحی و توفیق خداوندی مورد تأیید بود.

۲ - یافتن یک الگوی مجسم تا در همه امور زندگی از آن پیروی شود؛ بدون شک محمد رسول الله ﷺ الگوی نهایت عالی و یک انسان کامل بود.

۳ - مطالعه سیرت نبوی ﷺ می تواند ما را در فهم بهتر و بیشتر معانی قرآن کریم کمک نماید.

۴ - از خلال مطالعه سیرت نبوی، می توان مقدار زیادی از فرهنگ و معارف اسلامی صحیح را به دست آورد؛ چه این معارف در باب عقیده باشد یا احکام و یا اخلاق.

۵ - برای یک معلم و یا دعوتگر مسلمان، یافتن یک نمونه زنده از شیوه تربیه و تعلیم ضروری است؛ بدون شک حضرت محمد ﷺ معلم ناصح و مربی فاضلی بود که در تمام مراحل دعوت در جستجوی مفید ترین روش های تربیه و تعلیم بود.



یک مسلمان از خلال مطالعه سیرت نبوی، چه چیزی را به صورت برجسته و مجسم می یابد؟

پیامبر ﷺ یک شخصیت مثالی برای انسانها

مهمترین چیزی که تمامی اهداف متذکره را تحقق می‌بخشد، اینست که زندگی آنحضرت ﷺ جوانب مختلف انسانی و اجتماعی انسان را به حیث یک فرد مستقل و یا عضو فعال جامعه، در بر می‌گیرد. ما در زندگی پیامبر ﷺ نمونه‌عالی از:

- یک جوان درستکار.
 - یک شخص امین در میان قوم و یارانش.
 - یک دعوتگر خردمند که مردم را با حکمت و پند و اندرز نیک به سوی خدا می‌خواند.
 - یک رئیس دولت که کارها را به دانایی و کمال حکمت اداره می‌کند.
 - یک شوهر مثالی که با فرزندان و همسران خود رفتار نیک دارد.
 - یک پدر با عاطفه و مهربان.
 - یک فرمانده ماهر جنگ.
 - یک سیاستمدار راستین و با تجربه.
 - و بالاخره مسلمانی که توانسته با دقت و انصاف میان مشغولیت در عبادت پروردگار و خوش طبعی با خانواده و یارانش، توازن ایجاد نموده، مشاهده می‌کنیم.
- بنابر آن، سیرت نبوی، در حقیقت ابراز کننده همه جوانب انسانی به نحو بسیار عالی است.



- ۱ - مطالعه سیرت نبوی برای یک مسلمان چه فائده و اهمیت دارد؟
- ۲ - مطالعه سیرت نبوی کدام اهداف را تحقق می‌بخشد؟ مختصراً توضیح بدهید.
- ۳ - ما از خلال مطالعه سیرت نبوی ﷺ چه الگوهایی را می‌یابیم؟
- ۴ - آیا مطالعه سیرت نبوی، به طبقه خاصی از مردم مهم است، و یا به همه مسلمانان؟



کارخانه گی

شاگردان یک مقاله کوتاه بنویسند که در آن توازن در زندگانی پیامبر ﷺ را توضیح دهند.

درس دوم

جزیره العرب

جزیره العرب، سرزمینی است که حضرت محمد، پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در آن چشم به جهان گشود، از همانجا دعوت اسلامی آغاز یافت، حامیانی پیدا کرد و به گوشه و کنار جهان پخش و نشر گردید. آشنایی با موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی این سرزمین، ما را در شناخت بهتر پیش زمینه‌های ظهور و بعثت آنحضرت ﷺ کمک می‌نماید.

موقعیت جغرافیایی

سرزمین عربستان، شبه جزیره پهنای است که در جنوب غرب قاره آسیا موقعیت دارد. این سرزمین از طرف شرق به خلیج عرب و بخش بزرگ عراق جنوبی. از جانب غرب به دریای سرخ و شبه جزیره سینا.



از شمال به بلاد شام (سوریه و اردن) و بخشی از عراق.
و از جنوب به بحیره عرب - که امتداد اقیانوس هند می‌باشد - هم سرحد است؛ بنابر این
شبه جزیره سینا شامل حدود جغرافیایی جزیره العرب نمی‌گردد.
مساحت اجمالی جزیره العرب به (۳۰۷۰۰۰۰) سه میلیون و هفتاد هزار کیلومتر مربع بالغ
می‌گردد.

تقسیمات جزیره العرب

جغرافیه دانان، اعراب جزیره العرب را با توجه به طبیعت مناطق آن، به پنج قسمت زیر
تقسیم کرده اند: ۱- تهامه ۲- حجاز ۳- نجد ۴- یمن ۵- عروض (یمامه و بحرین).
زادگاه حضرت محمد ﷺ، حجاز است که در بخش غربی این شبه جزیره قرار داد.



دانستن موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی یک منطقه، برای شناخت شخصیت‌هایی که
از آن منطقه سر بلند کرده اند، چه کمک می‌کند؟

پیشینه تاریخی

علمای تاریخ، اصول تبار اعراب را به سه دسته تقسیم کرده اند:

(۱) عرب بایده (۲) عرب عاربه (۳) عرب عدنانیه.

عرب بایده: به اقوام و قبایلی گفته می‌شود که قبل از اسلام به کلی نابود شده اند، مانند
قوم عاد، ثمود، عمالقه .. که داستانهای چگونگی زوال برخی آنها در قرآن کریم ذکر
شده است؛ اینها پادشاهانی داشتند که مملکت شان تا شام و مصر امتداد داشت. عرب
بایده همچنان به قبایلی گفته می‌شود که وحدت خود را از دست داده و بقایایشان در قبایل
دیگر مدغم گردیدند، مانند جرهم و اعراب حضرموت و غیره.

عرب عاربه و یا قحطانیه: همان اعراب اصلی و قدیمی می‌باشند که سلسله نسبی آنان

به قحطان می‌رسد؛ اینها به عرب جنوب نیز معروف اند. عرب عاربه برخلاف عرب بائده، موجودیت و وحدت خود را در طول تاریخ حفظ کرده اند، پادشاهان یمن، سبأ و حمیر مربوط به اینهاست، همچنان اصول قبایل قضاعه، اوس، خزرج، خزاعه ... نیز به آنها وصل می‌شود.

عرب مستعربه یا عدنانیه: به اقوامی گفته می‌شود که نسب آنها به عدنان، نواده اسماعیل بن ابراهیم علیهما السلام می‌رسد، که به عرب شمال نیز معروف هستند. اینها در اصل عرب نبودند، ولی با اعراب آمیزش و پیوند خونی پیدا کردند و با گذشت زمان از جمله عرب شمرده شدند؛ وطن اصلی این دسته اعراب مکه می‌باشد، سرزمینی که ابراهیم علیه السلام، فرزندش اسماعیل علیه السلام، را با مادرش هاجر از فلسطین به آنجا آورد؛ اسماعیل علیه السلام در میان قبیله عربی جرهم تربیت یافته بزرگ شد و با دختری از ایشان ازدواج کرد؛ بناء فرزندان اسماعیل علیه السلام در اصل عرب نیستند، بلکه تربیت یافته محیط عربی می‌باشند، ازین سبب آنان را مستعربه، یعنی عرب شده می‌گویند.

از قبایل مشهور این دسته اعراب قبیله ایاد، ربیعہ، مضر، تمیم، هذیل، کنانه، قریش و... می‌باشند؛ حضرت محمد صلی الله علیه و آله از قبیله مضر بوده که قریش فرع آن می‌باشد و مربوط به عرب مستعربه است.



شاگردان عزیز! کدام شما داستان آمدن ابراهیم علیه السلام از شام به حجاز و استقرار اسماعیل علیه السلام در مکه را بیان می‌دارد؟ آیا در آن زمان در مکه آبادی بود؟



اردیابی

الف: به پرسشهای زیر جواب بدهید:

- ۱ - سرزمین عربستان را چرا شبه جزیره می گویند؟
- ۲ - جزیره العرب چند کیلومتر مساحت دارد و فعلا شامل کدام کشورها می باشد؟
- ۳ - مناطق عمده جزیره العرب چه نام دارند؟
- ۴ - قبیله قریش شاخه کدام دسته از اعراب می باشد؟

ب: جملات نامکمل را با نوشتن کلمات مناسب، تکمیل نمایید:

- ۱ - جزیره العرب از جنوب به وصل می باشد.
- ۲ - شهرهای مکه و مدینه مربوط به منطقه هستند.
- ۳ - عاد و ثمود از دسته عرب شمرده می شوند.
- ۴ - عرب مستعربه فرزندان گفته می شود.



کارخانه گی

شاگردان در باره حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام معلومات بدست آورده و در کتابچه های خود بنویسند.

تمدن‌های عرب

در جزیره العرب از دوره‌های گذشته تمدن‌های اصیل و تاریخی وجود داشت که مشهورترین آنها قرار ذیل است:

۱- تمدن سبأ

سبأ منطقه ایست در یمن؛ مردم آنجا برای استفاده از باران و جلوگیری از ضایع شدن آب در ریگستانها و بحر‌ها، با استفاده از شیوه‌های هندسی پیشرفته، بندها و مخزن‌های آبی زیادی ایجاد کرده بودند که مشهورترین آنها "سد مأرب" بود که داستان تخریب آن در قرآن کریم آمده است.^(۱) قرآن کریم همچنان به وجود قریه‌های بهم پیوسته ای در میان یمن، حجاز و بلاد شام اشاره می‌نماید که کاروانهای تجارتي و مسافرین در میان باغها و زیر سایه‌های درختان - بدون اینکه بی آب و غذا شوند - سیر و سفر می‌کردند. اما این تمدن و آبادی - چنانکه قرآن کریم شهادت می‌دهد - در اثر سرازیر شدن سیلاب ویرانگر - که علامت خشم خداوند ﷻ بر ساکنان آن منطقه و نتیجه نافرمانی آنها از خداوند ﷻ و کفران نعمت او تعالی بود - بکلی نابود گردید.



یمن در کجای جزیره العرب واقع است؟ آیا در میان یمن، حجاز و بلاد شام هنوز قریه‌ها و شهرهای بهم پیوسته وجود دارد؟

۱- سورة سبأ، آیت: ۱۶

۲- تمدن عاد

این تمدن در منطقه ای بنام احقاف، بین عمان و حضرموت (یمن) و یمامه به وجود آمد و خداوند ﷻ برای رهنمایی ساکنان آن، هود علیه السلام، یکی از پیامبران خود را فرستاد. اینها مردمان قوی هیکل و نیرومندی بودند و برای خود خانه‌های بسیار محکم و کارخانه‌های متعدد ساخته بودند.

منطقه احقاف پر از باغها، کشتزارها و چشمه سارها بود، ولی ساکنان آن، قدر نعمت الهی را ندانستند، بت پرستی پیشه کردند و هود علیه السلام را نافرمانی و اذیت نمودند در نتیجه، خداوند ﷻ بر ایشان خشم گرفت؛ در ابتدا در آن سرزمین خشک سالی پیش آمد، سپس خداوند ﷻ ابری را بر سرزمین آنها فرستاد، گمان بردند که بزودی باران خواهد بارید، مواشی و اراضی شان را سیراب خواهد کرد، ولی ابری نبود که باران رحمت با خود بیاورد، بلکه تندباد شدید و طوفان ویرانگری بود که به فرمان پروردگار همه چیز آنها را نابود کرد؛ خانه‌های شان پر از ریگ شد، خود آنان با همه نیرومندی ایکه داشتند، هلاک شدند و آن همه نعمت فراوان زوال یافت.

۳- تمدن ثمود

این تمدن در منطقه الحجر و وادی القری، میان بلاد شام و حجاز به وجود آمد. قوم ثمود دارای قصرهای محکمی بودند که در دل کوه‌ها ساخته شده بود، چنانکه باغ و بوستان، کشتزارها و چشمه سارهای فراوانی داشتند.

پیامبری که خداوند ﷻ برای رهنمایی آنها فرستاده بود، صالح - علیه السلام - نام داشت که داستان قوم صالح در قرآن کریم در چندین جا آمده است.

صالح علیه السلام قوم خود را به توحید و یکتا پرستی دعوت کرد که نپذیرفتند، نافرمانی خداوند جل جلاله را نمودند و بت پرستی پیشه کردند، از صالح علیه السلام معجزه ای طلب کردند تا پیامبری او را تصدیق نمایند؛ خداوند جل جلاله ناقه ای (شتر ماده) را برای اثبات صدق نبوت وی فرستاد و به آنها تأکید کرد که این ناقه را بگذارند تا در زمین خدا جل جلاله گشت و گزار کند و به آن آسیب نرسانند، اما ثمودیان آن ناقه را کشتند؛ همان بود که عذاب خداوند جل جلاله بصورت زلزله بر آن منطقه آمد و در نتیجه آن تمامی قوم ثمود، همانند قوم عاد هلاک شدند.



چه چیزها سبب خشم خداوند جل جلاله و فرود آمدن عذاب بر دو قوم عاد و ثمود شد؟
چه فکر می کنید آیا در عصر ما گناه و کفران نعمت خدا باعث بربادی و زوال نعمت نمی گردد؟



الف: به سؤال های زیر پاسخ بدهید:

- ۱ - سد مأرب در کدام منطقه ساخته شده بود و از این بند چه استفاده می کردند؟
- ۲ - منطقه احقاف در کجا واقع بود؟
- ۳ - پیامبری که به قوم عاد فرستاده شده بود، چه نام داشت؟
- ۴ - قوم ثمود چگونه هلاک گردیدند؟

ب: از چهار جمله زیر دوی آن نادرست است، این دو جمله نادرست را نشانی کنید:

- ۱ - تمدن ثمود در منطقه ای به نام احقاف به وجود آمد.
- ۲ - ثمود از صالح علیه السلام معجزه خواستند، که خداوند جل جلاله ناقه ای را به عنوان معجزه برای آنها فرستاد.
- ۳ - سبأ منطقه ای بود بین حجاز و بلاد شام، که مردم برای آبیاری کشتزارهای خود از آب دریا استفاده می کردند.
- ۴ - قوم ثمود مردمان قوی هیکل و نیرومندی بودند و در دل کوه ها قصرها ساختند.



کارخانه گی

شاگردان یک نمونه دیگر از اقوامی را که کفران نعمت و نافرمانی الله جل جلاله را کردند و هلاک شدند، در کتابچه های خود بنویسند.

درس چهارم

احوال عرب قبل از بعثت

عربها قبل از بعثت حضرت محمد ﷺ دچار عقب ماندگی شدید دینی، جاهل و بت پرستی، انحرافات اخلاقی و اجتماعی، انارشیزم و بی قانونی بودند و از نظر سیاسی، از توابع دولتهای فارس و روم شمرده می شدند.

حالت دینی

عربها در اصل پیرو دین ابراهیم علیهِ السلام بودند، اما با گذشت زمان، اصول شریعت ابراهیمی را فراموش کرده و به بت پرستی رو آوردند. بنیاد بت پرستی در مکه، توسط شخصی به نام عمرو بن لُحی خزاعی نهاده شد و دیری نگذشت که بت پرستی به سراسر حجاز انتشار یافت و هر قبیله بت خاصی داشت، تا جایی که در داخل کعبه شریف ۳۶۰ بت گذاشته بودند.

آنها بتها را به این خاطر پرستش می کردند که باور داشتند بتها نزد خداوند ﷻ از آنها شفاعت می نمایند، لذا به آنها پناه می بردند، دعا می کردند، در مشکلات کمک می خواستند، دور آنها طواف می نمودند، به آنها سجده می کردند و به منظور تقرب به خداوند ﷻ به نام آنها قربانی می کردند.

با این حال در میان آنان کسانی وجود داشت که به دین ابراهیم علیهِ السلام پایدار بودند، مانند قس بن ساعده الایادی، که مردم را به توحید و عبادت خداوند ﷻ و ترک بت پرستی دعوت می کرد، به زندگی بعد از مرگ ایمان داشت، ظهور و بعثت حضرت محمد ﷺ را بشارت می داد.

اوضاع سیاسی

جزیره العرب، از نظر سیاسی پراکنده و در میان شاهان، امیران و سران قبایل تقسیم گردیده بود، ولی همه آنها فاقد استقلال سیاسی بودند. نظام حاکم در جزیره العرب، نظام قبیله‌ای

بود که قانون عرفی روابط میان فرد و اجتماع را تنظیم می کرد، حقوق و مسئولیت های آنها را بر اساس همبستگی قبیله تعیین می نمود.

مردم دایم در منازعات قبیله ای، اختلافات نژادی و تعصبات مذهبی بسر می بردند. اما در حجاز وضعیت دیگری حاکم بود؛ اعراب به حکومت حجاز به اعتبار اینکه زعامت دینی و پیشوایی دنیوی را یکجا در دست خود داشت و بحیث پاسبان حرم و اجرا کننده شریعت ابراهیمی عمل می کرد، به دیده قدر و احترام می نگریستند. اما این حکومت که به صورت شورایی کار می کرد، اساساً ضعیف بوده و توانایی تحمل مسئولیتهای خود را نداشت.



چه عاملی سبب می شود که انسان به بت پرستی رو بیاورد، در حالی که بتها اشیای بی جانی هستند، حتی قادر به دفاع از خود نمی باشند؟

وضع اجتماعی

در جامعه عرب، طبقات مختلف اجتماعی وجود داشت؛ یک مرد اشرافی با همسرش روابط بسیار پیشرفته داشت؛ در چنین خانواده ای از آزادی اراده برخوردار بود، محترم می زیست و برای دفاع از آن، شمشیرها از غلاف بیرون می آمد؛ ولی با این همه مرد رئیس خانواده بود.

اما در میان طبقات غیر اشرافی، زنان و مردان با هم آمیزش کامل داشتند، فحشا بصورت گسترده میان آنها وجود داشت. یک مرد می توانست زنان بی شماری را در عقد نکاح خود داشته باشد، با آنها در میان تمام طبقات اجتماعی، فحشاء بدون استثنا وجود داشت. برخی از قبایل عرب دختران خود را از روی عار و ننگ و یا بیم نفقه زنده به گور می کردند.

خلاصه، حالت اجتماعی عربها قبل از بعثت، خیلی زشت بود، در میان آنها خرافات

جولانگاه گسترده ای داشت و مردم همانند چارپایان زندگی می کردند، و گاه گاهی زنان خرید و فروش می شدند و با آنها همچون مال و متاع معامله صورت می گرفت.

اوضاع اقتصادی

زراعت در جزیره العرب - نسبت اینکه بیشترین بخش های آنرا صحراهای خشک و سوزان تشکیل می داد - وجود نداشت؛ همچنان تجارت که برای اعراب بزرگترین وسیله به دست آوردن ضروریات زندگی بود، به نسبت نبودن امنیت - که برای رونق تجاری خیلی مهم است - بجز در ماه های حرام (ماه های رجب، شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) میسر نبود و عربها تنها در این ماه ها از چور و چپاول دست می کشیدند.

اما در باب صنعت، عربها از ملت های دیگر عقب مانده بودند، در پهلوی صنعت چرمگری که برای آنها مهم شمرده می شد، زنان عرب عموماً ریسندگی می کردند. در دشت ها بیشتر شتر و گوسفند چرانی رائج بود، و به همین لحاظ قبائل عربی در جستجوی علف و چراگاه، از یکجا به جای دیگر دایم در نقل و انتقال بودند و استقرار را نمی شناختند.

اوضاع اخلاقی

اکثریت عربها از نگاه اخلاقی، به انحطاط رسیده بودند، در میان آنها شراب نوشی، قماربازی، چور و چپاول، تاراج کاروانها، تعصب و ظلم، کشتار و انتقام جویی، غصب اموال، سود خواری، دزدی، زنا .. و غیره مفاصد اخلاقی شایع بود.

اما نباید فراموش کرد که صفات و خصلت های خوبی نیز وجود داشت که شایستگی تحمل رسالت محمدی را داشتند، از جمله هوشیاری، سخاوت، شجاعت، مردانگی، آزادی پسندی، وفاداری، صراحت لهجه، راستگویی، شکیبایی، قناعت، عزت نفس، عفو و گذشت، حفظ همجواری و .. از خصلت های پسندیده یی بود که بسیاری عربهای آن زمان به آن متصف بودند.

زراعت برای پیشبرد زندگی انسان بسیار مهم است، پس چرا عربها در این زمینه تلاش نکردند و از نگاه زراعت عقب مانده بودند؟ وسائل زراعتی چه چیزها را می گویند؟



ارزیابی

الف: به سؤال های ذیل جواب بدهید:

- ۱ - کدام شخص بت پرستی را در میان عربها رایج ساخت؟
 - ۲ - قبل از بعثت حضرت محمد ﷺ، چه نوع نظامی بر عربها حاکم بود؟
 - ۳ - زنان در میان عربها از چه منزلتی برخوردار بودند؟
 - ۴ - بعضی قبایل عرب، چرا دختران خود را زنده به گور می کردند؟
- ب:** در مقابل جملات صحیح علامت (✓) و مقابل جملات غلط علامت (X) بگذارید:

- ۱ - مشرکین بت ها را به خاطری پرستش می کردند که باور داشتند آفریدگار آنها هستند.
- ۲ - جزيرة العرب یک سرزمین زراعتی است.
- ۳ - عربها با وجودیکه انحطاط اخلاقی داشتند، دارای صفات خوبی هم بودند.
- ۴ - عربها در ماه های حرام از جنگ و چور و چپاول خود داری می کردند.



کارخانه گی

شاگردان داستان بت شکنی ابراهیم علیهِ السلام را از ملا امام خود پرسیده در کتابچه های خود بنویسند.

مهمترین حوادث قبل از ولادت

قبل از اینکه به بیان میلاد خجسته حضرت محمد ﷺ بپردازیم، لازم است تا به برخی حوادث بزرگی که پیش از ولادت با سعادت ایشان بوقوع پیوست و نزدیک شدن طلوع بامداد پر میمنت را برای بشریت مژده می‌داد، اشاره نماییم.

(چاه زمزم)



حفر چاه زمزم

تاریخ ظهور آب زمزم به قرن‌ها قبل از ولادت حضرت محمد ﷺ بر می‌گردد؛ درست هنگامی که حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل و مادرش هاجر - علیهم السلام - را به فرمان خداوند ﷻ از فلسطین به مکه آورد و آن دو را با مقداری آب و خرما در جوار خانه خدا ﷻ در مکه رها کرد و خود برگشت. مکه سرزمین بی آب و علفی بود، آب داشتگی هاجر و پسرش تمام شد، و هر دو تشنه شدند. هاجر به کوه صفا رفت و در آنجا ایستاد، به امید

اینکه کسی را ببیند، اما کسی را ندید؛ سپس به سوی کوه مروه دوید تا شاید کسی را ببیند، که باز هم ندید، به این ترتیب هفت بار بین صفا و مروه رفت و آمد کرد، تا بالاخره در مرتبه هفتم صدایی را شنید، متوجه شد که فرشته یی به بال خود به زمین می زند، ناگهان آب ظاهر گشت، هاجر و پسرش اسماعیل از آن نوشیدند.

درین ایام قبیله یی به نام " جُرْهُم " از یمن به مکه آمدند و سالیان طولانی در آنجا جاگزین شدند. لکن وقتی که بین قبیله بنو جرهم و بنو خزاعه جنگ صورت گرفت و بنو جرهم شکست خورد و به بیرون رفتن از مکه مجبور شدند از روی حسد و کینه چاه زمزم را پر کردند، و شمشیرها و مجسمه های آهو و زره های جنگی را هم در آن گور کردند، به همین ترتیب آب زمزم خشک و چاه آن بی درک شد، تا آن که به عبد المطلب جد پیامبر ﷺ در خواب نشان داده شد.



شاگردان عزیز! رفت و آمدهاگر بین صفا و مروه، حالا در اسلام چه حکمی دارد؟ این مطلب را در اعمال حج جستجو کنید.

خواب عبد المطلب

داستان حفر چاه زمزم توسط عبد المطلب، پدر کلان حضرت محمد ﷺ چنین است: عبد المطلب می گوید: من در حجر اسماعیل (محوطه نیمه دائروی حطیم در رکن شمال شرق کعبه شریف) به خواب رفته بودم که ناگاه کسی آمد و به من گفت: طیبه را بکاو! گفتم طیبه چیست؟ از نزد دور شد؛ عبد المطلب سه روز پی در پی این خواب را در حجر دید که همان شخص می آمد و به الفاظ مختلف می گفت بکاو! هر بار می پرسید آن چیست، تا اینکه در مرتبه چهارم گفت: زمزم را بکاو! عبد المطلب پرسید: زمزم چیست؟ گفت: آنکه آبش کم نشود، چاه خالی نگردد و آب به آخر نرسد. بعدا آن کس محل چاه زمزم را دقیقا به عبد المطلب نشان داده گفت: به زائران کعبه بنوشان!

زمانی که عبد المطلب منزلت آب زمزم و محل آنرا از آن شخص شنید، متیقن شد که خواب راست است؛ فردای آن روز پسرش حارث را با خود گرفت و به حفّاری آن محل آغاز کرد و از چاه شمشیرها، زره‌ها و دو آهوی طلایی را یافت که جرهمی‌ها به هنگام ترک مکه دفن کرده بودند؛ عبد المطلب شمشیرها را بهم پیوست، و ازان دروازه‌یی برای خانه کعبه ساخت، همچنان دو آهوی طلایی را بر شکافت و از آن ورقه‌های طلا درست کرد و بر روی درب خانه کعبه کوبید، و وظیفه توزیع آب زمزم به حجاج را به عهده گرفت.

همین که چاه زمزم نمایان شد، عبد المطلب با صدای بلند تکبیر (الله اکبر) گفت؛ قریشیان نزد او رفتند و گفتند: این همان چاه پدر ما اسماعیل است، ما در آن حق داریم! عبدالمطلب گفت: این کار را نمی‌کنم، زیرا من برای این وظیفه انتخاب شده‌ام؛



چهار بار خواب دیدن عبد المطلب در باره حفر چاه زمزم، چه مفهومی را افاده می‌کند؟ قریشیان چرا با عبد المطلب دعوا کردند، در حالی که چاه را به تنهایی حفر کرده بود؟

بعد از این واقعه عبد المطلب نذر کرد که اگر خداوند ^{جَلَّ جلاله} او را ده پسر نصیب کند، و آنها به سنی برسند که بتوانند از وی دفاع نمایند، یک تن آنها را در برابر کعبه قربانی خواهد کرد.



الف: به سؤال‌های ذیل جواب بدهید:

- ۱- هاجر و اسماعیل علیهما السلام از کجا به مکه آمدند؟
 - ۲- آب زمزم چرا خشک و چاه آن پُر شده بود و چه چیزها در آن دفن گردیده بود؟
 - ۳- چه چیز باعث شد که قریشیان دست از دعوا بر سر آب زمزم برداشتند؟
 - ۴- عبدالمطلب از کجا متوجه مقام و منزلت زمزم گردید؟
- ب:** جملات نا مکمل را با کلمات مناسب تکمیل کنید:
- ۱- هاجر هفت بار بین رفت و آمد کرد.
 - ۲- در مرتبه هفتم صدایی شنید، متوجه شد به بال خود به زمین می‌زند.
 - ۳- سوگند به خداوند هرگز با تو در باره دعوا نخواهیم کرد.
 - ۴- درین ایام قبیله یی بنام از به مکه آمد.

حادثه اصحاب فیل

ابرهه، والی نجاشی (امپراتور حبشه) در یمن، چون دید اعراب به قصد حج به زیارت کعبه می‌روند، در صنعا معبد بزرگی ساخت تا حج عربها را از کعبه به سوی آن بگرداند. مردی از قبیله کنانه از تصمیم او اطلاع یافت، شب هنگام وارد آن معبد گردید و آن قبله را به نجاست آلوده ساخت! ابرهه از این کار به خشم آمد و با شصت هزار سرباز به قصد ویران کردن کعبه، عازم حجاز گردید که ده و یا چهارده فیل با خود داشتند، و از این میان ابرهه بزرگترین فیلها را برای خود برگزیده بود.

ابرهه قبل از وارد شدن به مکه شخصی را به مکه فرستاده گفت: برو بزرگ مکه را پیدا کن و به او اطمینان بده که من برای جنگ نیامده‌ام، بلکه آمده‌ام تا این خانه را ویران کنم و سپس بر میگردم.

فرستاده ابرهه پیام او را به عبدالمطلب رسانید؛ عبدالمطلب گفت: ما توان جنگ را نداریم، راه او را به خانه خدا باز می‌گذاریم، اگر خدا او را گذاشت، ما دیگر توانی نداریم.

فرستاده ابرهه عبدالمطلب را نزد ابرهه برد.



فعالیت

کدام از این دو چیز سبب شد ابرهه تصمیم بگیرد که خانه کعبه را ویران کند: حسد و یا آلوده ساختن معبد؟

گفتگوی عبدالمطلب با ابرهه

عبدالمطلب مردی تنومند و خوش سیما بود، وقتی ابرهه او را دید، به احترام واکرام او پرداخت. عبدالمطلب به ابرهه گفت: ای پادشاه! تو شترهای ما را گرفته ای آنها را واپس

ده. ابرهه گفت: وقتی ترا دیدم خیلی خوشم آمدی، ولی حالا از نظرم افتادی. عبدالمطلب گفت: چرا؟ گفت: من به قصد ویران کردن خانه یی آمده ام که آئین تو و پدرانت به آن متعلق است، در باره آن حرف نمی‌زنی، اما برای بازگرداندن دو صد شتر خود سخن می‌گویی! عبدالمطلب گفت: من صاحب شترهای خود هستم و این خانه از خود صاحبی دارد که از آن دفاع خواهد کرد. ابرهه گفت: او نمی‌تواند مانع من شود. عبدالمطلب گفت: تو می‌دانی و او. ابرهه امر کرد اشتران عبدالمطلب را به وی بازگردانیدند و عبدالمطلب به مکه بازگشت و قریش را از موضوع آگاه ساخته، از آنها تقاضا کرد که به دره‌ها پناه ببرند.

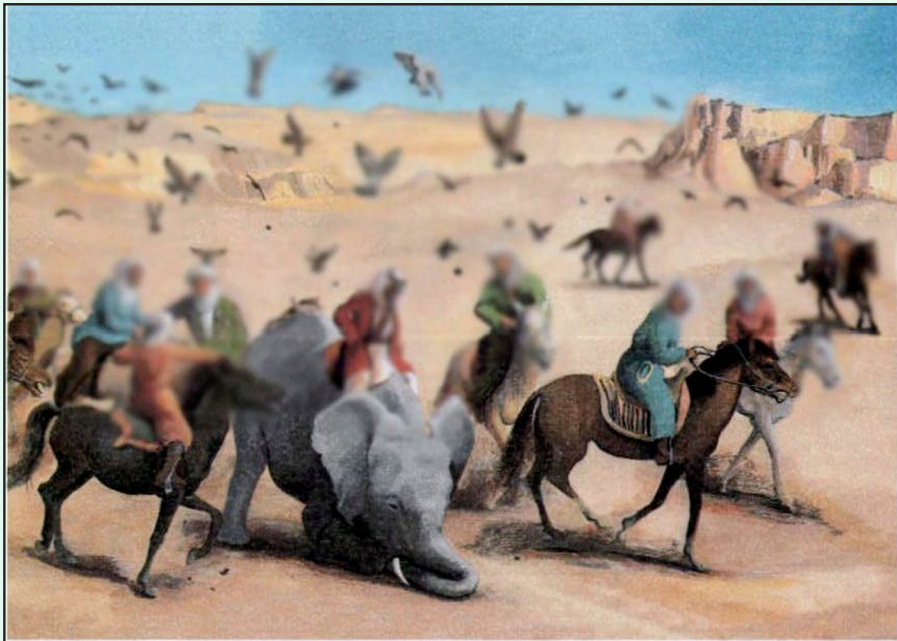
ابرهه در نزدیکی مکه قوای خود را منظم ساخت و آماده ورود به کعبه شد؛ چون ابرهه با لشکرش به وادی "مُحَسِر" - بین مزدلفه و منی - رسید، فیل کلان زانو زد و به سوی کعبه حرکت نکرد؛ چون روی آن را به سوی شمال یا شرق یا جنوب می‌گرداندند، می‌دوید؛ مگر وقتی رویش را به جانب کعبه می‌گرداندند، زانو می‌زد.

جنگ ابابیل با سپاه ابرهه

در همین اثنا خداوند ﷻ پرنده‌گانی را به نام ابابیل فوج فوج به جنگ لشکر ابرهه فرستاد تا آنها را ذریعۀ سبیل سنگباران کردند و درهم کوفتند، که داستان آن در سوره فیل بیان گردیده است.

این پرنده‌گان شبیه غچی بودند که هر کدام آنها سه سنگریزه را به اندازه نخود با خود حمل می‌نمودند: یک سنگ در منقار و دو در پنجه‌ها. این سنگها به هر کسی که اصابت می‌کرد، اعضایش را توتۀ توتۀ می‌نمود و او را هلاک می‌ساخت.

اما ابرهه را خداوند ﷻ به مرضی مبتلا ساخت که انگشتانش ریخت، هنگامی که به صنعا رسید، مانند چوچه مرغی شده بود و سرانجام سینه اش سوراخ و قلبش نمایان گردید و به هلاکت رسید.



فعالیت

شاگردان عزیز! در این چه حکمتی نهفته بود که خداوند ﷺ لشکر بزرگ و نیرومندی را به وسیله پرندگان کوچکی از بین ببرد، و چرا مخلوقات بزرگتری را برای هلاکت آنها نفرستاد؟

این حادثه در ماه محرم، پنجاه و یا پنجاه و پنج روز پیش از ولادت رسول اکرم ﷺ به وقوع پیوست که برابر است با اواخر ماه فبروری و یا ماه مارچ سال ۵۷۰ میلادی. واقعه فیل، کرامتی بود که خداوند ﷺ به حضرت محمد ﷺ و خانواده اش عطا فرمود. خبر حادثه فیل به دورترین نقاط جهان متمدن آن روز رسید و بدین ترتیب واقعه فیل توجه جهانیان را جلب کرد و همه را متوجه عظمت و منزلت کعبه معظمه ساخت و ثابت نمود که خداوند ﷺ این خانه را برای تقدیس و عبادت خود برگزیده است؛ و برای امت پیامبر آخر زمان تا روز قیامت قبله خواهد بود.

آموختنی‌های ماجرای اصحاب فیل



- حادثهٔ اصحاب فیل، حسد و کینهٔ نصاری نسبت به مکه و اعراب را آشکار می‌سازد.
- گفتگوی عبدالمطلب با ابرهه، نمایانگر حقیقت جنگ بین خدا و دشمنانش می‌باشد.
- این واقعه نشان دهندهٔ احترام و تعظیم مردم نسبت به کعبهٔ مشرفه می‌باشد.
- داستان اصحاب فیل، از دلایل و نشانه‌های نبوت حضرت محمد ﷺ شمرده می‌شود.
- خداوند ﷻ حافظ و نگهبان خانهٔ خود است.

ارزیابی



- ۱- ابرهه چه کسی بود، و چرا به مکه لشکر کشی کرد؟
- ۲- فیل ابرهه در کدام منطقه به زمین زانو زد؟
- ۳- ماجرای اصحاب فیل در کدام تاریخ به وقوع پیوست؟
- ۴- ابرهه و لشکریانش در نزدیکی مکه به چه فرجامی روبرو شدند؟



کارخانه‌گی

شاگردان چگونگی هلاکت اصحاب فیل را مختصراً در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس هفتم

نسب حضرت محمد ﷺ

حضرت محمد ﷺ از نگاه نسب، شریف ترین مردمان، و از نظر زیبایی و اخلاق کاملترین آنها بود که سلسله نسب ایشان چنین است:

محمد ﷺ بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف، که در پشت بیست و یکم به عدنان می‌رسد و عدنان از اولاده اسماعیل علیهما السلام بود. به این ترتیب سلسله نسب آنحضرت ﷺ به حضرت اسماعیل و از آن به حضرت ابراهیم علیهما السلام می‌رسد.

پیامبر ﷺ در باره نسب خویش می‌فرماید: " خداوند ﷻ کنانه را از اولاد اسماعیل، قریش را از کنانه، بنی‌هاشم را از میان قریش و من را از بنی‌هاشم برگزید "؛ پس حضرت محمد ﷺ برگزیده برگزیده گان است.

علو و شرف نسب، طبعاً در دلها تأثیر خود را دارد؛ زیرا مردم عادتاً پیشوایی را - چه به گونه پیامبری باشد و چه به صورت پادشاهی - از اشخاص دارای نسب عالی، آسان می‌پذیرند؛ برخلاف کسی که نسب پایین داشته باشد، مردم از قرار گرفتن در زیر پرچم وی خودداری می‌نمایند.

چون خداوند ﷻ حضرت محمد ﷺ را برای تحمل بار سنگین مسئولیت نبوت و پیامبری آماده می‌کرد، برایش نسب عالی نیز فراهم آورد تا کمکی باشد برای تجمع مردمان در اطراف ایشان.



شاگردان عزیز! با توجه به سلسله نسب حضرت محمد ﷺ، بگوئید که آنحضرت از کدام دسته عربها (عرب باندۀ، یا عرب عاربه و یا عرب مستعربه) به حساب می‌آید؟

پدر و مادر حضرت محمد ﷺ

عبدالله محبوب ترین پسران عبدالمطلب بود. بعد از اینکه قریش با عبدالمطلب در باره آب زمزم دعوی کردند، عبدالمطلب نذر به گردن گرفت که اگر خداوند جلّ و علاه برایش ده پسر نصیب کند، یکی از آنها را به نام خدا قربانی کند؛ عبدالمطلب وقتی صاحب ده فرزند و یا بیشتر از آن شد، در میان پسران خود قرعه انداخت، و قرعه به نام عبدالله، پدر حضرت محمد ﷺ برآمد. عبدالمطلب بار دیگر بین عبد الله و ده شتر قرعه انداخت که کدام ازین دو را قربانی کند اما قرعه به نام عبد الله بر آمد به همین ترتیب ده ده شتر را اضافه می کرد لکن هر دفعه قرعه به نام عبد الله می برآمد تا که به یک صد شتر رسید و قتی که بین عبد الله و یک صد شتر قرعه انداخت این بار قرعه به نام یک صد شتر برآمد، بنابراین عبدالمطلب یک صد شتر را در عوض ذبح پسر محبوبش عبد الله فدیة داد، و سپس بهترین زنان مکه را از لحاظ نسب به نکاح وی در آورد که آمنه بنت وهب نام داشت و در چهارمین پشت به سلسله نسب عبد الله وصل می شود. دیری نگذشت که عبد الله در راه بازگشت از سفر شام، در یثرب (مدینه منوره) وفات کرد و در همان جا به خاک سپرده شد. وی به هنگام مرگ ۲۵ سال داشت.

پیامبر ﷺ در حالت یتیمی تولد یافت

زمانی که عبد الله وفات کرد، آمنه حامله بود و در بطن او سردار عالم ﷺ قرار داشت؛ چون خبر وفات عبد الله به مکه رسید، آمنه بهترین مرثیه را در سوگ او سرود. تمامی ثروت عبد الله پس از وفاتش، پنج شتر نر، یک رمه گوسفند و یک کنیز حبشی به نام بَرکه بود. بَرکه که به "ام ایمن" شهرت داشت، پرستار دوران کودکی پیامبر ﷺ بود و آنحضرت به او "مادر" خطاب می کرد.

شاگردان عزیز! قرعه در میان ذبح عبد الله و یا قربانی کردن یک صد شتر، چه معنایی را افاده می‌کند؟ درین باره نظر خود را بیان دارید.

ازدواج عبد الله با آمنه آغاز تولد و پیامبری حضرت محمد ﷺ نبود؛ زیرا از رسول الله ﷺ پرسیده شد: "آغاز کار پیامبری تان از کجا بود؟ فرمود: "از دعای پدرم ابراهیم، بشارت عیسی و خواب مادرم که دیده بود از وی نوری بیرون می‌آید که قصرهای شام از آن روشن می‌گردد."

اکثریت علما به این نظر اند که: آمنه این نور را به هنگام وضع حمل خود دیده بود. بیرون شدن نور از وجود آمنه، اشاره است به اینکه آنچه را که این نوزاد مبارک می‌آورد، نورست تابان، که به برکت آن مردم روی زمین هدایت می‌شوند و تاریکی‌های شرک زوال می‌یابد.

آموختنی‌های درس

- حضرت محمد ﷺ از نگاه نسب - پدری و مادری - شریف ترین مردمان بود.
- حضرت محمد ﷺ از نسل عرب عدنانی، یعنی مستعربه بود.
- اثبات شرافت قریش، و اینکه حضرت محمد ﷺ برگزیدهٔ اولاد آدم است.
- داشتن نسب عالی، پیشبرد امور رهبری را آسان و عام پذیر می‌سازد.
- میلاد حضرت محمد ﷺ در حقیقت نور درخشانی بود که جهان از پرتو آن روشن شد و تاریکی شرک زوال یافت، این همان خواب آمنه بود که در عالم واقعیت تحقق یافت.
- یتیم تولد یافتن وی و سپس تربیت او با داشتن شخصیتی بی مانند در صدق نبوت او تأثیر گزار بود و نفست مردم را بیشتر آماده می‌ساخت.



الف: به سؤالات ذیل جواب بدهید:

- ۱ - از حضرت محمد ﷺ تا عدنان چند پشت وجود دارد؟
- ۲ - عبد المطلب چرا نذر کرد که یک پسر خود را قربانی کند، و چگونه به نذر خود وفا نمود؟
- ۳ - پدر حضرت محمد ﷺ در کجا وفات کرد، و هنگام وفات چند ساله بود؟
- ۴ - برکه، یا ام ایمن چه کسی بود؟

ب: جملات زیر را با نوشتن کلمات مناسب در جاهای خالی تکمیل کنید:

- ۱ - عبد المطلب نذر کرده بود که اگر برایش نصیب کند، یکی از آنها را به نام خدا قربانی کند.
- ۲ - برکه دوران کودکی پیامبر ﷺ بود.
- ۳ - تمام ثروت عبد الله بعد از مرگش، پنج شتر، یک و یک حبشی بود.
- ۴ - وقتی خبر وفات عبد الله به مکه رسید، آمنه در سوگ وی بهترین را سرود.



کارخانه گي

شاگردان در کتابچه های خود یک صفحه راجع به شرافت نسب حضرت محمد ﷺ بنویسند.

ولادت حضرت محمد ﷺ

قبل از این، راجع به سلسله نسب آنحضرت ﷺ معلومات لازم بدست آوردید، و همچنان به پیش زمینه‌های این میلاد با سعادت اشاره شد، مانند دعای ابراهیم و بشارت عیسی علیهما السلام، خواب آمنه، حفر چاه زمزم و ماجرای اصحاب فیل؛ در این درس می‌بینیم که ولادت آنحضرت ﷺ چگونه صورت گرفت؟

تاریخ ولادت

حضرت سید المرسلین، محمد ﷺ بامداد روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول، عام الفیل (سالی که ابرهه، والی نجاشی در یمن، با فیل‌ها و لشکر فراوان به قصد تخریب کعبه شریف، به مکه آمد) در خانه ابوطالب واقع شعب بنی‌هاشم، چشم به جهان گشود؛ این روز مطابق بود به بیستم اپریل سال ۵۷۰ میلادی.

بی تردید، این روز، فرخنده ترین روز در تاریخ جهان و بشریت بود. اما در رابطه به چگونگی ولادت ایشان، آمنه، مادر آنحضرت می‌گوید: "هنگام وضع حمل، از وجود نوری تابیدن گرفت که کاخهای شام در برابر آن روشن شد."



محل خانه نبی کریم ﷺ که در حال حاضر در آن کتابخانه وجود دارد

طبری و بیهقی در تواریخ خود می‌نویسند: هنگام ولادت حضرت محمد ﷺ حوادث خارق العاده‌ی در جهان رخ داد از آن جمله چهارده کنگره‌ی ایوان کسری (خسرو نوشیروان شهنشاه ایران) فرو ریخت، آتش آتشکده‌ی زردشتیان خاموش شد، معبد‌های اطراف دریاچه‌ی ساوه بعد از خشک شدن آب دریاچه، ویران گردید.



وقوع حوادث خارق العاده در جهان، به هنگام ولادت آنحضرت ﷺ چه دلالت‌ها دارد؟
در این باره شاگردان نظر بدهند.

نامگذاری حضرت محمد

با ولادت حضرت محمد ﷺ، آمنه کسی را نزد عبد المطلب فرستاد تا ولادت نواده اش را بشارت دهد. عبد المطلب آمد و به چهره‌ی نوزاد نگاه کرد، بسیار شادمان شد؛ نوزاد را برداشت و به داخل خانه‌ی کعبه برد، حمد و شکر خداوند ﷻ را به جای آورد و به درگاهش دعا کرد و او را "محمد" نامید، که این نام در میان عربها نا آشنا بود؛ زیرا عربها فرزندان خود را به نام‌هایی نامگذاری می‌کردند که دلالت به سختی و خشونت و قهر می‌نمود، مانند حرب، صخر، مره، اسد ... و غیره.

با وجودی که این نام (محمد) در میان عربها اسمی نا آشنا و یا حد اقل نادر بود، اما خداوند ﷻ به عبد المطلب بهترین نامها را الهام کرد تا مدلول آن حمد و ثنا بوده باشد، یقیناً تنها الله ﷻ می‌داند که رسالت خویش را به دوش چه کسی بگذارد.
عبد المطلب طبق رواج معمول عربها، آنحضرت ﷺ را روز هفتم ولادت، ختنه کرد.

شاگردان عزیز! از این روایت آمنه که می گوید: در وقت وضع حمل، از من نوری تابیدن گرفت که کاخهای شام را روشن کرد، چه برداشت دارید؟
عبد المطلب چرا - بر خلاف معمول - نام نا آشنایی را برای نواسه خود برگزید؟

آموختنی های درس

- نشانه های بزرگی و نبوت آنحضرت ﷺ از همان لحظه نخستین ولادت ایشان آشکار بود.
- انتخاب نام "محمد" نیز کار غیر معمول و نشانه ولادت فوق العاده بود.
- ختنه اطفال، از سنت های ابراهیم عليه السلام است، که قبل از اسلام نیز در میان عرب ها مراعات می شد.

ارزیابی

الف: به سؤال های ذیل پاسخ بگویید:

۱ - حضرت محمد ﷺ در کدام سال به دنیا آمد، و این سال با کدام سال عیسوی مصادف بود؟

۲ - حضرت محمد ﷺ در کجا به دنیا آمد؟

۳ - عبد المطلب چرا نواسه خود را به نامی نا آشنا نامگذاری کرد؟

۴ - وقتی که حضرت محمد ﷺ تولد شد، مادرش آمنه چه چیز را مشاهده کرد؟

ب: جملات زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید:

- ۱- از آن جمله چهارده کنگره فرو ریخت.
- ۲- معبد های اطراف ویران گردید.
- ۳- خداوند به عبد المطلب بهترین کرد.
- ۴- آنحضرت ﷺ را در روز هفتم کردند.



کارخانه گی

شاگردان تاریخ ولادت آنحضرت را همراه با حوادث خارق العاده یی که در اثنای تولد ایشان در جهان رخ داد، در کتابچه های خود بنویسند.

دوران شیر خواره گی

در درس گذشته راجع به تاریخ ولادت آنحضرت ﷺ معلومات بدست آوردید، و همچنان دانستید که همزمان با ولادت ایشان حوادث خارق العاده یی در جهان روی داد، که همه اینها دلالت به یک تحول عظیم داشت؛ درین درس مسیر زندگی این مولود فرخنده را پی می گیریم.

دایه های حضرت محمد ﷺ

نخستین زنی که یک هفته پس از خوردن شیر مادر، به آنحضرت ﷺ شیر داد «ثویبه» کنیز ابولهب بود، که پیش ازین به حمزه (کاکای آنحضرت ﷺ) و ابو سلمه بن عبدالاسد المخزومی نیز شیر داده بود.

عربها عادت داشتند برای سلامت فرزندان خود از بیماری های موجود در شهرها، و برای نیرومندی جسم و روان کودکان و آموختن عربی فصیح، اطفال خود را به دایه های صحرائشین می سپردند. زنان بادیه بنی سعد در فصاحت و ادای وظیفه دایگی شهرت داشتند. عبدالمطلب - طبق معمول - در جستجوی دایه یی برای آنحضرت ﷺ بود، که این سعادت نصیب حلیمه بنت ابی ذؤیب، از قبیله بنی سعد، مربوط قبیله بزرگ هوازن گردید.



شاگردان راجع به تأثیر فضای بادیه و صحرا، در تربیه و پرورش اطفال، ابراز نظر نمایند.

محمد ﷺ در میان قبیله بنی سعد

حلیمه پس از تحویل گرفتن حضرت محمد ﷺ، خیر و برکت فراوانی یافت که از آن سخت در شگفت شد. ما تفصیل این مطلب را از زبان خود حلیمه می شنویم:

حلیمه می گوید: همراه شوهرم (حارث بن عبد العزّی) با شماری از زنان قبیله بنی سعد، در جستجوی نوزاد شیرخوار بر آمدم. این در سالی بود که خشکسالی و قحطی چیزی برای ما نگذاشته بود. ماده شتر پیری داشتیم، سوگند به خدا ﷻ یک قطره شیر نمی داد، تمام شب از گریه نوزاد گرسنه خود نمی خوابیدیم، در پستانم شیر نبود، پشت ماده الاغ ما جراحات داشت.

بر ماده الاغ سفیدی که داشتیم سوار شدم، از ضعیفی و لاغری چنان آهسته حرکت می کرد که همراهانم را خسته ساخت؛ تا اینکه به مکه رسیدیم و به سراغ نوزادان شیرخوار رفتیم.

محمد ﷺ را به همه زنان عرضه کرده بودند، ولی تمامی آنها پس ازینکه گفته می شد یتیم است، از پذیرفتن وی ابا می ورزیدند؛ زیرا ما زنان از پدر نوزاد امید احسان داشتیم و با خود می گفتیم: او یتیم است، مادر و پدر کلانش چه کمکی به ما خواهند کرد؟ زنان همراهم همه کودکان شیرخوار یافتند بجز من. چون عزم بازگشت کردیم، به شوهرم گفتم: دوست ندارم در میان همراهانم بدون نوزاد بر گردم، قسم به خدا آن یتیم را می گیرم. گفت: خوب است، شاید خداوند ﷻ به واسطه او به ما برکتی ارزانی فرماید.

حلیمه می گوید: چون او را گرفتم و به منزلگاه خود بازگشتم، پستانم پر از شیر شد، او شیر خورد و سیر شد و پسر من نیز. همچنان شتر ماده ما که یک قطره شیر نداشت، پستانش مملو از شیر گردید، با شوهرم شیر آن را نوشیدیم. شوهرم گفت: حلیمه! می دانی نفس پر برکتی نصیب ما شده است. آن شب سیر و آرام خوابیدیم، در حالی که قبل از آن از گریه طفل، خواب نداشتیم.

فردای آن شب، من بر ماده الاغ خود نشسته و نوزاد را با خود برداشتم. قسم به چنان از همراهانم پیشی گرفتم که هیچ یک از الاغ ها نمی توانست به آن برابری کند.

به باده بنی سعد رسیدیم، سرزمینی که با خشکسالی و قحطی بی نظیری دچار بود، گوسفندانم سیر و پرشیر از چراگاه می آمدند، در حالی که در پستان هیچ حیوان دیگری شیر نبود؛ چوپان ها سرزنش می شدند و به آنها گفته می شد: شما هم گوسفندان خود را به جایی ببرید که چوپان حلیمه می برد، اما باز هم گوسفندان شان یک قطره شیر نداشتند. به همین ترتیب خیر و برکت از جانب خداوند ﷻ بر ما افزونی می یافت تا آنکه

آنحضرت ﷺ دو ساله شد و او را از شیر گرفتیم. در این مدت نشو و نموی آنحضرت ﷺ نیز فوق العاده بود.

سرانجام او را نزد مادرش آوردیم، مگر سخت علاقه مند بودیم که نزد ما باقی بماند؛ زیرا ما پیوسته برکات وجودش را می دیدیم، بنابراین مکرراً تقاضا به عمل آوردیم که مادرش فرزند خود را نزد ما بگذارد تا بزرگ شود؛ اخیراً پذیرفت و ما کودک را دوباره با خود به بادیه برگردانیدیم.

واقعه شق الصدر

پس ازین که آنحضرت ﷺ به بادیه بنی سعد بازگشت، بنا به قول راجح سال چهارم ولادتش، حادثه شق الصدر (شکافتن سینه) ایشان رخ داد. حلیمه می گوید: آنحضرت ﷺ و برادر (رضاعی) اش، در عقب خانه ما مشغول بازی بودند که ناگاه برادرش دویده آمد به من و پدرش گفت: دو نفر سفید پوش نزد برادر قریشی ام (محمد ﷺ) آمدند، او را گرفتند، به زمین خواباندند و سینه او را شکافتند. من و پدرش برخاستیم و دویدیم، آنحضرت ﷺ را ایستاده یافتیم که رنگش پریده بود، وقتی ما را دید، گریه وزاری نمود. من و پدرش او را به آغوش کشیده گفتیم: پدر و مادرم فدایت، ترا چه شده ؟ گفت: دو نفر آمدند، مرا به زمین خواباندند، سینه ام را شکافتند، و درینجا حضرت انس از زبان آنحضرت ﷺ قصه میکند که قلبم را کشیده و از آن پارچه خون سیاه را بیرون نمودند و گفتند این حصه شیطان است. باز قلبم را در تشت طلایی به آب زمزم شسته و سپس آن را به حالت اولی برگرداندند.

حضرت انس - خادم آنحضرت ﷺ - می گوید: من اثر دوخت را در سینه آنحضرت ﷺ می دیدم.



شاگردان عزیز! شق الصدر، یعنی شکافتن سینه آنحضرت ﷺ و شست و شوی قلب ایشان، به چه دلالت می کند؟ درین باره ابراز نظر نمایید.

بازگشت به آغوش مادر

حلیمه بعد از حادثه شق صدر ترسید و آنحضرت ﷺ را به مادرش برگرداند. حضرت محمد ﷺ تا شش سالگی نزد مادر خود ماند، اما دیری نگذشت که حادثه هولناک دیگری مسیر زندگی آنحضرت ﷺ را تکان داد، که مرگ مادر مهربانش بود.

آموختنی‌های درس

- ظهور برکات پیامبر ﷺ بر زندگی حضرت حلیمه، خانواده و مویشی اش.
- آنچه را خداوند جلّ و علا برای بنده بر می‌گزیند، بهتر و پر برکت تر است، درین داستان خداوند تعالی برای حلیمه کودک یتیمی را برمی‌گزیند، و خیر و برکت فراوانی می‌بیند.
- تأثیر زندگی صحرایی در صحت‌مندی جسم، پاکیزگی نفس، ذکاوت عقل کودک و فصاحت لهجه.
- حادثه شق صدر پیامبر ﷺ، از علامات نبوت است که خداوند جلّ و علا او را برای کار عظیمی بر می‌گزیند. همچنان دلیل آمادگی آنحضرت ﷺ برای عصمت از گناه و نزول وحی است.



ارزیابی

- ۱- اولین زنی که به پیامبر ﷺ بعد از مادرش، شیر داد، چه نام داشت؟
- ۲- حلیمه چرا در ابتدا حاضر به گرفتن آنحضرت ﷺ نبود؟
- ۳- حلیمه بعد از اینکه حضرت محمد ﷺ را با خود برد، چه دگرگونی‌هایی در خود و در مویشی خود مشاهده کرد؟
- ۴- شق الصدر چه معنی دارد، این حادثه در چند سالگی آنحضرت ﷺ رخ داد؟



کارخانه‌گی

شاگردان حادثه شق الصدر را در کتابچه‌های خود بنویسند.

وفات بی بی آمنه

در درس گذشته خواندید، بعد از اینکه حادثه شق الصدر به وقوع پیوست، حلیمه سعدیه حضرت محمد ﷺ را به مکه باز گردانید، در مکه بعد از سپری شدن مدتی در زیر سایه عطوفت مادر مهربانش در عمر شش سالگی وی مصیبت جانکاهی رو داد و حضرت محمد ﷺ بار دیگر یتیم شد.

وفات بی بی آمنه

بی بی آمنه برای یادبود شوهر فقیدش عبد الله، تصمیم گرفت از قبر وی در یثرب (مدینه) دیدار کند، از این رو همراه فرزند یتیمش محمد ﷺ و خادمه اش بَرکه (ام ایمن) و سرپرستش عبد المطلب، مکه را به قصد یثرب ترک نموده و یک ماه را در یثرب سپری کرد و سپس عزم مکه نمود، اما هنگام بازگشت شدیداً بیمار شد، تا اینکه در منطقه ابواء - منطقه‌ای در بین مکه و مدینه - وفات کرد. و در همان جا دفن گردید در این زمان حضرت محمد ﷺ شش سال عمر داشت.

در سایه عطوفت جد مهربان

بعد از وفات آمنه در ابواء، عبد المطلب آنحضرت ﷺ را به مکه باز گردانید؛ شفقت و عطوفت عبد المطلب به نواسه یتیمش، که تازه دچار مصیبتی شده بود، فزونی می‌یافت. وی نسبت به آنحضرت ﷺ لطف و عنایتی مبذول می‌داشت که به هیچ یک از فرزندان خود نشان نمی‌داد؛ هرگز او را تنها نمی‌گذاشت و او را بر پسرانش مقدم می‌داشت. عبدالمطلب شخص با وقار و پرهیزی بود، طوری که پسرانش جرأت نمی‌کردند روی بساط او بنشینند، مگر رسول الله ﷺ.

به روایت ابن هشام، برای عبد المطلب در سایه کعبه بساطی هموار می‌شد، نسبت هیبت و

احترام او هیچ یک از پسرانش بالای آن بساط نمی نشستند، اما آنحضرت ﷺ که کودکي برومند بود، روی بساط جدش می نشست؛ چون کاکاهایش می خواستند او را دور نمایند، عبدالمطلب می گفت: این پسر را به حال خودش بگذارید، سوگند به خدا حالتی دیگر دارد. سپس عبدالمطلب همراه آنحضرت ﷺ می نشست و بر سرش دست مهر می کشید و از دیدن کارهایش شادمان می شد. اما دیری نگذشت که آنحضرت ﷺ بار دیگر طعم تلخ از دست دادن جد مهربانش را چشید.



دلیلی که عبدالمطلب حضرت محمد ﷺ را نسبت به فرزندانش مقدم می داشت، چه بود؟

تحت کفالت کاکای دلسوز و مهربان

حضرت محمد ﷺ هشت سال و دو ماه و ده روز عمر داشت که عبدالمطلب، جد مهربانش وفات کرد. عبدالمطلب قبل از وفات خود سرپرستی نواسه محبوبش (حضرت محمد ﷺ) را به ابوطالب که برادر سکه عبد الله پدر وی بود، سپرد. ابوطالب با بهترین شیوه از برادر زاده خود سرپرستی و مراقبت نمود، و او را با پسران خویش همراه ساخت، بلکه آنحضرت ﷺ را بر ایشان مقدم داشته و احترام و عنایتی خاص نسبت به او روا می داشت. ابوطالب بیشتر از چهل سال پشتیبان آنحضرت ﷺ بود و از وی حمایت می کرد و به خاطر او با مردم دوستی و یا دشمنی می نمود، که در آینده به بخشی از حمایت های بی دریغ ابوطالب اشاره خواهیم کرد.

حضرت محمد ﷺ و شبانی

ابوطالب شخص بی بضاعت و تنگدست بود، از این رو آنحضرت ﷺ در حالیکه در سن نوجوانی قرار داشت، به خاطر یاری رسانی به کاکایش ابوطالب، شبانی پیشه کرد. در این

بارہ حضرت محمد ﷺ از خود و سائر پیامبران خبر می‌دهد که همه چوپانی کرده اند. در حدیث صحیح آمده است: " خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده، مگر اینکه گوسفند چرانی نموده است؛ صحابه پرسیدند: تو هم یا رسول الله؟ فرمود: بلی، من در بدل قراریط (پول اندکی) گوسفندان اهل مکه را می‌چراندم."

چراندن گوسفندان برای پیامبر ﷺ آرامشی را می‌بخشید که نفس مبارک شان خواهان آن بود. همچنان آنحضرت ﷺ در انجام وظیفه گوسفند چرانی، از خلوت و زیبایی صحرا لذت می‌برد، و در آنجا متوجه مظاهر جلال و عظمت خداوند ﷻ در طبیعت می‌گردید؛ زیرا هر کدام از پدیده‌های طبیعت که در صحرا به مشاهده می‌رسد، از قبیل آرامش شب، سایه مهتاب، نسیم سحرگاهی و ... به انسان رنگی از پرورش نفسانی و آرامش روحانی می‌بخشد، مانند صبر و بردباری، تأمل و مهربانی، رحمت و دلسوزی به ضعیفان و از سوی دیگر گوسفند چرانی برای آنحضرت ﷺ نوعی تمرین رهبری و قیادت بود.



حضرت محمد ﷺ در گوسفند چرانی چه چیزی را تمرین می‌کرد و از کدام چیزها لذت می‌برد؟

آموختنی‌های درس

- حضرت محمد ﷺ در طفولیت رنج بی‌کرانی را دید؛ یتیم به دنیا آمد، در شش سالگی مادر مهربان و دو سال بعد از آن جد دلسوز خود را از دست داد؛ یعنی سه بار یتیمی کشید.
- شبانی پیشه شریف است؛ حضرت محمد ﷺ و دیگر پیامبران - علیهم السلام - همه شبانی کرده اند، که این کار در واقع تمرینی بود برای رهبری ملتها.
- انسان باید در خانواده و اجتماع خود، عنصر مفید و فعال باشد و به نیازمندان دست کمک و یاری دراز کند.



ارزیابی

الف: به سؤالهای زیر جواب بدهید:

- ۱- بی بی آمنه در کجا وفات کرد و در کجا به خاک سپرده شد؟
 - ۲- پیامبر ﷺ به هنگام وفات مادرش و عبدالمطلب چند سال داشت؟
 - ۳- بعد از وفات عبدالمطلب، چه کسی سرپرستی حضرت محمد ﷺ را به عهده گرفت؟
 - ۴- حضرت محمد ﷺ در کجا و برای چه کسی گوسفند چرانی کرده است؟
- ب:** در مقابل جملات صحیح علامت (✓) و در برابر جملات نادرست علامت (X) بگذارید.

- ۱- حضرت محمد ﷺ شش ساله بود که جد مهربانش وفات کرد.
- ۲- آمنه در یثرب بیمار شد، و در همانجا وفات کرد و به خاک سپرده شد.
- ۳- بعد از وفات عبدالمطلب، سرپرستی حضرت محمد ﷺ را ابوطالب به دوش گرفت.
- ۴- حضرت محمد ﷺ گوسفند چرانی پیشه کرد تا کمکی به ابوطالب کند.



کارخانه گی

شاگردان راجع به رنج‌هایی که حضرت محمد ﷺ در دوره طفولیت کشید یک مقاله در کتابچه‌های خود بنویسند.

حضرت محمد ﷺ در سفر شام

حضرت محمد ﷺ پس از وفات عبد المطلب تحت سرپرستی و مراقبت کاکایش ابوطالب قرار داشت ابوطالب از آنحضرت ﷺ سخت مراقبت می کرد.

سفر شام و دیدار با بحیرا

چون حضرت محمد ﷺ به سن دوازده سالگی رسید، ابوطالب آنحضرت ﷺ را همراه خود در کاروان تجارتی به سفر شام برد، وقتی به منطقه بصری - از مربوطات سرزمین شام - رسید، راهبی موسوم به بحیرا که در این منطقه زندگی می کرد، در قرارگاه کاروان تجارتی آمده و از حضرت محمد ﷺ و کاروانیان استقبال گرم بعمل آورد.

علایم نبوت حضرت محمد ﷺ

بحیرا حضرت محمد ﷺ را از علائم و صفاتی که داشت شناخته، دست شان را گرفته و گفت: این پسر سرور جهانیان است، و خداوند این پسر را به عنوان رحمتی برای جهانیان بر می انگیزد.

بزرگان قریش از وی پرسیدند: این موضوع را چگونه دانستی؟
بحیرا گفت: زمانی که شما به این گردنه نزدیک شدید، هیچ سنگ و درختی نبود مگر آنکه تعظیم کرد، که اینها جز برای پیامبر به کسی تعظیم نمی کنند. وی گفت: همچنان از مهر نبوتی می شناسم که در شانه این نوجوان مانند سیبی وجود دارد، و من این مطلب را در کتب می یابم.



شاگردان عزیز! با استفاده از دروس گذشته، آیا علایم دیگر نبوت حضرت محمد ﷺ را به خاطر دارید؟

نا تمام ماندن سفر شام و برگشت به سوی مکه

بحیرا از ابوطالب خواست که آنحضرت را به شام نبرد و به مکه برگرداند تا مبادا یهودیان به او آسیبی برسانند. همان بود که ابوطالب آنحضرت صلی الله علیه و آله را همراه شماری از خدمتگاران به مکه فرستاد.



یهودها اگر حضرت محمد را می شناختند، چرا او را به قتل می رساندند؟

آموختنی های درس

- راهبان واقعی نصاری از علایم و اوصاف حضرت محمد صلی الله علیه و آله که در کتب شان موجود است میدانند که محمد پیامبر خداوند برای بشریت است.
- اثبات احترام سنگ ها و درختان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اینکه این چیزها تنها به پیامبران تعظیم می نمایند.
- حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این سفر از تجارب بزرگان قریش آموخت.



- ۱- حضرت محمد صلی الله علیه و آله در چند سالگی و همراه کی به سفر شام رفت؟
- ۲- بحیرا کی بود و چگونه صفات حضرت محمد صلی الله علیه و آله را می دانست؟
- ۳- بحیرا در کجا زندگی می کرد و چرا مانع سفر حضرت محمد صلی الله علیه و آله به شام شد؟



کارخانه گی

علایم نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را که بحیرا گفته بود در کتابچه های خود بنویسید.

حرب الفجار و حلف الفضول

حضرت محمد ﷺ از همان آوان خرد سالی و نوجوانی، برای رهایی و کمک به مظلومین سعی می نمود، از جمله دو مورد مشارکت حضرت محمد ﷺ مشهور است:

۱- حرب الفجار

حضرت محمد ﷺ چهارده ساله بود که جنگ فجار میان قریش و قبیله کنانه از یک سو و قبیله هوازن از سوی دیگر به وقوع پیوست که در نتیجه قبایل قریش و کنانه به پیروزی دست یافتند. حضرت محمد ﷺ در این جنگ در پهلوی کاکاهایش که برای دفاع از مکه می جنگیدند، قرار داشت.

این جنگ به این سبب به نام جنگ فجار نامیده شده که در آن حرمت حرم و ماه های حرام که نزد عرب مقدس بود، پایمال گردید.

۲- حلف الفضول (پیمان جوانمردان)

به تعقیب جنگ فجار، در ماه ذی القعدة همان سال حلف الفضول صورت گرفت. بزرگان قریش (بنی هاشم، زهره و بنی تمیم بن مره) در خانه عبدالله بن جدعان دور هم جمع شده و پیمان بستند که هرگاه مظلومی را در مکه ببابند، چه از مردم مکه باشد یا از مناطق دیگر، به دادش برسند، و تا حق او را از دیگران نگیرند از پای ننشینند، حضرت محمد ﷺ در عقد این پیمان که دفاع از انسان مظلوم و افتخار عرب شمرده می شد، حضور داشت. محتوای پیمان با عقیده نژاد پرستی جاهلیت کاملاً تفاوت داشت.



شاگردان عزیز! محتوای پیمان حلف الفضول را چگونه ارزیابی می کنید؟

انگیزه عقد پیمان

انگیزه بستن پیمان فضول این بود: مردی از قبیله زبید از اهالی یمن کالایی را به مکه آورد و عاص بن وائل سهمی یکی از بزرگان قریش آنرا خریداری کرد و سپس از دادن حق آن شخص زبیدی خود داری ورزید. مرد زبیدی نزد بزرگان قریش شکایت کرد و از آنان کمک خواست، ولی کسی به حرف او توجهی نکرد، آن مرد نزدیک کعبه ایستاده و با سرودن اشعاری مظلومیت خود را بیان داشته و از جوانمردان کمک خواست.

اقدام بزرگان قریش در استرداد حق مظلوم

زبیر بن عبدالمطلب نزد بزرگان قریش شتافت و برای داد خواهی این مرد مظلوم دعوت نمود که در نتیجه بزرگان قبایلی که در حلف الفضول از آنها یاد آوری شد، یکجا شدند و نزد عاص بن وائل رفته و حق آن مرد مظلوم را از وی گرفتند. پس از بعثت، پیامبر ﷺ به اشتراک خود در حلف الفضول افتخار کرده فرمود: (در خانه عبدالله بن جدعان شاهد عقد پیمانی بودم که آن را از شترهای سرخ رنگ بیشتر دوست دارم، و هرگاه در اسلام به آن فرا خوانده شوم، حتماً آن را اجابت می کنم).



شاگردان عزیز! چرا پیامبر ﷺ به مشارکت خود در پیمان حلف الفضول افتخار می کرد؟

آموختنی های درس



- پیامبر ﷺ از مشارکت برای تحکیم مبادی عدالت ابراز افتخار می کند، ارزش های مثبت حتی اگر به وسیله مردمان جاهلی به میان آید قابل تقدیر است.
- حلف الفضول نکته مثبتی در جامعه جاهلی آن زمان بود، شیوع و فراگیری فساد در یک جامعه بدین معنی نیست که فضیلتی در آن جامعه وجود ندارد.
- ظلم و ستم به هر شکلی که باشد مردود است، اسلام ظلم را تأیید نمی کند بلکه بدون در نظر داشت رنگ و دین و ملیت پهلوی مظلوم قرار می گیرد.

ارزیابی



- ۱- حرب الفجار چرا به این نام مسمی گردید؟
- ۲- انگیزه عقد پیمان حلف الفضول چی بود؟
- ۳- حلف الفضول چگونه عملی شد؟



کارخانه گی

انگیزه عقد پیمان حلف الفضول و نتیجه آنرا در کتابچه های خود بنویسید.

ازدواج با خدیجه رضی الله عنها

پیامبر صلی الله علیه و آله از طفولیت کار چوپانی داشت و حینی که پای به عرصه جوانی گذاشت، کار تجارت را در پیش گرفت تا اینکه به سرپرستی اموال تجارتی خدیجه رضی الله عنها عازم شام شد.

سرپرستی تجارت خدیجه رضی الله عنها

خدیجه رضی الله عنها بنت خویلد، زن بیوه، شریف، نجیب، تجارت پیشه و ثروتمندی بود، که همه ساله مردان را غرض سرپرستی تجارتش استخدام می کرد و قسمتی از مفاد آن را به عنوان مضاربت به ایشان می داد.

چون حضرت محمد صلی الله علیه و آله به صداقت، امانتداری و اخلاق نیکو شهرت داشت، خدیجه از محمد صلی الله علیه و آله تقاضا کرد تا به منظور سرپرستی مال تجارت وی همراه با غلامش میسر به سفر شام برود حضرت محمد صلی الله علیه و آله به این کار موافقت کرد و عازم شام شد.



فعالیت

چرا خدیجه رضی الله عنها حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به سرپرستی اموال تجارتی خود برگزید؟

ازدواج با خدیجه رضی الله عنها

چون حضرت محمد صلی الله علیه و آله با مفاد زیاد به مکه برگشت و خدیجه در مالش برکت و امانتی را مشاهده کرد که قبل از آن ندیده بود، و از جانب دیگر میسر نیز از اخلاق حمیده، صداقت و امانتداری محمد صلی الله علیه و آله حکایت کرد، خدیجه شیفته شخصیت و اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه وسلم شد، در حالیکه بسیاری از بزرگان قریش از او خواستگاری می کردند ولی او موافقت نمی کرد.

خدیجه علاقمندی اش به محمد صلی الله علیه و آله را با خواهر خوانده و همرازش، نفیسه در میان گذاشت، نفیسه در مورد با حضرت محمد صلی الله علیه و آله صحبت کرد، و او نیز با این ازدواج موافقت نموده و موضوع را با کاکاهایش در میان گذاشت.

حمزه بن عبدالمطلب، کاکای آنحضرت صلی الله علیه و آله نزد کاکای خدیجه رفته از او خواستگاری

کرد. به این ترتیب دو ماه پس از بازگشت از سفر شام، ازدواج ایشان انجام یافت. خدیجه در این وقت چهل ساله بود، در حالیکه حضرت محمد ﷺ بیست و پنج سال عمر داشت و او اولین زنی است که حضرت محمد ﷺ با وی ازدواج کرد و تا خدیجه زنده بود، زن دیگری را به عقد نکاح خود نیاورد.



عواملی که خدیجه شیفته حضرت محمد ﷺ شد، چه بود؟ شاگردان با رهنمایی استاد ابراز نظر نمایند.

ثمره ازدواج با خدیجه رضی الله عنها

ثمره این ازدواج، دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله - که هر دو در خرد سالی وفات یافتند - و چهار دختر به نامهای زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه بود، که همه دختران شان ایمان آوردند و هجرت کردند.

زینب، رقیه، ام کلثوم در حیات پیغمبر ﷺ فوت نمودند اما فاطمه شش ماه پس از رحلت نبی کریم ﷺ وفات یافت تمام فرزندان پیغمبر ﷺ غیر از ابراهیم از خدیجه رضی الله عنها بودند.

آموختنی های درس

- - امانتداری و صداقت از صفات تاجر کامیاب و موفق است.
- - ازدواج با خدیجه رضی الله عنها را خداوند مقدر فرموده بود تا از رنج و درد پیامبر ﷺ بکاهد.
- - ازدواج با خدیجه رضی الله عنها بیانگر عدم علاقمندی پیامبر ﷺ به لذات دنیوی است.

ارزیابی

۱- حضرت محمد ﷺ و خدیجه رضی الله عنها هنگام ازدواج چند ساله بودند، و خدیجه علاقمندی اش را به ازدواج چگونه ابراز داشت؟

۲- ثمره ازدواج حضرت محمد ﷺ با خدیجه رضی الله عنها چند فرزند بود؟



کارخانه گی

چه عاملی باعث شد که حضرت محمد ﷺ با خدیجه رضی الله عنها ازدواج کند، لطفا نکات عمده آنرا در کتابچه های خود بنویسید.

درس چهاردهم

بنای کعبه و گذاشتن حجرالاسود

حضرت محمد ﷺ (۳۵) ساله بود که قریش تصمیم گرفت خانه کعبه را مجدداً اعمار کند، کعبه تا آن زمان از قطعه‌های کوچک سنگ ساخته شده بود و سقف نداشت، چون بنای کعبه در اثر حوادث روزگار آهسته آهسته از بین می‌رفت و به اثر آتش سوزی و سرازیر شدن سیلاب رو به خرابی نهاده بود، قریش مجبور گردیدند تا با توجه به مقام و ارزش کعبه، بنای آن را از مال حلال شان تجدید نمایند.



مشارکت قبائل در اعمار کعبه

بعد از مشوره طولانی و بیم و هراس زیاد اولین کسی که به تخریب ساختمان قدیمی کعبه شروع کرد، زعیم قریش ولید بن مغیره مخزومی بود، پس از آن سائر مردم در این کار با او مشارکت کردند، سپس هر قبیله بنای قسمتی از آن را به عهده گرفت که تحت سرپرستی معمار رومی موسوم به (باقوم) به بلند کردن دیوارهای آن پرداختند.

فعالیت



چه کسی و چه وقت برای اولین بار خانه کعبه را بنا نهاد؟ شاگردان با راهنمایی معلم محترم تبادل نظر نمایند.

حکمت حضرت محمد ﷺ در حل نزاع

زمانی که دیوارهای کعبه اندکی بلند شد و به موضع گذاشتن حجر اسود رسیدند، قبایل قریش میان هم اختلاف کردند و هر قبیله می‌خواست شرف گذاشتن حجرالاسود را کمایی نماید نزدیک بود جنگ بزرگی برپا شود، ولی ابو امیه بن مغیره مخزومی به سران قبایل پیشنهاد کرد: اولین کسی که وارد حرم شود، در میان خویش حکم و داور قرار دهند

- خداوند جلّ و علاه خواست که آن شخص حضرت محمد ﷺ باشد - وقتی سران قبایل حضرت محمد ﷺ را دیدند با یک صدا گفتند: او امین است، او را می‌پذیریم.

درایت حضرت محمد ﷺ

حضرت محمد ﷺ چادری را خواسته و حجر اسود را در میان آن گذاشت و از سران قبایل درگیر تقاضا نمود تا از گوشه‌های چادر گرفته آنرا بلند نمایند تا آنکه حجر الاسود را به موضعش رساندند، سپس آن حضرت حجر الاسود را به دست خویش گرفته در جایش گذاشتند.

بدینگونه پیامبر ﷺ راه حل مناسبی را حکیمانه و عالمانه اختیار نموده، نزاع بزرگی که نزدیک بود شعله ور شود، خاموش ساختند.



چرا مردم به حکمت حضرت محمد ﷺ در حل نزاع راضی شدند؟ شاگردان بحث نمایند.

آموختنی‌های درس



- - امانتداری پیامبر ﷺ از درگیری و جنگ میان قریش جلوگیری کرد.
- - رضایت قریش به حکمت پیامبر بیانگر مقام و منزلت اجتماعی آنحضرت ﷺ در میان قریش بود.
- - حکم مسئولیت دارد که مصلحت جانین را در نظر داشته باشد.



ارزیابی

- ۱- چرا قریش به اعمار مجدد خانه کعبه اقدام کردند؟
- ۲- راه حل مناسبی را که حضرت محمد ﷺ برای جلوگیری از نزاع میان قبایل قریش عملی کرد، چگونه بود؟
- ۳- قبایلی که در اعمار خانه کعبه مشارکت داشتند، چرا برای گذاشتن حجر الاسود با هم اختلاف نمودند؟



کارخانه‌گی

حکایت مشارکت قبایل در اعمار مجدد خانه کعبه و حکمت حضرت محمد ﷺ در حل نزاع را در کتابچه‌های خود بنویسید.

بشارت‌هایی در مورد نبوت

بت پرستی و فساد در جامعه جاهلی عرب و سرتاسر جهان چنان گسترده بود که نیاز به دستور و رهنمایی پیامبری داشت تا ملل جهان را از فلاکت و بدبختی نجات داده و انسان جدیدی را بسازد که با گذشته کاملاً متفاوت باشد.

حکمت الهی و مژده ظهور پیامبر ﷺ

حکمت خداوند ﷻ بر آن بود تا مردم را برای پذیرفتن رسالت محمد ﷺ آماده سازد، از این جهت در هر زمانی به امت‌های گذشته مژده ظهور پیامبری را داده و قرآن کریم در چندین جا به آن مژده‌ها اشاره می‌کند.

ابراهیم علیه السلام دعا کرد تا در میان عرب پیامبری از خود شان برگزیند، خداوند ﷻ دعای ابراهیم علیه السلام را اجابت نموده و محمد ﷺ را برگزید.

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [سوره بقره، آیه ۱۲۹] ترجمه: ای پروردگار ما، و بفرست در میان ایشان پیامبری از ایشان که بخواند بر ایشان آیات ترا و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک کند آنها را، هر آینه بسیار غالب و بسیار با حکمت هستی.

خداوند ﷻ به رسالت پیامبر ﷺ در کتب سماوی که بر پیامبران گذشته نازل کرده است، بشارت داده و در قرآن کریم از آن حکایت می‌کند: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [سوره اعراف، آیه ۱۵۷] ترجمه: آنانی که پیروی می‌کنند از پیامبری که نبی امی است آنکه می‌یابند صفت او را نوشته نزد خویش در تورات و انجیل، می‌فرماید ایشان را به کار پسندیده و منع می‌کند ایشان را از کار ناپسندیده.

ابراهیم علیہ السلام چه وقت دعای متذکره را نمود؟ شاگردان مباحثه کنند.

چنانچه عیسی علیہ السلام نیز به رسالت پیامبر ﷺ بشارت داده است، خداوند می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ [سوره الصف، آیه ۶]. ترجمه: و چون گفت عیسی پسر مریم برای بنی اسرائیل، به تحقیق من فرستاده خدا ام بسوی شما تصدیق کننده آنچه پیشروی من است از تورات، و مژده دهنده به پیامبری که می آید بعد از من که نام او احمد است.

خداوند جلّ و علا به همه پیامبران از رسالت حضرت محمد ﷺ اطلاع داده و به آنان دستور داده بود تا به پیروان شان بگویند تا هرگاه زمان پیامبر ﷺ آخر الزمان را دریابند، به او ایمان آورده و از وی پیروی کنند، خداوند جلّ و علا می فرماید: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ [سوره آل عمران، آیه ۸۱] ترجمه: و هنگامیکه گرفت الله تعالی پیمان پیامبران را هر چه بدهم شمارا از کتاب و حکمت باز بیاید به شما پیامبری تصدیق کننده آنچه با شما است هر آینه ایمان خواهید آورد به وی والبته یاری دهید او را، گفت: آیا اقرار کردید و گرفتید به این چیزها عهد من را؟ گفتند: اقرار کردیم گفت: پس گواه باشید و من با شمایم از گواهان. اما در نسخه های تورات و انجیل موجوده، تحریف هایی وارد شده و اسم محمد ﷺ که در آن صراحتاً مذکور بود، حذف شده است.

اهل کتاب (یهود و نصاری) چرا کتب سماوی گذشته را تحریف و اسم محمد ﷺ و مژده بعثت او را حذف کرده اند؟

بشارت‌های علمای اهل کتاب به رسالت حضرت محمد ﷺ

در داستان اسلام آوردن سلمان فارسی رضی الله عنه آمده است، وی از راهب عموریه که او را نزدیک زمان وفاتش دیده بود، شنید که می گفت: پیامبری بر دین ابراهیم در سرزمین عرب مبعوث می شود، در نخلستانی مهاجر می شود، نشانه‌هایی دارد، او هدیه را می پذیرد و صدقه نمی گیرد (نمی خورد)، میان دو شانه اش مهر نبوت است، اگر می توانی به آن سرزمین بروی این کار را بکن ..

سپس سلمان رضی الله عنه به مدینه می آید، با حضرت محمد ﷺ پس از هجرت شان در مدینه روبه رو می شود، و همان نشانه‌ها را در وجود آنحضرت صلی الله علیه و آله مشاهده می کند و اسلام می آورد.

همچنان علمای یهود از قرب و نزدیکی زمان بعثت پیامبر ﷺ خبر داده اند، از آن جمله داستان ابو تیهان است؛ وی از سرزمین شام خارج شده و در بنی قریظه اقامت گزید و دو سال قبل از بعثت پیامبر ﷺ وفات کرد. او نزدیک زمان وفاتش برای مردم بنی قریظه گفت: ای مردم یهود! می دانید چرا به این سرزمین آمده ام؟ گفتند: تو خودت بهتر می دانی، گفت: من درین شهر آمده ام انتظار ظهور پیامبری را می کشم که زمان بعثت آن نزدیک است، من آرزو می برم آن پیامبر مبعوث شود و از وی پیروی نمایم.

ازین جاست که یهود برای اعراب مدینه می گفتند: زمان بعثت پیامبر آخرالزمان نزدیک شده است، ما با او یکجا خواهیم شد و شما را نابود خواهیم نمود.

همچنان هرقل، پادشاه روم وقتی نامه پیامبر ﷺ را تسلیم شد، گفت: من می دانستم او (پیامبر) ظهور می کند، ولی گمان نمی کردم که از جمله شما (اعراب) باشد.

چند بشارت در مورد بعثت حضرت محمد ﷺ را نام بگیرد.

آموختنی‌های درس

- اهمیت بعثت و فضیلت پیامبر ﷺ و ذکر جناب ایشان در کتب سماوی گذشته.
- علاقه مندی علمای اهل کتاب (یهود و نصاری) به قرب زمان بعثت و ایمان شان به رسالت پیامبر ﷺ

ارزیابی

- ۱- سلمان فارسی رضی الله عنه چه بشارتی را در مورد ظهور پیامبر ﷺ شنیده بود؟
- ۲- چرا ابراهیم علیه السلام به فرستادن پیامبری دعا کرد؟
- ۳- عیسی علیه السلام در مورد ظهور پیامبر ﷺ چه بشارت داد؟



کارخانه‌گی

پنج بشارت از جمله بشارت‌هایی را که در مورد بعثت پیامبر ﷺ خواندید در کتابچه‌های خود بنویسید.

فضایل اخلاقی حضرت محمد ﷺ قبل از بعثت

حضرت محمد ﷺ با فکر صائب، زیرکی و ژرف اندیشی، اهداف عالی را دنبال می کرد، ازین جهت خصوصیات عالی و برازنده ای در وجود آنحضرت ﷺ نمایان بود. حضرت محمد ﷺ با فطرت بی آرایش خویش از خرافات دوری می گزید و از آوان کودکی و نو جوانی از معبودان باطل نفرت داشت.

تقالید جامعه جاهلی و پیامبر ﷺ در عنایت الهی

خداوند پیامبر ﷺ را از رسم و رواج های جاهلی و کارهای ناشایسته ای که جوانان طبیعتاً آنرا انجام می دادند در حفظ خود قرار داده بود، عنایات الهی میان آنحضرت ﷺ و آن رسوم و رواج های باطل حایل می گردید.

روایت شده، آنحضرت ﷺ فرمود: (هرگز به کارهایی که مردم دوره جاهلیت انجام می دادند، اراده نکردم، مگر دو بار که در هر بار خداوند جلّ و علاه میان من و این کارها مانع می گردید، تا آنکه مرا به رسالت شرفیاب ساخت شبی به پسری که در بلندی های مکه بامن شبانی می کرد گفتم: متوجه گوسفندانم باش تا من به مکه بروم و مانند جوانان دیگر، شب را به فرحت و شادمانی بگذرانم! او گفت: خوب است، من این کار را می کنم، من هم برخاستم تا آنکه به نخستین خانه مکه رسیدم و صدای موسیقی را شنیدم، پرسیدم: اینجا چه خبر است؟ گفتند: عروسی فلان مرد و فلان زن است، و من نشستم تا بشنوم، ولی خداوند جلّ و علاه گوشه هایم را از شنیدن آن باز داشت و من به خواب رفتم تا آنکه گرمی آفتاب مرا بیدار کرد.



نمونه های دیگری از کناره گیری پیامبر ﷺ از خرافات را بگویید.

فضایل اخلاقی آنحضرت ﷺ از قول امهات المؤمنین

هنگامی که آنحضرت ﷺ به پیامبری مبعوث شد، از هیبت فرشته وحی هراسان نزد

خدیجه آمد و در مورد حیات خویش ابراز نگرانی کرد، اما خدیجه رضی الله عنها برای دلداری ایشان، در وصف ایشان کلمات و جملات جاودانه یی بکار برد و فرمود: هرگز خداوند ترا خوار نمی سازد؛ زیرا به اشخاص فقیر و درمانده کمک می کنی، مهمان را اکرام و عزت می نمایی و در امور حق همیاری و همکاری می کنی. حضرت محمد ﷺ در میان قوم خود از اخلاق پسندیده و نیکو برخوردار بود، در حلم و بردباری بزرگتر، در سخن راستگو تر، نرم خو تر، پاکدامن تر، نیکو کردارتر و امانتدارتر بود. آنحضرت ﷺ هرگز شراب ننوشیده و از چیزهایی که به نام بت ها ذبح و قربانی می شد، نمی خوردند و در مراسم جشن بت ها شرکت نمی نمودند. از عایشه رضی الله عنها در باره اخلاق آنحضرت پرسیده شد، فرمود: اخلاق ایشان قرآن بود، یعنی هر آنچه که در قرآن کریم آمده است، پیامبر ﷺ به آن عمل می نمود.



نمونه های عملی از فضایل اخلاقی پیامبر را که خدیجه و عائشه رضی الله عنهما بدان اشاره کرده اند بگویید.

آموختنی های درس

- عصمت پیامبر ﷺ از خرافات و امور ناپسندیده حتی قبل از بعثت.
- پیامبر همیشه مورد عنایات الهی بوده و در همه امور خداوند جل و او را از اعمال ناشایسته حفظ می نمود.



- ۱- چرا حضرت محمد ﷺ قصد شب نشینی کرد و عنایت الهی چگونه مانع آن گردید؟
- ۲- خدیجه رضی الله عنها چه وقت از فضایل اخلاقی پیامبر ﷺ یاد آور شد؟



عائشه رضی الله عنها گفته است: خلق آنحضرت ﷺ قرآن بود، این مطلب را در کتابچه های خود تعبیر نمایید.

روای صالحه و خلوت گزینی

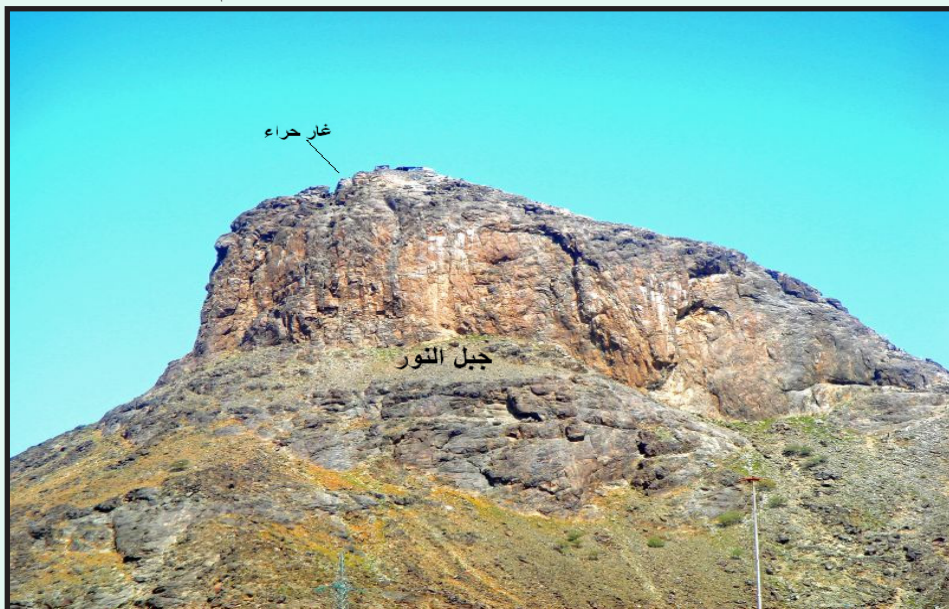
در درس‌های گذشته خواندید که خداوند ﷺ حضرت محمد ﷺ را در طفولیت و جوانی مورد عنایت خویش قرار داده و او را برای تحمل مسئولیت عظیم رسالت و رهبری بشریت آماده می‌ساخت؛ ازین رو به کارها و اخلاق نیک شهرت داشت و از گناهان و آلودگی‌ها مصون ماند.

پیش زمینه‌های بعثت

چون پیامبر ﷺ به چهل سالگی نزدیک شد، تأملات سالهای قبلی وی، فاصله میان او و قومش را بیشتر ساخت. در این دوران پیامبر ﷺ به خلوت گزینی و گوشه نشینی علاقه پیدا کرد و مقداری توشه با خود گرفته راهی غار حراء می‌گردید.

غار حراء خالیگاهی است در قلّه "جبل النور" و راه ورود آن به طرف شمال قرار دارد؛ طول آن در حدود سه متر، و حد عرض آن تقریباً ۱,۳ متر و ارتفاع آن دو متر می‌باشد، و دو نفر پشت هم می‌توانند در آن نماز بگذارند.

جبل النور به مسافت تقریباً چهار کیلومتر در شمال شرق مسجد الحرام موقعیت دارد.





پیامبر ﷺ در غار حراء مشغول عبادت و تفکر در باره جهان و آفریدگار آن بود و با روح بی کران هستی خلوت نموده و در باره آنچه که در ورای هستی نهان است، می‌اندیشید.

سه سال پی در پی، یک ماه رمضان را در غار حراء سپری می‌نمود، عبادت و خلوت ایشان در آنجا، چند روزی را در بر می‌گرفت، تا آنکه توشه ایشان به پایان می‌رسید، دو باره به خانه می‌آمد

و برای چند روز دیگری با خود توشه برمی داشت و به آن خلوتگاه می‌رفت.

این عزلت‌گزینی، در واقع بخشی از الهامهای الهی برای آنحضرت ﷺ بود تا وی را از مشغولیت‌های زمینی، غوغای زندگی و رنج‌های ناچیز مردمان که حیات‌شان را احتوا کرده است، دور نگهدارد، و او را برای عهده‌گیری مسئولیت بزرگی که در انتظار وی است، آماده سازد. از این رو، پروردگار جهان، قبل از اینکه رسالت را به وی بسپارد، سه سال عزلت و خلوت نشینی را برای پیامبر ﷺ تقدیر کرد، تا بالاخره شب دو شنبه، بیست و یکم ماه مبارک رمضان (دهم ماه اگست سال ۶۱۰ میلادی) جبرئیل علیه السلام به نزد پیامبر ﷺ فرود آمد و نخستین آیات قرآن را برایش تلقین کرد.



پیامبر ﷺ چرا از قوم خود گوشه‌گیری نمود و در غاری دور از خانه و شهر خود خلوت‌گزین شد؟ شاگردان راجع به این موضوع ابراز نظر نمایند.

رویای صالحه

پیامبر ﷺ قبل از فرود آمدن جبرئیل علیه السلام در غار حراء، خواب‌های خوب می‌دید، همین که بیدار می‌شد، دلش باز و شادمان بود، و فردای آن شب، هر آنچه را که در خواب دیده بود، به طور کامل در بیداری مشاهده می‌کرد، که به این نوع خواب، رویای صالحه یا صادقانه گفته می‌شود.

ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند: "نخستین مرحله وحی، رویای صالحه بود و رسول الله ﷺ هر چیزی را که در خواب می‌دید، آن خواب چون سپیده صبح در عالم واقع تحقق می‌یافت.

حکمت الهی در رویای صالحه

شاید حکمت الهی در اینکه برای رسول اکرم ﷺ قبل از آمدن فرشته در بیداری، در خواب وحی می‌آمد، این باشد که اگر ناگهان فرشته بیاید، شاید دچار ترس و وحشت شود و از آن فرشته چیزی نیاموزد، بنابر آن حکمت خداوند جلّ و علا بر آن شد تا در ابتدا در خواب وحی بیاید تا پیامبر ﷺ به آن عادت گیرد.

رویای صالحه - همانگونه که در حدیث آمده است - یک بخش از چهل و شش بخش پیامبری است. برای پیامبر ﷺ رویای صالحه مدت شش ماه ادامه یافت، اما هیچ چیزی از قرآن کریم بر پیامبر ﷺ در خواب نازل نشده است، بلکه همه آن در بیداری فرود آمده است.



شاگردان فرق میان رویای صالحه و وحی را بیان دارند، همچنان توضیح دهند که قرآن کریم به کدام این دو نوع، بر پیامبر ﷺ نازل شده است؟

فایده‌های خلوت گزینی

خلوت گزینی توأم با ذکر و عبادت خداوند جَلَّ جَلالُه، یکی از مراحل تزکیه نفس و عرفان است، که برای روشنایی قلب، دور کردن غفلت و اجتناب از شهوات و هوسبازی‌ها صورت می‌گیرد.

از جمله سنت‌های پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم اعتکاف ماه رمضان است که این کار برای هر مسلمان، اعم از فرمانروا و عالم و تاجر و ... اهمیت دارد، تا باشد قلب و نفس انسان از آنچه که به آن آلوده شده، پاک گردد و در خلوت با نفس خود محاسبه کند.

آموختنی‌های درس

- خلوت گزینی، تمرین و پرورش محبت خداوند جَلَّ جَلالُه در قلب‌هاست و خدا دوستی سرچشمه فداکاری و جهاد و زیر بنای هر دعوت صحیح است.



ارزیابی

- ۱- حضرت محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم در چند سالگی به پیامبری مبعوث شد؟
- ۲- غار حراء در کجا قرار دارد، فاصله آنرا از مسجدالحرام تعیین نمایید.
- ۳- قرآن کریم در کدام تاریخ بر حضرت محمد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم نازل شد؟
- ۴- پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم پیش از بعثت، در غار حراء چه کاری انجام می‌داد؟



کارخانه‌گی

شاگردان، راجع به اسباب گوشه گیری پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم و در مجموع، فواید خلوت گزینی برای انسان، یک مطلب بنویسند.

درس هجدهم

مقام پیامبر بزرگوار

پیامبر علیه السلام در هیبت، بزرگواری و وقار بی نظیر بود، دوست و دشمن او را بزرگ می‌پنداشتند و به اکرام و تعظیم به او می‌دیدند و جز فرومایه گان و بی‌خردان کسی را برخورد زشت در برابر ایشان نبود.

بخاطر اینکه ارشاد کننده به سوی حق و راه مستقیم باشد خداوند عز و جل برایش اخلاق کامله ای ارزانی نمود که دلها را بهم پیوند دهد و نفس‌ها را با هم یکجا سازد. چنانچه خداوند عز و جل در شأن وی فرمود: ((و انک لعلی خلق عظیم)). و همچنان حضرت عایشه رضی الله عنها در مورد اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است: ((کان خلقه القرآن)).

دانشمندان مسلمان اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله را از بزرگترین معجزه‌های آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌دانند و تاکید می‌کنند که داشتن چنین اخلاقی در بین انسانها در ذات خود یک امر فوق العاده است. بطور نمونه به چند صفت پیامبر صلی الله علیه وسلم بصورت خلاصه اشاره می‌نمایم.



شاگردان از معجزه‌های دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله نام بگیرند.

نگهداری زبان

پیامبر صلی الله علیه و آله زبان خود را جز در خیر به حرکت نمی‌آورد، سخن نمی‌گفت مگر اینکه در آن فایده و مصلحت مخاطب می‌بود، به اعطای حق به حقدارش امر می‌فرمود، بدگویی و جدل نمی‌کرد و بر زبان خود تسلط کامل داشت.

الفت با اصحاب

پیامبر صلی الله علیه و آله با یارانش طوری برخورد می‌کرد که هر یکی از آنها چنین می‌پنداشت که مورد عنایت خاص پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.

تواضع حمیده

پیامبر صلی الله علیه و آله تواضع داشت ولی تواضع وفروتنی او هرگز از روی ضعف و ناتوانی و

احساس ذلت نبود و هر گاه وارد مجلسی می شد یارانش را از برخاستن و اظهار تعظیم منع می کرد و در مجلس در جایی که خالی می بود، می نشست.

دوری از خشونت

پیامبر ﷺ بد زبان، سخت گوی، عیب جوی و فحش گوی نبود.

قهر نمی کرد

پیامبر صلی الله علیه و سلم در چیزهایی که وابسته به خودش می بود هیچگاه قهر نمی شد ولی در جایی که حرمت خداوند ﷻ زیر پای می شد، تا آنکه مرتکب جرم مجازات نمی شد و حد قایم نمی گردید آرام نمی گرفت.

هیبت پیامبر صلی الله علیه و سلم

پیامبر ﷺ در پهلوی اینکه شخص نهایت متواضع بود، از رعب، هیبت و وقار خاص برخوردار بود و هر کس در مقابل ایشان زیر تأثیر قرار می گرفت، و کسی هم پیش روی آن حضرت ﷺ جرأت بی ادبی نمی توانست.

گستاخترین سران مشرکین در مقابلش جرأت خود را از دست میدادند و شکست خورده می شدند چنانچه پیامبر ﷺ می فرماید: نصرت بالرعب مسیره شهر! یعنی: با فاصله یک ماه با رعب و هیبت بر دشمن نصرت داده شده ام.

مواردی از رعب پیامبر صلی الله علیه و سلم

۱- عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت می کند: روزی پیامبر ﷺ مصروف طواف بیت الله بود، و گروهی از سران مشرکین در نزدیکی بیت الله نشسته بودند هر باری که پیامبر صلی الله علیه و سلم بر آنها نزدیک می شد بر وی استهزا می کردند. پیغمبر علیه السلام بعد از ختم طواف بالای سر آنها ایستاده با قوت ایمان مشرکین را سرزنش نموده فرمود: (یا معشر قریش! شاهت الوجوه، وأرغم الله هذه المعاطس، لقد جئتكم بالذبح).

ترجمه: ای گروه قریش رویهای تان مسخ شود، خداوند این بینی های (کبر و غرور) را خوار گرداند، من برای قتل و هلاکت شما آمده ام.

سرداران مشرکین دست و پاچه شدند و به التماس و عذر خواهی می خواستند از قهر پیغمبر ﷺ کاسته شود.

۲- ابو جهل دشمن سر سخت اسلام که شخص فاجرو ظالم بود، کینه و حسد همواره او را

علیه پیامبر ﷺ هر وقت مشتعل میداشت، روزی شخصی شتری را به ابوجهل فروخت ولی ابوجهل حق وی را نمی داد موصوف به مجلس قریش آمد و گفت مسافر هستم، آیا کسی است که از ابوجهل قرض مرا بگیرد؟ سران مجلس به قصد استهزاء پیامبر علیه السلام را که در ناحیه مسجد تشریف داشت نشان دادند که آن مرد میتواند قرضت را از ابوجهل بگیرد. آن مرد به نزد پیامبر خدا ﷺ رفت و مشکل خود را عرض کرد. پیامبر علیه السلام فوراً با وی به خانه ابوجهل رفته دروازه را زد، ابوجهل آواز داد کیست؟ پیامبر ﷺ جواب داد محمد هستم، بیرون بیا. ابوجهل در حالی از خانه بیرون شد که روحیه اش را از دست داده و رنگش زرد شده مثل کالبدی بی روح نزد آنحضرت ایستاد شد. پیامبر ﷺ برایش فرمود: حق این شخص را برایش بده، ابوجهل از ترس پیامبر ﷺ حق آن شخص را آورد و برایش تسلیم نمود. مردم مجلس که غرض آگاهی ماجرا شخصی را عقب آنها فرستاده بودند آمده ماجرا را برای اهل مجلس حکایت نمود.

وقتیکه ابوجهل خودش به مجلس آمد اهل مجلس در مورد از خود ابوجهل پرسیدند، گفت: وقتیکه دروازه ام زده شد و آواز محمد ﷺ را شنیدم سراسرجانم را ترس فرا گرفت و بی اختیار پیشرویش ایستاد شدم!

۳- حضرت عمر رضی الله عنه با همه قساوت قلبی و قوت جسمی که داشت، روزیکه با خشم و سوء قصد بجان آنحضرت ﷺ به دار ارقم وارد گردید و شمشیر برهنه در دست داشت، پیش ازینکه ایمان بیاورد پیامبر ﷺ از دوطرف بازوهایش گرفت و با قوت تکان داد و به لهجه تند وی را مخاطب قرار داد: عمر! آیا بخود نه می آیی! و یا اینکه خداوند جل جلاله مثل ولید بن مغیره به زبان وحی خوار و ذلیلت بگرداند.

عمر شمشیر بدست بدون اینکه سخنی به دهن بیاورد، کلمه شهادت خواند و ایمان آورد.



شاگردان به کمک استاد یک مورد دیگر هیبت رسول ﷺ را بیان دارند.

۷- شجاعت و غیرت پیامبر ﷺ

حضرت انس رضی الله عنه می گوید ((کان رسول الله ﷺ أحسن الناس وأجود الناس، و أشجع الناس)) رسول الله ﷺ نیکوترین مردم و سخی ترین مردم و دلیرترین مردم بود. حضرت انس رضی الله عنه می گوید: یک شب اهالی مدینه منوره در اثر شنیدن آوازی شدید ترسیدند و بسوی مصدر آواز شنیده شتافتند، اما مشاهده کردند که پیامبر ﷺ با اسب سوار و شمشیر در گردن پیشروی آنها می آید، و می فرماید: نترسید، نترسید، چیزی نیست. انجام این چنین اعمال تنها از کسی متصور می باشد که دلش از شجاعت مملو و سرشار است. پیامبر ﷺ صحابه را به هجرت امر میداد ولی خودش به تنهایی در بازارهای مکه گشت و گذار نموده مشرکین را دعوت می کرد و رسالت خود را به پیش می برد.

آموختنی های درس

- - اخلاق پیامبر ﷺ قرآن است.
- - پیامبر ﷺ دارای شخصیت کامل بود.
- - بزدلی یک نقیصه و کمبود در شخصیت انسان است.

ارزیابی

- ۱- برخورد پیامبر ﷺ را با یارانش بیان دارید.
- ۲- پیامبر ﷺ در چی وقت به خشم میامد؟ توضیح بدهید.
- ۳- قصه عمرو بن عاص رضی الله عنه راجع به هیبت پیامبر ﷺ را بیان دارید.
- ۴- حق شخص مسافر را از ابوجهل کی گرفت؟ مختصراً بیان دارید.



کارخانه گی

درباره شخصیت آنحضرت ﷺ معلومات خود را بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

نزول وحی

قبلاً خواندید، هنگامی که محمد ﷺ به چهل سالگی نزدیک شد، از قوم و شهر خود گوشه نشینی اختیار نمود و در غار حراء خلوت گزین شد. در غار حراء جبرئیل علیه السلام بر وی فرود آمد و پیام خداوند ﷻ را آورد، که در این درس ادامه نزول وحی را پی می گیریم.

آغاز وحی

شب دو شنبه ۲۱ ماه مبارک رمضان، محمد ﷺ در حالی که در غار حراء مشغول عبادت و تفکر بود، ناگهان فرشته وحی (جبرئیل علیه السلام) نزد او فرود آمد و گفت: بخوان، پیامبر ﷺ گفت: من خوانده نیستم، پیامبر ﷺ حکایت می کند: فرشته چنان مرا فشرده که تاب و توانم رفت، آنگاه رهایم کرد و گفت: بخوان، گفتم: من خوانده نیستم، دیگر بار مرا چنان فشرده که تاب و توانم رفت، آنگاه رهایم کرد و گفت: بخوان، گفتم: من خوانده نیستم؛ برای سومین بار مرا فشرده و رهایم کرد و گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ «سوره العلق: آیه ۱ - ۵» ترجمه: بخوان به نام پروردگارت، آنکه آفریده است، انسان را از خون بسته آفریده است، بخوان! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است، آنکه علم آموخت انسان را به واسطه قلم، آنچه نمی دانست.

پیامبر ﷺ بعد از تلقی این آیات، با دلی لرزان نزد همسرش، خدیجه بنت خویلد رضی الله عنها بازگشت و گفت: مرا بیچانید! مرا بیچانید! او را پیچاندند تا اینکه خوف و ترس از وی دور شد، آنگاه به خدیجه گفت: مرا چه شده است؟ سپس خدیجه را از ما جرا آگاه ساخت و فرمود: "بر نفس خویش بیمناکم"، خدیجه گفت: "چنان نیست، سوگند به خدا که پروردگارت تو را هرگز خوار نخواهد ساخت، زیرا پیوند خویشاوندی را پاس

می‌داری، بار در ماندگان را به دوش گرفته و بینوایان را یاری می‌رسانی، مالت را به تهی دستان می‌بخشی، مهمان را گرمی می‌داری و در راه حق مردمان را یاری می‌دهی."



خدایچه علیه السلام از چه چیز فهمید که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را خوار نمی‌سازد و سبب خوف پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟ شاگردان در مورد اظهار نظر نمایند.

نخستین مؤدۀ پیامبری

خدایچه پیامبر صلی الله علیه و آله را با خود نزد پسر کاکایش "ورقه بن نوفل" برد. وی پیر کهنسالی بود که در اواخر عمر نابینا شده و در دوران جاهلیت به نصرانیت گرویده بود، وی با خط عبری آشنایی داشت و بخش‌هایی از انجیل را به زبان عبرانی می‌نوشت. خدایچه به ورقه گفت: پسر کاکا از برادر زاده ات (محمد صلی الله علیه و آله) بشنو! ورقه گفت: برادر زاده چه دیدی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را که در غار حراء دیده بود، بازگو کرد. ورقه گفت: این همان رازدان اسرار الهی است که خداوند جل جلاله بر موسی فرستاد، ای کاش جوان نیرومندی می‌بودم، ای کاش زمانی که قومت ترا اخراج می‌کنند، زنده می‌بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله با تعجب پرسید: آیا آنها مرا اخراج می‌کنند؟ ورقه گفت: بلی، هیچ مردی همچو نیاورده، مگر اینکه قومش با وی به دشمنی برخاسته اند. اگر روزی فرا رسد و من زنده باشم، ترا جداً کمک خواهم کرد؛ ولی دیری نگذشت که ورقه وفات کرد و نزول وحی نیز برای مدت کوتاهی قطع شد.

انقطاع وحی

در بارۀ مدت انقطاع وحی، قول صحیح آنست که چند روز بوده است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در ایام انقطاع وحی بسیار افسرده خاطر و دچار حسرت و دهشت بود، تا آنکه جریان وحی دوباره آغاز شد و آرامش خاطر برایشان دست داد.

پیامبر ﷺ در مورد آغاز مجدد وحی می‌فرماید: من در حال رفتن بودم، ناگهان آوازی از آسمان شنیدم، سر خود را به طرف آسمان بلند کردم، همان فرشته‌ی را دیدم که در حراء نزد من آمده بود، بر کرسی‌ای در میان زمین و آسمان نشسته؛ از آن ترسیدم و به زمین افتادم، سپس به خانه و نزد خانواده خود آمدم و گفتم: مرا بیچانید! مرا بیچانید! آنها مرا بیچانند، همان بود که خداوند جلّ و علاّ این آیات را فرستاد: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ سورة المدثر - آیه ۱-۵

ترجمه: ای جامه‌بر سر کشیده! برخیز و بترسان، و تنها پروردگارت را به بزرگی و کبریایی ستایش کن، و جامه خویشت را پاکیزه دار، و از چیزهای کثیف و پلید دوری نما.



ورقه از کجا دانست که آن فرشته جبرئیل علیه السلام بوده است و قریش محمد ﷺ را بعد از اعلان رسالت، از شهر مکه اخراج می‌کنند، درین مورد شاگردان ابراز نظر نمایند.

اقسام وحی

وحی به گونه‌های ذیل بر پیامبر ﷺ فرود می‌آمد

- ۱- رویای صادق: چنانکه خوابی می‌دید و فردا همانند سپیده صبح تحقق می‌یافت.
- ۲- الهام: فرشته - بدون آنکه دیده شود - در قلب پیامبر ﷺ القاء می‌کرد.
- ۳- وحی با صدایی همانند بانگ جرس در وجود آنحضرت ﷺ طنین انداز می‌شد، اما خود فرشته بر آنحضرت ظاهر نمی‌گردید. این نوع وحی بر پیامبر ﷺ از همه دشوارتر بود.
- ۴- فرشته به صورت مردی ظاهر می‌شد و با پیامبر ﷺ سخن می‌گفت، تا آنچه را که فرشته می‌گوید، پیامبر ﷺ به خاطر بسپارد. در این نوع وحی گاه گاهی صحابه کرام ملک را می‌دیدند.
- ۵- فرشته در شکل و صورت اصلی خود پدیدار می‌گردد؛ جبرئیل علیه السلام دو بار به این صورت به پیامبر ﷺ ظاهر شده است.

۶ - آنچه را خداوند ﷺ در شب معراج از بالای هفت طبقه آسمان، به پیامبر ﷺ وحی کرد.

۷ - کلام مستقیم خداوند ﷺ بدون واسطه فرشته، که این برای موسی علیهما السلام به طور قطعی و برای پیامبر ما ﷺ در حدیث اسراء ثابت شده است.

آموختنی‌های درس

- پیامبر ﷺ بشر بود و طبیعت بشری داشت، از این رو پدیده‌های خوف، افسردگی، حسرت و اندوه بعد از دیدن جبرئیل بر وی مستولی گردید.
- پیامبر ﷺ امی (ناخوان) بود، و از قبل برای پذیرفتن مسئولیت رسالت، آمادگی نداشت.
- خدیجه رضی الله عنها، زنی خردمند و با اراده بود، وبا استواری کامل با این آزمون بزرگ برخورد کرد.
- بر پیامبر ﷺ، انواع هفتگانه وحی از جانب خداوند ﷻ آمده است.

ارزیابی

- ۱ - ورقه بن نوفل به حضرت محمد ﷺ چه گفت؟
- ۲ - مدت انقطاع وحی چند روز بود؟ درین مدت پیامبر ﷺ چه حالتی داشت؟
- ۳ - وحی به چند شکل به پیامبر ﷺ می آمد؟ از جمله الهام را تعریف کنید.
- ۴ - آیت یا آیها المدر چه وقت به آنحضرت ﷺ نازل شد؟



کارخانه گی

شاگردان اقسام وحی را مفصلاً در کتابچه‌های خود بنویسند.

موقف خدیجه علیها السلام در آغاز نبوت

در درس‌های گذشته خواندید، هنگامی که جبرئیل علیه السلام در غار حراء نزد محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد و چند آیت اوائل سورة العلق را به ایشان تلقین کرد، خوف و نگرانی سراسر وجود آنحضرت صلی الله علیه و آله را فراگرفت، به نزد خدیجه آمد و ماجرا را بازگو نمود. خدیجه با خردمندی و خون سردی کامل او را دلجویی کرد، وجهت اطمینان بیشتر نزد ورقه بن نوفل برد.

تأثیر همسر نیکو در پیشبرد دعوت

پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حراء با قلب لرزان به خانه برگشت و به خدیجه علیها السلام گفت: مرا بیچانید! مرا بیچانید! او را بیچانند؛ سپس گفت: من نسبت به خود خوف دارم؛ خدیجه گفت: "چنان نیست، سوگند به خدا پروردگارت تو را هرگز خوار نخواهد کرد، زیرا پیوند خویشاوندی را پاس می‌داری، باردرماندگان را به دوش گرفته و ینوایان را یاری می‌رسانی، مالت را به تهی‌دستان می‌بخشی، مهمان را گرمی می‌داری و در راه‌های حق یاری می‌دهی."

این موقف خدیجه علیها السلام در قبال وحی، دلالت به گستردگی ادراک وی دارد؛ زیرا او بین واقعیت زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه که شنید فوراً مقایسه کرده به این نتیجه رسید: کسی که با مکارم اخلاق متصف باشد، هرگز خداوند جل جلاله او را خوار و ذلیل نمی‌سازد.

به این ترتیب خدیجه علیها السلام زود به ایمان فطری رهنمون شد، و به سنت‌ها و قوانین خداوند جل جلاله در جهان هستی آگاهی یافت، و یقیناً این را درک کرد که آنچه را محمد صلی الله علیه و آله از اخلاق حمیده و فضایل عالیه دارد، هیچ بشری در حیات طبیعی خود، به آن دست نیافته است. خدیجه یقین کامل داشت که در وجود همسرش، خصلت‌های کمال فطری و محاسن اخلاقی فراوانی وجود دارد که موفقیت و کامیابی او را تضمین و پیروزی وی را تحقق می‌بخشد.

خدیجه علیها السلام برای اثبات این قول خود، به اخلاق عالیۀ پیامبر صلی الله علیه و آله استدلال کرد؛ زیرا در تاریخ جوامع بشری، دیده نشده، کسی را که خداوند جل جلاله با اخلاق حمیده و خصلت های نیکو مزین بسازد، سپس در حیات طعم خواری را به او بچشاند. واضحاً حضرت محمد صلی الله علیه و آله در بلند ترین قله مکارم اخلاق قرار دارد، و فطرتاً خداوند جل جلاله او را چنین آفریده است.



خدیجه از کجا دانست که پیامبر صلی الله علیه و آله را خداوند هرگز خوار نمی سازد؟ شاگردان راجع به خصلت های نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله و درک سالم خدیجه علیها السلام صحبت نمایند.

ورقه بن نوفل

خدیجه علیها السلام تنها به ذکر مکارم اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه و آله اکتفاء نکرد، بلکه او را نزد پسر کاکایش، ورقه بن نوفل - که دانشمند بزرگی بود و انتظار ظهور پیامبر آخر زمان را می کشید - برد. سخنان ورقه تأثیر نیکی در استواری و تقویۀ قلب حضرت محمد صلی الله علیه و آله گذاشت؛ زیرا به پیامبر صلی الله علیه و آله اطمینان داد: فرشته ای که نزد تو آمد، همان رازدان بزرگی است، که وظیفۀ آوردن وحی از جانب خداوند جل جلاله به پیامبران علیهم السلام را دارد.

نقش خدیجه در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه علیها السلام در زندگی آنحضرت صلی الله علیه و آله - از ازدواج تا بعثت و در پیشبرد امور دعوت - نقش بسیار مهمی بازی کرد؛ زیرا وی در میان قوم خود شخصیت بارزی داشته، از شایستگی، اخلاق عالی، مهربانی، بردباری، دانایی، قاطعیت و غیره مکارم اخلاق برخوردار بود. خداوند جل جلاله این همسر نمونه و بزرگوار را به خاطری نصیب آنحضرت صلی الله علیه و آله ساخت تا الگویی باشد برای همه جهانیان، به ویژه دعوتگران. بدون شک خدیجه علیها السلام یک الگوی عالی برای همه همسران دعوتگران بود؛ زیرا یک

دعوتگر به همسری نیاز دارد که کار و وجیه دعوت و اهمیت آن، رنج‌ها و مشکلاتی را که در این راه متحمل می‌شود، کاملاً درک نماید، و غرض تسهیل وظیفه دعوت در کنار وی بایستد، نه اینکه برعکس مانع وی گردد و خاری بر سر راه او باشد. زن نیکوکار، تأثیر خاص خود را در پیروزی یک دعوتگر دارد، و ما این را از موقف خدیجه میابیم که چگونه در کنار آنحضرت ﷺ ایستاد، در حالی که تازه نزول وحی را تجربه می‌کرد.

دعوت به سوی خدا، بزرگترین کاریست که انسان انجام می‌دهد، اگر یک دعوتگر به داشتن همسر نیکوکار و با کفایت توفیق یابد، این پیروزی بزرگ است. رسول الله ﷺ فرموده است: **الدنيا متاع وخير متاع الدنيا المرأة الصالحة** "دنیا همه اش متاع است، و بهترین متاع دنیا همسر صالحه می‌باشد".

از سوی دیگر رسول الله ﷺ هم یک نمونه بسیار عالی یک شوهر وفادار بود، و با این همسر مخلص خود نهایت وفادار ماند و او را چه در حیات و چه بعد از وفات پاس می‌داشت. ام المؤمنین، عائشه رضی الله عنها در این باب می‌گوید: "به هیچ یک از زنان پیامبر ﷺ رشک نمی‌بردم، چنانکه به خدیجه می‌بردم؛ در حالی که من او را ندیده بودم، اما پیامبر ﷺ از وی زیاد یاد می‌کرد، و گاهی گوسفندی می‌کشت، و گوشت آن را توتۀ توتۀ نموده به دوستان خدیجه می‌فرستاد، احیانا از روی رشک می‌گفتم: گویا در دنیا غیر از خدیجه زن دیگری نبوده است! خداوند بهتر از خدیجه به تو ارزانی فرموده است، پیامبر ﷺ می‌فرمود: «خداوند بهتر از خدیجه بمن نداده؛ او بمن ایمان آورد و قتیکه مردم بمن کفر ورزیدند، مرا تصدیق نمود و قتیکه مردم مرا تکذیب نمودند، با مال خود مرا یاری رساند و قتیکه مردم مرا محروم ساختند، خداوند از وی برای من فرزندان نصیب کرد در حالیکه از داشتن فرزند از زنان دیگر محروم شدم».

حرف‌های ورقه بن نوفل چه تأثیری در روحیهٔ پیامبر ﷺ داشت؟

آموختنی‌های درس

- - اخلاص خدیجه نسبت به شوهرش حضرت محمد ﷺ.
- - نقش تعیین کننده زن در پیروزی یک دعوتگر و یا عکس آن.
- - وفاداری پیامبر ﷺ به خدیجه در زمان حیات و بعد از وفات ایشان.

ارزیابی

- ۱ - ورقه بن نوفل چگونه شخصی بود؟
- ۲ - یک نمونه از وفاداری پیامبر ﷺ نسبت به خدیجه کبری را بیان دارید.
- ۳ - عائشه چرا از منزلت حضرت خدیجه رضی الله عنها در نزد رسول الله ﷺ رشک می‌برد؟
- ۴ - هدف خدیجه از بردن پیامبر ﷺ نزد ورقه بن نوفل چه بود؟

کارخانه‌گی

شاگردان راجع به نقش فعال و سازنده حضرت خدیجه رضی الله عنها در کار دعوت رسول اکرم ﷺ در کتابچه‌های خود معلوماتی بنویسند.

درس بیست و یکم

مرحله دعوت سری

زمانی که وحی برای مدتی قطع شد، پیامبر ﷺ دچار اضطراب و دل‌تنگی گردید، تا اینکه با نزول اوائل سوره المدثر، بار دیگر نزول وحی از سر گرفته شد و این کار باعث اطمینان خاطر آنحضرت ﷺ گردید.

آغاز مسؤولیت بزرگ

اکنون حضرت محمد ﷺ به یقین می‌داند که پیامبر خدا ﷺ است؛ جبرئیل علیه السلام، بار دوم نزد وی آمد و آیات اول سوره المدثر را بر آنحضرت القا نمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ * وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ (سوره المدثر ۱-۵)

ترجمه: ای جامه بر سر کشیده! برخیز و بترسان، و تنها پروردگارت را به بزرگی ستایش کن، و جامه خویش را پاکیزه دار، و از چیزهای کثیف و پلید دوری نما. نزول این آیات، درحقیقت اعلام این امر بود که دیگر دوران راحت سپری شده و در پیش روی مسؤولیت سترگی قرار دارد که ایجاب بیداری و بالا زدن آستین را می‌نماید، باید مردمان را رهنمایی کرد و با وحی انس گرفت و برای غلبه بر رنجها از وحی الهی کمک طلب کرد.

در آیات نخستین سوره المدثر، خداوند ﷻ پیامبر ﷺ را مکلف می‌سازد که به تبلیغ رسالت خود پردازد، که با توجه به حکم آیات مبارکه فوق، در چند محور زیر خلاصه می‌شد:

توحید و یکتا پرستی، ایمان به روز آخرت، تزکیه نفس، کسب فضایل و اعمال نیک، زدودن فساد از جامعه و جلب منفعت؛ البته همه اینها باید بعد از ایمان به رسالت محمد ﷺ و تحت رهبری خردمندانه ایشان تحقق یابد.

از آیه مبارکه ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ﴾ چه مفهومی را استنباط می‌نمایید؟ با رهنمایی استاد شاگردان اظهار نمایند.

آغاز دعوت سری

بعد از نزول آیات نخستین سوره المدثر، پیامبر ﷺ دعوت به دین اسلام را مخفیانه آغاز کرد. چون مکه مرکز دینی عربها بود و در آن متولیان کعبه زندگی میکردند، امور واریسی به بتهای سائر قبائل عرب، نیز از مکه رهبری می‌شد؛ از این رو دستیابی به هدف اصلاحی در مکه، نسبت به مناطق دیگر بسیار مشکل و دشوار بود. البته این کار نیاز به عزمی راسخ داشت تا در برابر مصیبت‌ها و فاجعه‌ها تزلزل ناپذیر باشد، بنابر آن حکمت الهی ایجاب می‌کرد که دعوت سری بوده و برای مردم مکه، که در دین بت پرستی خود تعصب داشتند، کاری ناگهانی نباشد.

با توجه به حساسیت مرحله، پیامبر ﷺ در مجالس عمومی، قریش را به اسلام دعوت نمی‌کرد، و نه کسی را که با وی قرابت نزدیک و یا از قبل معرفت نمی‌داشت.

مراحل دعوت اسلامی

می‌توان تاریخ دعوت محمدی ﷺ را به دو دوره عمده تقسیم کرد.

۱- دوره مکی، که تقریباً ۱۳ سال بود.

۲- دوره مدنی، که ده سال کامل؛ یعنی تا زمانی که پیامبر ﷺ به لقاء الله پیوست، طول کشید.

هریک از این دو دوره (مکی و مدنی) چند مرحله دارد که با هم تفاوت دارند، و فرق میان هر دوره آن، با توجه به شرایطی که دعوت اسلامی از آن عبور کرده است، آشکار می‌گردد؛ بنا بر آن دوره مکی به سه مرحله تقسیم می‌شود:

- ۱ - مرحله دعوت سرّی، که از آغاز بعثت تا سه سال دوام داشت.
- ۲ - مرحله اعلان دعوت در میان مردم مکه؛ این مرحله از آغاز سال چهارم بعثت الی اواخر سال دهم ادامه یافت.
- ۳ - مرحله دعوت و انتشار اسلام در بیرون مکه؛ که این مرحله از اواخر سال دهم بعثت تا زمان هجرت آنحضرت ﷺ به مدینه منوره ادامه داشت.



دعوت اسلام در ابتدا چرا بیشتر متوجه اهل مکه ساخته شده بود، در حالی که پیامبر ﷺ فرستاده خداوند برای رهنمایی همه انسانها بود؟ نظر بدهید.

آموختنی‌های درس

پیامبر ﷺ در سالهای نخستین بعثت، کار دعوت را مخفی نگه می‌داشت، و فقط کسانی را به اسلام دعوت می‌نمود که یقین می‌داشت ایمان می‌آورند؛ این کار رهنمودی است برای سایر دعوتگران در باب مشروعیت بکارگیری احتیاط و اسباب ظاهری. البته اتخاذ احتیاطات لازمه تا جایی مشروعیت دارد که با اصل توکل به الله ﷻ در تعارض قرار نگیرد.

از این رو، هر دعوتگر مسلمان - در هر عصری که باشد - می‌تواند مروت و انعطاف پذیری لازم را در مورد چگونگی شیوه دعوت - پنهانی یا آشکارا، نرمش و یا شدت - مطابق به خواست شرایط و اوضاع عصری که در آن زندگی می‌کند، به کار گیرد.



- ۱ - محورهای اصلی دعوت پیامبر ﷺ در نخستین سالهای بعثت چه بود؟
- ۲ - تاریخ دعوت محمد ﷺ به چند دوره، و هر دوره آن به چند مرحله تقسیم می شود؟
- ۳ - پیامبر ﷺ چرا دعوت خود را مخفی نگه می داشت؟ در حالی که وظیفه داشت رسالت خود را به جهانیان برساند.
- ۴ - اتخاذ احتیاطات لازم در باب دعوت، تا کجا جایز و مشروع است؟



کارخانه گی

شاگردان راجع به فواید و اهمیت سرّی بودن دعوت در نخستین مراحل کار دعوتگری، در کتابچه های خود بنویسند.

درس بیست و دوم

پیش آهنگان اسلام

بعد از نزول اوایل سورۃ المدثر، پیامبر ﷺ به دعوت مردم به دین مبین اسلام آغاز کرد؛ طبیعی بود که دعوت را از خاندان و دوستان نزدیک خود شروع نماید. نخستین کسانی که به دین اسلام گرویدند، خدیجه، علی بن ابی طالب، زید بن حارثه، ابوبکر، عثمان بن عفان، زبیر بن عوام، عبد الرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنهم - بودند.

خدیجه بنت خویلد: نخستین زن، بلکه اولین انسانی که به آنحضرت ﷺ ایمان آورد، خدیجه همسر با وفای ایشان بود. حضرت خدیجه اولین کسی بود که قرآن و وحی الهی را از زبان مبارک حضرت محمد ﷺ شنید، همچنان او اولین شخصی بود که بعد از رسول الله ﷺ قرآن را تلاوت کرد و اولین انسانی بود که از رسول الله ﷺ نماز آموخت؛ از این رو خانه خدیجه، اولین خانه بود که وحی الهی - بعد از اینکه در غار حراء بر قلب آنحضرت ﷺ فرود آمد - در آنجا تلاوت شد.

علی بن ابی طالب: از جمله خورد سالان علی رضی الله عنه نخستین کسی بود که به دین مبین اسلام گروید، وی در آن زمان ده سال عمر داشت.

از نعمت‌های خداوند جل جلاله بر علی رضی الله عنه این بود که او قبل از اینکه به آیین مقدس اسلام مشرف شود، در آغوش آنحضرت ﷺ تربیت یافت و بزرگ شد؛ زیرا پیامبر ﷺ او را از ابوطالب گرفته و به خانواده خود ضم ساخته بود. به این ترتیب علی بعد از پیامبر ﷺ و خدیجه، سومین انسانی بود که نماز خواند. روایت است که پیامبر ﷺ وقت نماز - در آن زمان فقط دو وقت نماز چاشت و شام فرض بود - به دره‌های مکه می‌رفت و با خود علی را مخفی از پدر و کاکاهایش، می‌برد، و در آنجا هر دو نماز می‌گزاردند، سپس شام بر می‌گشتند.

زید بن حارثه: از طبقه برده گان، زید بن حارثه اولین کسی بود که اسلام آورد. زید محبوب پیامبر ﷺ، غلام و پسرخوانده ایشان بود. وقتی پدر و خانواده زید به مکه آمدند

تا او را از رسول الله ﷺ خریداری و آزاد نمایند، پیامبر ﷺ اختیار این کار را به خود زید واگذار کرد، تا خود انتخاب کند که با پدر و قوم خود می‌باشد، یا با پیامبر ﷺ؟ زید گفت: من کسی نیستم که بر تو کس دیگری را برگزینم، تو برای من حیثیت پدر و کاکا را داری. پدر و کاکای زید گفتند: وای بر تو! بندگی را بر آزادی و بر پدر، کاکا و خانواده خود ترجیح می‌دهی؟ زید گفت: بلی، من از این شخص چیزی دیده‌ام که هرگز نمی‌توانم کسی را برگزینم. پس از آن نبی کریم ﷺ آزادی زید و به تبنی گرفتن او را اعلان کرد.



پیروان پیامبر اسلام ﷺ از کدام طبقه بودند؟ آیا مخاطبان اسلام طبقه خاصی بودند یا خیر؟ در این باره نظر بدهید.

ابوبکر بن ابی قحافه: از جمله مردان آزاد، ابوبکر اولین کسی بود که به پیامبر ﷺ ایمان آورد. ابوبکر قبل از بعثت، از جمله یاران و دوستان خاص رسول الله ﷺ بود. پیامبر ﷺ در مورد اسلام ابوبکر می‌فرماید: "من هیچ کس را به اسلام دعوت نکردم، مگر اینکه تردد و دو دلی نشان داد، بغیر از ابوبکر؛ چون او را به اسلام دعوت کردم، بلا درنگ ایمان آورد."

اسلام ابوبکر، اسلام یک شخص نبود، بلکه اسلام یک امت بود؛ زیرا ابوبکر در میان قریش جایگاه خاصی داشت، از اخلاق نیکو برخوردار بود و مردم در بسیاری امور به وی مراجعه می‌نمودند.

نقش ابوبکر در گسترش دعوت اسلامی

ابوبکر رضی الله عنه با استفاده از منزلت اجتماعی که در میان قریش داشت، آغاز به دعوت دیگران به دین اسلام کرد، دیری نگذشت که بهترین جوانان مکه به دعوت ایشان لبیک گفته ایمان آوردند، که عبارت بودند از:

عثمان بن عفان (۳۴ ساله)، عبد الرحمن بن عوف (۳۰ ساله)، سعد بن ابی وقاص (۱۷ ساله)، طلحه بن عبید الله (۱۳ ساله) و زبیر بن العوام (۱۲ ساله) رضی الله عنهم. این پنج قهرمان، نخستین ثمره اسلام ابوبکر صدیق بود که دعوت او را پذیرفتند، سپس در حضور آنحضرت ﷺ ایمان آوردند.

اینها دسته اول مسلمانان بودند، اما دسته دوم مسلمانان، عبارت بودند از: ابو عبیده بن جراح، ابو سلمه، ارقم بن ابی ارقم، خباب بن ارت، عثمان، قدامه و عبد الله پسران مظعون، عبیده بن حارث، سعید بن زید، فاطمه بنت خطاب، اسماء و عائشه دختران ابوبکر رضی الله عنهم.

اما دسته سوم تعدادشان زیاد بود، و مشهورترین آنها عبارت بودند از: عبد الله بن مسعود، عبد الله بن جحش، جعفر بن ابی طالب و همسرش اسماء بنت عمیس، خالد بن سعید بن عاص، صهیب بن سنان رومی، ابوذر غفاری، بلال حبشی. عده ای از زنان جوان که یکجا با شوهران خود ایمان آوردند، شامل همین دسته سوم می باشند.

دختران پیامبر ﷺ: از جمله نخستین مؤمنان، دختران پیامبر ﷺ: زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه بودند. اینان قبل از بعثت رسول اکرم ﷺ هم گرویده اخلاق نیکو و حسن سلوک و پاکیزگی پدر بزرگوار خود بودند، بنابراین خاندان پیامبر ﷺ، یک خاندان الگو برای همه خاندانهای مسلمان است.



شاگردان عزیز! ایمان آوردن زنان جوان با شوهران ایشان در آغاز بعثت ﷺ، به چه چیز دلالت می نماید؟ آیا زن می تواند دوشادوش مرد در عرصه دعوت فعالیت نماید؟

آموختنی‌های درس

- از موفقیت‌های یک دعوتگر این است که اقارب نزدیک و اعضای خانواده او قبل از دیگران به اهداف و آرمان‌های وی باورمند باشند.
- ابوبکر صدیق رضی الله عنه، دومین شخصی بود که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در نشر اسلام در میان اهل مکه نقش فعال داشت.
- پیشتازان اسلام را افرادی تشکیل می‌دادند که نمایندگی از طبقات مختلف جامعه می‌نمودند، از اشراف و ثروتمندان تا برده‌ها و مستمندان.

ارزیابی

- ۱- اولین کسی که از نوجوانان اسلام آورد، چه کسی بود؟
- ۲- کدام اشخاص توسط ابوبکر صدیق رضی الله عنه به دین مقدس اسلام مشرف شدند؟
- ۳- زید بن حارثه چه نسبتی به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله داشت؟



کارخانه‌گی

شاگردان، نام پانزده تن از پیش آهنگان اسلام را در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس بیست و سوم

دار ارقام

پیامبر ﷺ برای جماعت مسلمین که ایمان خود را از مشرکین قریش مخفی نگه می داشتند، مرکزی در نظر گرفت تا از چشم مشرکان پوشیده به تربیه و تعلیم آنها پردازد. این محل خانه ارقم رضی الله عنه، از پیش آهنگان اسلام بود که در عقب کوه صفا موقعیت داشت.

مدرسه مخفی دار ارقام

در سالهای نخستین دعوت اسلام، خانه ارقم به مرکزی تبدیل شده بود که مسلمانان مخفیانه در آن جمع می شدند و از رسول الله ﷺ تازه های وحی را فرا می گرفتند. در دار ارقم پیامبر ﷺ به آنان موعظه و نصیحت می کرد و قرآن تلاوت می نمود؛ یاران پیامبر ﷺ هم هر آنچه را که در دل و ما فی الضمیر خود داشتند، در طبق اخلاص به حضور آنحضرت ﷺ می گذاشتند. این گروه مسلمان زیر نظر شخص پیامبر ﷺ تربیت می دیدند که خود رسول اکرم ﷺ زیر نظر رب العالمین پرورش می یافت. بنابر آن دار ارقم بزرگترین مدرسه تربیتی و تعلیمی بود که بشریت تا اکنون شناخته است؛ زیرا استاد و مربی این مدرسه، رسول الله ﷺ بود که مربی و معلم همه بشریت می باشد. بدین ترتیب دار ارقم بزرگترین مدرسه و دانشگاه جهان بود، و در آن پیامبر ﷺ با فرهیخته گان مسلمان دیدار و تبادل نظر می کرد، که در واقع یک تمرین عملی بود برای پای بندی به سپاهی گری، اطاعت، رهبری، آداب و اصول.

در دار ارقم، خداوند جلّ و علا به پیامبرش توفیق داد تا نخستین جماعت مسلمان را تشکیل و سازماندهی کند. در این مرحله، یعنی مرحله سرّیت دعوت، آنحضرت ﷺ توانست

مردانی را تربیت نماید که پرچم توحید، جهاد و دعوت را بدوش کشند و جزیره العرب را تحت قلمرو خود در آورند و در خلال نیم قرن، فتوحات بزرگی را نصیب شوند.



در دار ارقم چه رابطه‌ی بین رسول الله ﷺ و یارانش برقرار بود؟

رسول الله ﷺ، نخستین شخصیت محرّک اسلام بود، شخصیتی که قدرت جذب و تأثیر گذاری بر دیگران را داشت، و در مجموع کامل ترین چهرهٔ بشر در تاریخ کرهٔ زمین شمرده می‌شود.

ماده و مضمونی که توسط رسول الله ﷺ در مدرسهٔ دار ارقم تدریس می‌شد، قرآن کریم بود و سعی می‌کرد که قرآن یگانه نصاب تعلیمی و اندیشهٔ مرکزی این مدرسه باشد تا مطابق آن فرد، خانواده و گروه مسلمان تربیت یابند.

شاگردان این مدرسه، می‌دانستند که قرآن کریم و دستورات رسول اکرم ﷺ دو اصل و مرجع قانون اساسی دعوت، زندگی، دولت و تمدن است.

نسل اول اسلام، قرآن کریم را از زبان مبارک آنحضرت ﷺ با جدّیت، آگاهی و علاقه مندی شدید به منظور فهم تعلیمات و رهنمودهای ایشان فرا گرفت. این نسل در واقع ممثلین عملی و تطبیقی این توجیهات الهی بود. بنا برآن، دار ارقم مدرسهٔ الهی بود که از آن دعوتگران و رهبران خدا پرست فارغ شدند که تاریخ بشریت - در گذشته و آینده - نظیر آن را سراغ ندارد.

اسباب انتخاب دار ارقم به حیث مرکز

پیامبر ﷺ روی چند سبب دار ارقم را به حیث مرکز دعوت انتخاب کرد:

- ۱ - ارقم رضی الله عنه به اسلام آوردن شناخته شده نبود، بنابراین کسی گمان نمی کرد که محمد ﷺ با یارانش در خانه ارقم گرد هم می آیند.
- ۲ - ارقم بن ابی ارقم رضی الله عنه از قبیله بنی مخزوم بود، و بنی مخزوم در صف اول مخالفت و جنگ علیه بنی هاشم قرار داشتند؛ بنابراین بعید می نمود که پیامبر ﷺ مرکز خود را در خانه یکی از افراد دشمن قبیله خود اتخاذ نماید.
- ۳ - ارقم به هنگام اسلام آوردن شانزده سال عمر داشت، روزی که قریش در جستجوی پیدا کردن مرکز تجمع مسلمانان می شدند، در دل هیچ کس خطور نمی کرد که او را در خانه های جوانان خورد سال صحابه جستجو کنند، بلکه در ذهنیت ها غالباً این فکر خطور می کرد که محل تجمع آنها خانه یکی از افراد بنی هاشم و یا خانه ابوبکر و غیره باشد. بنا بر آن انتخاب این محل، از نگاه امنیتی نهایت حکیمانه بود.



فعالیت

شاگردان عزیز! هدف پیامبر ﷺ از تجمع با مسلمانان در خانه ارقم چه بود؟

آموختنی های درس



- هر دعوت و اندیشه به داشتن یک مرکز مطمئن ضرورت دارد تا پیروان خود را مطابق اصول تربیتی خود، تعلیم، تربیت و رهنمایی کند.
- پیامبر ﷺ با وجودی که با وحی الهی تأیید می شد، توسل به اسباب و وسائل امنیتی

مادی را هم مد نظر داشت.

- هر صاحب رسالت، قبل از رسیدن به هدف، باید اقدام به تربیت نسلی بکند تا رسالتش را مسئولانه بدوش کشد.



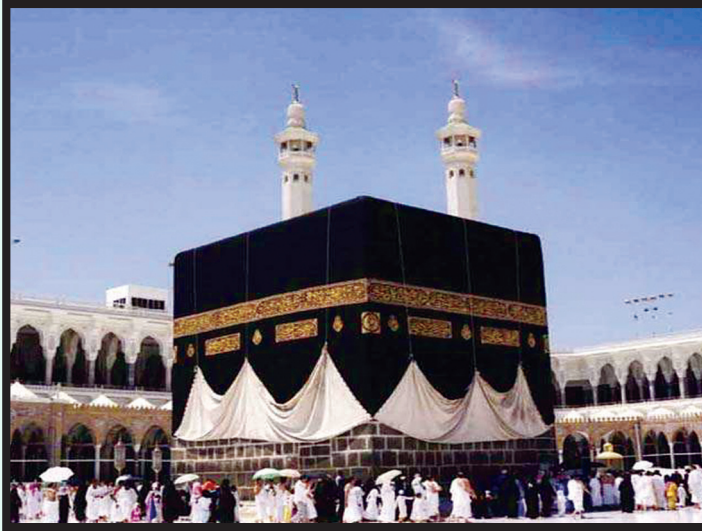
- ۱- دار ارقم در کجای مکه موقعیت داشت؟
- ۲- پیامبر ﷺ در دار ارقم کدام مواد درسی را به مسلمانان آموزش می داد؟
- ۳- هدف پیامبر ﷺ از مخفی شدن در دار ارقم چه بود؟
- ۴- اسباب انتخاب دار ارقم به حیث مرکز مخفی اسلام چه بود؟



شاگردان راجع به اهمیت و نقش دار ارقم در مرحله دعوت سرّی اسلام، یک مطلب در کتابچه های خود بنویسند.

درس بیست و چهارم

مرحله دعوت علنی



چنانکه در درس گذشته خواندید، مسلمانان در ابتدای بعثت در اقلیت و ضعف قرار داشتند، بنابر آن پیامبر ﷺ مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می نمود و مسلمانان در دار ارقم بصورت سری جمع می شدند، نماز می خواندند و به تعلیمات رسول اکرم ﷺ گوش فرا می دادند، درین درس خواهیم خواند که پیامبر ﷺ چگونه به دعوت علنی مأمور گردید.

اعلان دعوت اسلام در مکه

سه سال از بعثت محمد ﷺ و دعوت سری ایشان سپری شده بود که آیه مبارکه: ﴿وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ سورة الشعراء: ۲۱۴ "ترجمه: خویشاوندان نزدیک خود را (از شرک و مخالفت با فرمان پروردگار) بترسان" نازل شد و به دنبال آن آیه کریمه: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ سورة الحجر: ۹۴ "پس آشکارا بیان کن آنچه را که بدان فرمان داده می شوی و به مشرکان اعتنا مکن" بر پیامبر ﷺ فرود آمد؛ پیامبر ﷺ در

قدم اول خویشاوندان نزدیک خود را دعوت کرد و آنان را از عواقب ناگوار کفر و شرک بخداوند عز وجله هشدار داد. ابولهب، کاکای پیامبر صلی الله علیه و آله با انتقاد ازین کار، پیامبر صلی الله علیه و آله را سرزنش کرد ولی ابو طالب، کاکای دیگرشان با قاطعیت از وی حمایت نمود.

فعالیت

شاگردان عزیز! در باره دشواری وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله فکر کرده صحبت نمایید.

در کوه صفا

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر کوه صفا، در نزدیکی کعبه مشرفه بالا شد و با صدای بلند یکا یک خاندان‌های قریش را نام گرفته، آنان را به سوی خود فراخواند.



قریشیان با شنیدن آواز بلند از فراز کوه صفا - که عادتاً جهت ابلاغ خبر مهمی بعمل می‌آمد - بسوی آن شتافتند و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله گرد آمدند.

نکات مهم دعوت این مرحله

در کوه صفا پیامبر صلی الله علیه و آله به سخن آغاز نمود و خطاب به قریشیان فرمود: "اگر من به شما بگویم که یک لشکر دشمن از ورای این کوه قصد حمله بالای شما را دارد؛ شما این را باور می‌کنید؟

"گفتند: "بلی! ما تا اکنون از تو دروغی نشنیده ایم" پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از اینکه گواهی قریش مبنی بر راستگویی و امانتداری خویش را گرفت، آنان را به سه چیز دعوت کرد:

توحید خداوند جَلَّ جَلَالُهُ، ایمان به روز رستاخیز (آخرت) و تصدیق به رسالت خودش؛ بدین وسیله پیامبری خویش را به قریش اعلان نمود.

واکنش قریش

قریشیان در مقابل سخنان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خاموشی اختیار کردند، ولی ابولهب که شخص سرکش و لجوجی بود، با خشم و خشونت، خطاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: هلاک شوی! به همین خاطر ما را به اینجا دعوت کردی؟ خداوند جَلَّ جَلَالُهُ در جواب این حرف زشت ابولهب، سوره مبارکه «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (سوره المسد: ۱) را نازل فرمود.



شاگردان در کتابچه‌های خود مفهوم سوره مبارکه المسد را بنویسند.

حمله بر بت پرستی

بعد از آشکار شدن دین مقدس اسلام، رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عقاید خرافی و شرکی قریش را مورد هجوم قرار داده و به ایشان بیان داشت که بت‌هایی را که شما می‌پرستید، همانا سنگ و چوب بی اراده‌ای هستند که برای انسان هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنان این گمان مشرکین را که گویا به دین پدران خود پابند هستند، باطل اعلام کرده فرمود: آباء و اجداد شما نیز گمراه بودند؛ زیرا بت‌هایی را پرستش می‌کردند که از سنگ و چوب درست شده بود.



شاگردان راجع به اینکه چرا انسان به خدای یگانه جَلَّ جَلَالُهُ شریک می‌آورد و مخلوقات بی جان و بی اراده را پرستش می‌کند، فکر کنند، و بگویند آیا این کار با عقل برابر است؟

آموختنی‌های درس

- هر دعوت‌گر و مصلح، در راه تطبیق برنامه اصلاحی خود، ممکن با مقاومت و ممانعت قوم و حتی نزدیکترین اقارب خود روبرو شود، که این کار نباید باعث توقف تلاشهای وی برای رسیدن به هدف و انجام رسالتش گردد.
- هر دعوت‌گر برنامه اصلاحی خود را مرحله بندی نموده و با توجه به شرائط و امکانات دست داشته، شیوه‌های پیشبرد برنامه خود را عیار نماید.



ارزیابی

الف: به سؤالهای زیر جواب بدهید:

- ۱- پیامبر ﷺ چند سال مخفیانه دعوت می کرد و چرا؟
 - ۲- آنحضرت ﷺ در کجا پیامبری خود را به قریش اعلان نمود؟
 - ۳- عکس العمل قریش و کاکاهای پیامبر در برابر آن چه بود؟
 - ۴- در کوه صفا پیامبر ﷺ چه مطالبی را بیان کرد؟
 - ۵- سوره «المسد» در چه مناسبتی نازل شد؟
- ب:** در مقابل جملات صحیح علامت (✓) و مقابل جملات غلط علامت (X) بگذارید:
- ۱- دعوت به دین اسلام زمانی آشکار و علنی گردید که جبریل علیه السلام، به غار حراء فرود آمد.
 - ۲- مشرکان محمد ﷺ را به راستگویی و امانتداری می شناختند.
 - ۳- مشرکان دین اسلام را به خاطری نپذیرفتند که معتقد به دین پدران خود بودند.
 - ۴- ابو لهب در صف دشمنان پیامبر ﷺ قرار داشت و ابوطالب از حامیان ایشان بود.



کارخانه گی

شاگردان عزیز! راجع به اینکه چرا پیامبر ﷺ مجبور شد تا دعوت خود را مخفیانه به پیش ببرد و همچنان اسبابی را که باعث آشکارشدن دعوت شد، در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس بیست و پنجم

مهمترین اعتراضات مشرکین

بعد از سه سال دعوت سرّی، خداوند ﷺ به پیامبر ﷺ امر فرمود تا دعوت خود را آشکار سازد، که این دعوت با عکس العمل و اعتراضات گوناگون مشرکین مواجه گردید، در این درس مختصراً به موانع پیشروی دعوت اسلام اشاره می‌شود.

۱ - اعتراض بر وحدانیت الله ﷻ

کفار مکه اعتراف داشتند که خداوند ﷻ خالق و آفریدگار آنها و همه اشیاء است، مگر با آنهم بت‌ها را پرستش می‌کردند، به گمان اینکه وسیلهٔ تقرب و نزدیکی به خداوند ﷻ می‌باشند. بت پرستی در میان اهل مکه از ملل مجاور انتقال پیدا کرده بود، بنابراین مشرکین از دعوت توحید تعجب نموده و آن را شدیداً رد کردند. قطعاً تصور کفار مکه از الله ﷻ و رابطهٔ آن با خلق درست نبود؛ زیرا گمان می‌بردند که خداوند ﷻ برای خود از جملهٔ جنّیات همسری انتخاب کرده که از آن فرشتگان تولد شده اند، بنابراین فرشتگان - العیاذ بالله - دختران الله می‌باشند. خداوند ﷻ در رد این مزاعم باطل مشرکان، در چندین جای قرآن کریم تأکید فرمود که جنّیات و فرشتگان همانند انسان‌ها مخلوقات خداوند ﷻ هستند، و الله همسر و فرزندی ندارد.

۲ - انکار از روز آخرت

دعوت پیامبر ﷺ به ایمان به روز آخرت، با استهزاء و تکذیب مشرکین رو به رو شد. آنها زنده شدن بعد از مرگ را انکار نموده گمان می‌کردند که بجز زندگی دنیوی، زندگی دیگری وجود ندارد. برای اینکه به روز آخرت ایمان بیاورند، از پیامبر ﷺ طلب کردند که پدران شان زنده گردانده شوند، آنها از این حقیقت غافل بودند ذاتی که بار اول آنان را خلق کرد، قادر است در روز قیامت دوباره آنها را زنده بگرداند. اسلوب قرآن کریم برای قانع کردن مردمان به زنده شدن بعد از مرگ، بر خطاب عقل و

انسجام با فطرت انسانی استوار بود. قرآن کریم استدلال میکرد: به خاطر جزا و محاسبه، حکمت خداوند ﷻ تقاضا می‌نماید که بعث مردم (زنده شدن بعد از مرگ) در روز آخرت وجود داشته باشد، تا بدکار کیفر و نیکوکار پاداش عمل خود را ببیند. قرآن کریم برای امکان زنده شدن بعد از مردن انسانها، روئیدن دو باره نباتات را مثال می‌آورد، که این دلیل روشنی است بر این حقیقت: ذاتی که زمین را بعد از خشکیدن زنده می‌کند، قادر است در کالبدهای فرو ریخته و استخوانهای پوسیده انسان‌ها نیز ارواح را اعاده نماید.



مشرکین مکه در حالی که اعتراف می‌کردند که آفریدگار و روزی دهنده ما الله ﷻ است پس چرا بت‌های بی روح و بی اراده و ناتوان را پرستش می‌کردند؟

۳- اعتراض بر شخص رسول الله ﷺ

مشرکان بر شخص پیامبر ﷺ نیز اعتراض داشتند؛ زیرا به تصور آنها پیامبر بشر نیست و باید فرشته و یا همراه با فرشته باشد. به زعم آنها پیامبر به غذا نیاز نداشته و در بازارها گشت و گذار ننماید؛ گویا نشنیده بودند که پیامبران همه غذا می‌خوردند و گشت و گذار و کسب و کار می‌نمودند. آنها همچنان می‌خواستند پیامبر باید خیلی ثروتمند باشد تا در چشم‌ها بزرگ بنماید. علاوه بر آن به پیامبر ﷺ نسبت‌های دیوانه، کاهن، شاعر، دروغگو و جادوگر نمودند.

۴- موقف مشرکان در برابر قرآن کریم

کفار به این حقیقت ایمان نداشتند که قرآن کریم از جانب خداوند ﷻ فرود آمده است، و آنرا نوعی از شعر می‌دانستند، در حالی که اگر بین قرآن و اشعار عرب مقایسه شود، به روشنی شناخته می‌شود که بین این دو فرق کلی وجود دارد؛ زیرا قرآن کلام منزل خداوند ﷻ بر پیامبر ﷺ است و شباهتی میان آن و کلام شعرا و کاهنان وجود ندارد.

چگونه ممکن است قرآن شعر باشد، در حالی که قرآن شعرا را مذمت می کند؟ کفار به سلسلهٔ تهمت زنی ها و افتراءات خود نسبت به پیامبر ﷺ گفتند: محمد قرآن را از یک غلام عجمی می آموزد - در حالی که آن غلام مقدار ناچیزی از کلام عربی را می دانست - قرآن از این قول آنها ابراز شگفتی کرده می فرماید: شخصی که این قرآن را با این همه فصاحت و بلاغت و معانی تمام و فراگیر آورده، چگونه ممکن است از یک مرد عجمی بیاموزد؟ یقیناً اگر کسی اندکی عقل داشته باشد این حرف را به زبان نمی آورد. همچنان مشرکان اعتراض داشتند که قرآن به عوض تدریجی، چرا به یکبارگی فرود نمی آید. بالاخره گفتند که قرآن کلام بشر است، اما خداوند به آنان چلنج داد اگر راست می گوئید، بیایید همانند این قرآن، یا یک سوره آن بیاورید، با وجودی که کفار مکه بلند ترین قله های فصاحت و بلاغت زبان عربی را پیموده بودند، نتوانستند کاری کنند و همه در برابر چلنج قرآن کریم عاجز آمدند.



مشرکان چه تصویری از پیامبر داشتند؟ آیا پیامبر می تواند طبیعت غیر بشری داشته باشد؟ شاگردان پیرامون این دو سوال با هم صحبت کنند.

آموزشنی های درس

- راه دعوت به یکتا پرستی و اسلام، یک مسیر بسیار دشوار است، دعوتگر بایستی صبر و پایداری داشته باشد که سرانجام موفقیت به دست می آید.
- منکرین اسلام، خیلی ها بی انصاف و بی خرد اند، نگاه کنید چگونه تهمت و افتراءات نا روایی را به مقدس ترین و فرزانه ترین اولاد آدم ﷺ وارد کردند؟
- قرآن کریم کلام خداوند و معجزهٔ جاویدان اسلام است، و تا روز قیامت این چلنج باقی خواهد ماند و قطعاً کسی نمی تواند مانند آن سوره و آیتی بیاورد.



- ۱- رسم بت پرستی در میان اهل مکه از کجا و چگونه پیدا شد؟
- ۲- هدف کفار از پرستش بت‌ها چه بود؟
- ۳- عمده ترین اعتراضات کفار بر شخص پیامبر ﷺ چه بود؟
- ۴- کفار مکه در باره قرآن کریم چه می گفتند؟



کارخانه گی

شاگردان در رد افتراءات کفار در باره پیامبر ﷺ در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس بیست و ششم

واکنش قریش در برابر علنی شدن دعوت اسلامی

در درس گذشته گفته شد، پیامبر ﷺ پس از آنکه به آشکار ساختن دعوت مکلف شد، علناً مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، بت و بت پرستی را مردود دانسته و از آن انتقاد می‌کرد؛ و همین امر باعث شد که مشرکین مکه در برابر دین اسلام و پیامبر ﷺ و همه مسلمانان موقف خصمانه اتخاذ نمایند.

هر مؤمن دعوتگر است

دوشادوش پیامبر ﷺ، یاران مؤمن ایشان نیز مردم را به صورت سری و علنی به اسلام دعوت می‌کردند؛ ازین میان ابوبکر صدیق و حضرت عثمان مردم را مخفیانه و حضرت حمزه، عمر بن خطاب و ابوعبیده بن جراح مردم را آشکارا به دین مقدس اسلام دعوت می‌نمودند، که این کار موجب خشم قریش گردیده و در دل‌های خود کینه و دشمنی مسلمانان را جا دادند.



راجع به امر بالمعروف و نهی عن المنکر چه می‌دانید، آیا پیشبرد دعوت تنها وظیفه پیامبران است و یا مسئولیت هر مسلمان؟

ابوطالب حامی پیامبر ﷺ

درین میان ابوطالب - اگرچه پابند دین قریش بود - یگانه کسی بود که از پیامبر ﷺ پشتیبانی می‌کرد و در مقابل فشار سران قریش مردانه وار می‌ایستاد، در اثر همین حمایت بیدریغ ابوطالب بود که آنحضرت ﷺ می‌توانست آشکارا به دعوت خود ادامه دهد.

استفاده از مناسبت‌های دینی و فرهنگی برای تبلیغ اسلام

پیامبر ﷺ برای تبلیغ اسلام هیچ فرصتی را از دست نمی‌داد؛ هنوز چند ماهی از آشکار شدن دعوت اسلام نگذشته بود که موسم حج فرا رسید. قبل از اسلام هم، قبایل عرب از سراسر جزیره العرب به زیارت کعبه می‌آمدند، بنابراین قریش از آن بیم داشتند که دعوت اسلام در میان حجاج عرب راه یابد، به این خاطر تصمیم گرفتند وقتی که حجاج وارد مکه می‌شوند، برای آنان در بارهٔ پیامبر ﷺ حرف واحدی داشته باشند، تا دعوت محمد در دلهای آنان اثر نگذارد؛ از این رو بعد از بحث و گفتگوی فراوان به پیشنهاد ولید بن مغیره یکی از بزرگان قریش اتفاق کردند که پیامبر ﷺ را به حجاج، بنام ساحر (جادوگر) معرفی نمایند.



فعالیت

- هر مصلح - ولو پیامبر - با مخالفت مردم روبرو شده و مورد تهمت قرار می‌گیرد، شاگردان نمونه‌هایی از این قاعده را در تاریخ بیابند.

- شاگردان عزیز! قبل از این کلمه ساحر (جادوگر) را شنیده اید، آیا معنای آنرا می‌دانید؟ با رهنمایی استاد بحث نمایند.

حیرانی قریش در کار مقابله با پیامبر

پیامبر ﷺ نه تنها در موسم حج با قبایل عرب تماس برقرار کرد، بلکه به بازارهای تجارتي مکه، از جمله بازار معروف عکاظ می‌رفت و در مناسبت‌ها و محافل فرهنگی آنان شرکت می‌نمود و به تبلیغ دین اسلام می‌پرداخت.

قریش در مورد چگونگی مقابله با این دین جدید، دچار حیرت شدند؛ زیرا پیام آور آن نزد همه به صادق (راستگو و راستکار) و امین (امانتدار) شهرت داشت و از ارزش‌های برتر انسانی و مکارم اخلاقی برخوردار بود که اتهامات آنان مؤثر نمی‌افتاد، ناگزیر به دامن کاکایش، ابوطالب دست بردند و از وی خواستند تا برادر زاده خود را که خدایان قریش

را دشنام می‌دهد، از آیین آنان عیب‌گویی می‌نماید و پدران و گذشتگان ایشان را گمراه می‌خواند، مانع گردد. آنان به ابوطالب گفتند که یا خود مانع وی شو و یا ما را بگذار جلو او را بگیریم.

قریشیان بعد از اینکه از ابوطالب سخنان نرم شنیدند، برگشتند و رسول الله ﷺ همچنان به دعوت خود ادامه داد.



شاگردان در کتابچه‌های خود از دو وسیله عصری نام ببرند که یک دعوت‌گر می‌تواند از آنها در عصر حاضر برای تبلیغ اسلام استفاده نماید.

آموزش‌های درس

- - بر هر دعوت‌گر و مصلح لازم است که برای تبلیغ آرمانهای خود از هر وسیله مشروع و مناسب بهره گیرد.
- - اصلاح جامعه راه همواری نیست که دعوت‌گر بتواند بی رنج و بدون درد سر، آن را بپیماید.
- - اگر انسان با آفریدگار خود صادق و در کار خویش مخلص باشد، اتهامات و سنگ اندازی مخالفان نمی‌تواند مانع رسیدن وی به هدف گردد.
- - خداوند عزوجل برخی اوقات دین خود را بوسیله مردمان بی دین و کافران نیز تقویت می‌کند.

الف: به سوالهای زیر جواب بدهید:

- ۱- قریشیان چرا در برابر پیامبر ﷺ و مسلمانان موقف خصمانه گرفتند؟
- ۲- چه کسی از اقارب پیامبر ﷺ در مقابل فشار مشرکان قاطعانه از وی حمایت کرد؟ آیا خود آن شخص به پیامبر ﷺ ایمان آورده بود؟
- ۳- آنحضرت ﷺ از کدام مناسبت‌ها برای تبلیغ دین اسلام بهره می‌گرفت؟
- ۴- رهبران قریش زمانیکه درمورد مقابله با پیامبر ﷺ دچار حیرت شدند، چه تدبیری سنجیدند؟

ب: در مقابل جملات صحیح علامت (✓) و مقابل جملات غلط علامت (X) بگذارید.

- ۱- پیامبر ﷺ تنها قریش را به دین اسلام دعوت می‌کرد.
- ۲- مشرکان با وجودیکه به پیامبر ﷺ ایمان نداشتند، ولی به صداقت و امانتداری وی گواهی می‌دادند.
- ۳- آنحضرت ﷺ خدایان قریش را به بدی یاد نمی‌کرد.
- ۴- هدف مشرکان قریش از سحر گفتن پیامبر ﷺ، بی تأثیر ساختن دعوت ایشان در میان حجاج عرب بود.



کارخانه‌گی

شاگردان عزیز! در باره اینکه یک دعوتگر از کدام وسایل عصری و در چه مناسبت‌ها می‌تواند برای تبلیغ دین مقدس اسلام استفاده کند، در کتابچه‌های خود بنویسید.

مشرکین و شیوه‌های رویارویی با اسلام

قبلاً گفته شد، کفار قریش در کار مقابله با دعوت پیامبر ﷺ دچار حیرت شده بودند و از ابوطالب کمک خواستند که مانع وی گردد، ولی ابوطالب به فشارها تن نداد و از برادر زاده محبوبش دست بردار نشد، بنابراین مشرکان برای نابودی اسلام در صدد یافتن و بکار گیری شیوه‌های دیگری شدند که خلاصه آن چنین است:

اسالیب مبارزه مشرکان با پیامبر

۱ - تمسخر و تحقیر: هدف از تکذیب و استهزای مشرکان، اهانت مسلمانان و سست ساختن نیروی معنوی آنان بود، از این رو پیامبر ﷺ را مورد ناسزاگویی‌ها و اتهامات بی بنیاد قرار می‌دادند؛ از جمله او را دیوانه خطاب می‌کردند، به جادوگری و دروغگویی متهم می‌ساختند؛ اگر می‌دیدند که با یاران مستضعف خود در جایی نشسته است، به آنان استهزا میکردند.

۲ - تشکیک در تعالیم اسلام: ایجاد شک و شبهه در تعالیم اسلام، اشاعه تبلیغات دروغین در مورد اسلام و شخص پیامبر ﷺ، از شیوه‌هایی بود که کفار برای تضعیف دین اسلام به کار می‌گرفتند؛ آنان گاهی قرآن کریم را افسانه‌های پیشینیان، و احیاناً کلام افترا آمیز، و زمانی هم تعلیمات یک بشر می‌خواندند، و از روی تمسخر در باره پیامبر ﷺ می‌گفتند: این چه قسم پیامبر است که غذا می‌خورد و در بازارها گشت و گزار می‌نماید!

۳ - مقابله با قرآن کریم با استفاده از افسانه‌های قدیم: پیشگام این شیوه نصر بن حارث بود که به "حیره" رفت و داستان‌های شاهان و پهلوانان افسانوی مانند رستم و اسفندیار را آموخت و در مجالسی که قرآن تلاوت می‌شد، با پیامبر اکرم ﷺ با یادآوری از داستان‌های رستم و اسفندیار مقابله می‌نمود.

۴ - معامله گری: مشرکان سعی داشتند تا اسلام و جاهلیت در نیمه راه با هم ملاقی شوند، به این معنی که هم مشرکان و هم پیامبر اسلام ﷺ از برخی تعالیم دینی خود چشم پوشی نمایند؛ به این منظور به رسول الله ﷺ پیشنهاد نمودند تا یک سال پیامبر ﷺ خدایان آنها را بپرستد و در مقابل، مشرکان یک سال پروردگار او را عبادت کنند!! اینجا بود که برای رد این پیشنهاد سورة ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ نازل شد و بر همه آرزوهای واهی آنان خط بطلان کشید.



آیا شیوه‌هایی که مشرکین در مبارزه با اسلام بکار گرفتند، مؤثر افتاد؟ اگر نیفتاد سبب آن چه بود؟

شیوه جدید مبارزه

مشرکان برای جلوگیری از انتشار دعوت اسلام، شیوه‌های گوناگونی را یکی پی دیگری بکار می‌بردند، هفته‌ها و ماه‌ها سپری شد و مشرکان تنها از همین اسالیب استفاده می‌نمودند و به تعذیب و شکنجه دست نمی‌زدند؛ ولی وقتی دیدند که این شیوه‌ها در جلوگیری از انتشار اسلام در میان اهل مکه مؤثر نه افتاد، بار دیگر دورهم جمع شدند و هیأتی را متشکل از ۲۵ نفر از رهبران و سرداران قریش تشکیل دادند که در رأس آن ابولهب قرار داشت. اعضای هیأت بعد از مشوره و فکر، بر علیه رسول خدا و یارانش فیصله کردند که از هیچ تلاشی در راه مبارزه با اسلام، و اذیت پیامبر و تعذیب مسلمانان دریغ ننمایند.

اجرای فیصله هیأت ۲۵ نفری قریش در مورد مسلمانان - خصوصا مسلمانان مستضعف - بسیار آسان بود. اما در باره رسول خدا ﷺ که در ذات خود مرد با شهامت، با وقار و دارای شخصیت بی نظیر بود، خیلی دشوار می‌نمود؛ زیرا پیامبر ﷺ در دل‌های دشمنان و دوستانش از هیبت و تعظیم خاصی برخوردار بود، به گونه‌ای که هر کسی با وی روبه رو

می‌شد، در دل از وی اجلال و احترامی می‌یافت، و هیچ کس جرأت نمی‌کرد در برابر ایشان مقابله نماید.

علاوه بر آن، پیامبر ﷺ زیر حمایت ابوطالب قرار داشت و ابوطالب در مکه از جمله مردان انگشت شماری بود که در میان مردم شخص محترمی بود و هیچ کس جرأت نداشت به حریم او دست درازی کند؛ این کار مشرکان قریش را سخت نگران ساخته بود، ولی دیری نگذشت که کاسه صبر قریش لبریز شد؛ زیرا ادامه این وضع، زعامت دینی و صدارت دنیوی قریش در میان عربها را از بین می‌برد.



از شاگردان راجع به مفهوم افسانه و اینکه میان افسانه و قصه‌های قرآنی چه فرقی وجود دارد، معلومات خواسته شود.

آموختنی‌های درس

- هر دعوتگر و مصلح باید انتظار داشته باشد که دشمنان از هر وسیله غیر مشروع برای متوقف ساختن جریان کار دعوت و برنامه‌های اصلاحی استفاده می‌کنند.
- پیامبر ﷺ ذاتاً از شکوه و وقار خاصی برخوردار بود که حتی در دل دشمنانش هیبت و عظمت داشت.
- ایجاد شبهه در تعالیم و نصوص اسلامی، از شیوه‌هایی است که دشمنان اسلام از همان نخستین روزهای ظهور اسلام در مکه استفاده می‌کردند.

الف: به سؤالهای زیر جواب بدهید:

- ۱ - کفار قریش برای مقابله با اسلام و پیامبر ﷺ از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کردند؟
- ۲ - سورة الکافرون در جواب کدام پیشنهاد مشرکان نازل شد؟
- ۳ - در رأس هیأت ۲۵ نفری قریش چه کسی قرار داشت، و هدف از تشکیل آن چه بود؟

۴ - آیا تقاضای مشرکان از ابوطالب در مورد پیامبر ﷺ مؤثر افتاد؟

ب: در مقابل جملات صحیح علامت (✓) و در مقابل جملات غلط علامت (X) بگذارید:

- ۱ - ابوطالب تحت فشار سران قریش از حمایت پیامبر ﷺ دست برداشت.
- ۲ - سورة الکافرون ﴿قل یا ایها الکافرون﴾ در رد پیشنهاد معامله گری قریش نازل شده است.
- ۳ - کفار مکه برای مقابله با پیامبر ﷺ همیشه از یک شیوه استفاده می‌کردند.
- ۴ - هدف از تکذیب و استهزای مشرکان، اهانت مسلمانان و سست ساختن نیروی معنوی آنان بود.



کارخانه‌گی

مشرکین قریش برای اذیت و آزار پیامبر ﷺ چه شیوه‌هایی را بکار می‌بردند؟ مختصراً در کتابچه خود از آن یاد آوری کنید.

شکنجه و تعذیب پیامبر ﷺ

(۱) اذیت و آزار پیامبر ﷺ

پیشنهادات قریش از طرف ابوطالب پذیرفته نشد و او به حمایت خود از پیامبر ﷺ ادامه داد. سران قریش جداً تصمیم گرفتند که با به کار گیری شیوه‌های گوناگون شکنجه، مانع گسترش اسلام گردند.

ابولهب پیش‌تاز اذیت کنندگان

اذیت و آزار پیامبر ﷺ توسط مشرکان و در نخست به وسیلهٔ ابولهب آغاز گردید. چنانکه قبلاً گفته شد، ابولهب از همان ابتدای اعلان پیامبری محمد ﷺ، موقف بسیار خصمانه‌ای اتخاذ کرد، که در این جا به اختصار به برخی از شقاوت‌های ابولهب اشاره می‌شود:

- ابولهب قبل از بعثت پیامبر ﷺ، رقیه و ام کلثوم، دختران پیامبر ﷺ را به دو پسر خود به نام‌های عتبه و عتیه به نکاح گرفته بود، که بعد از بعثت در اولین اقدام خصمانه، پسران خود را امر کرد تا زنان خود (دختران پیامبر) را طلاق دهند، که چنان کردند.

- زمانی که عبد الله، دومین پسر رسول الله ﷺ وفات کرد، ابولهب شادی کنان نزد رفقاییش شتافت و به آنها مژده داد که نسل محمد قطع شد. اما الله تعالی با نازل کردن آیه‌ای از سوره کوثر ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ [الکوثر: ۳] جواب ابولهب را داد.

- در موسم حج و در بازارها به دنبال پیامبر ﷺ می‌رفت و آنحضرت صلی الله علیه و سلم را نه تنها دروغگو می‌خواند، بلکه به سنگ می‌زد تا آنکه پشت پاهای مبارکش خون آلود می‌شد.

- ام جمیل، همسر ابولهب و خواهر ابوسفیان در دشمنی خود با پیامبر ﷺ، کمتر از ابولهب نبود. وی پستارهای خار می‌آورد و سر راه و مقابل دروازهٔ آنحضرت ﷺ می‌انداخت. - علاوه بر آن، ام جمیل زن بد زبانی بود که بر علیه آنحضرت ﷺ تهمت می‌بست و آتش

فتنه بر می افروخت، از همین خاطر در قرآن کریم از وی به " حَمَالَةُ الْحَطَب " یاد شده است.

اوباش قریش و گستاخی با سرور کائنات

بیشترین اذیت و آزار پیامبر ﷺ توسط همسایگان ایشان، از جمله ابولهب کا کا و همسایه در به دیوار ایشان صورت می گرفت. عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند: روزی رسول اکرم ﷺ در نزدیکی کعبه شریف نماز می خواند، و ابو جهل و یارانش دورتر نشسته بودند و در میان خود می گفتند: کیست که زهدان شتر را بیاورد و بر پشت محمد در حال سجده بگذارد؟ عقبه بن ابی معیط - که شقی ترین آنان بود - از جا برخاست و زهدان (اشتری که ذبح شده بود) را آورد و انتظار کشید تا آنکه پیامبر ﷺ به سجده رفت و آن را در میان دو کتف (شانه) مبارک ایشان گذاشت؛ ابو جهل و یارانش از دیدن این صحنه سخت می خندیدند. رسول الله ﷺ در حال سجده همچنان باقی ماند تا اینکه دخترش فاطمه رضی الله عنها آمد و زهدان را از پشت ایشان دور انداخت؛ پس از آن پیامبر ﷺ سر بلند کرد و در دعای خود از خداوند جل جلاله هلاکت آن هفت نفر بد بخت را طلب نمود.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: سوگند به خداوند جل جلاله من اجساد آن هفت نفر را دیدم که در چاه بدر انداخته شده بودند.



شاگردان تصورات خود را در مورد صبر و تحمل پیامبر ﷺ بیان دارند، و به نظر آنها چرا آنحضرت ﷺ این همه اذیت و آزار را تحمل می کرد؟

دشمن سرسخت پیامبر اسلام ابو جهل

- ابو جهل در اولین روزی که پیامبر ﷺ را در حرم دید که نماز می گزارد، مانع نماز وی گردید؛ اما بار دیگر متوجه شد که در نزدیکی مقام ابراهیم نماز می گزارد، به وی اخطار داده گفت: محمد! آیا ترا ازین کار منع نکرده بودم؟ رسول الله ﷺ پاسخ تندی برایش داد که باعث خشم ابو جهل گردیده گفت: محمد! با چه چیز مرا تهدید می کنی؟ سوگند به خدا من بیشتر ازین وادی همنشین و هوادار دارم؛ اینجا بود که آیۀ مبارکۀ: ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ سورة العلق: ۱۷ "بگذار او همنشینان خود را صدا بزنند و به کمک بطلبند" نازل شد.

تصمیم ابو جهل بر قتل پیامبر ﷺ

ابو جهل به این حد اکتفا نکرد، و در آینده به شقاوت خود افزود؛ روزی ابو جهل خطاب به اهل مکه گفت: محمد در پیش روی شما روی خود را به خاک می ساید (سجده می کند)؟ گفتند: بلی! گفت: "سوگند به لات و عزی (بتان قریش) اگر من او را به این حالت بینم، بالای گردن او پا خواهم گذاشت و رویش را به خاک خواهم مالید. ابو جهل به کعبه آمد و رسول الله ﷺ را در نماز خواندن دید، قصد کرد بالای گردن ایشان پا نهد؛ ناگاه به عقب برگشت و دستان خود را سپر کرد؛ به او گفتند: ای ابوالحکم! (کنیۀ ابو جهل) چه شد ترا؟ گفت: من در میان خود و او خندق آتشی را مشاهده کردم. رسول الله ﷺ فرمود: اگر به من نزدیک می شد، فرشتگان عضو عضو او را می ربودند.



پیامبر ﷺ با این همه توهین و رنج بیکران، به چه چیز امیدوار بود که دست از تبلیغ دین اسلام نمی کشید و در برابر مشرکین سر تسلیم فرود نمی آورد؟ شاگردان در این باره نظر دهند.

این بود جرأت و شقاوت مشرکین در برابر مردی که ذاتا صاحب وقار و جلال خاصی بود و علاوه بر آن حمایت ابوطالب، بزرگترین و محترم ترین شخصیت مکه را با خود داشت، تصور کنید که حالت مسلمانان مستضعف چگونه بوده است!

آموختنی‌های درس



- هر شخص اصلاح طلب، در راه پیشبرد برنامه اصلاحی خود، با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد، از جمله با مخالفت اقارب نزدیکش، که آن را باید مد نظر داشته باشد.
- دشمنان پیامبر ﷺ، عاطفه انسانی را حتی از نزدیکترین خویشاوند خود دریغ می‌داشتند.
- شقاوت و گستاخی مشرکین حد و حصری نداشت، همچنانکه صبر و شکیبایی آنحضرت ﷺ بی‌نهایت بود.
- پیامبر ﷺ بسیار کوشش می‌کرد تا در حق سرسخت‌ترین دشمنان خود دعای بد ننماید، ولی زمانی که نهایت اذیت می‌گردید، ناگزیر دست دعا بلند می‌کرد و آنگاه مستجاب بود.



ارزیابی

- ۱- ام جمیل چه کسی بود، و با پیامبر ﷺ چه کارهایی انجام داد؟
- ۲- سورة المسد (تبت یدا) در باره چه کسی نازل شده است؟
- ۳- شخصی که بالای پیامبر ﷺ زهدان شتر را انداخت، چه نام داشت؟
- ۴- ابوجهل وقتی می‌خواست بالای گردن پیامبر ﷺ پا بگذارد، چه چیزی را مشاهده کرد؟



کارخانه‌گی

راجع به تحمل و بردباری پیامبر ﷺ در برابر اذیت و آزار مشرکین، یک مقاله بنویسید.

درس بیست و نهم

شیوه‌های تعذیب و شکنجه مسلمانان

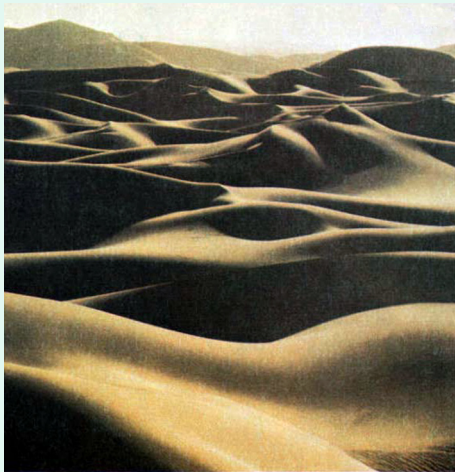
(۲) تعذیب و شکنجه مسلمانان

مسلمانان به خصوص آنهایی که پشتیبانی قبیله‌ای نداشتند و در مکه مستضعف بودند، حالت بسیار بدی داشتند. تمام قبائل مکه همزمان به تعذیب و شکنجه مسلمانان مربوط قبیله خود آغاز کردند. مسلمانانی که قبیله نداشتند از جانب عناصر اوباش مورد انواع شکنجه قرار می‌گرفتند، که درینجا نمونه‌هایی از تعذیب مسلمانان را یاد آوری می‌نمایم:

تعذیب مستضعفان

- مصعب بن عمیر که نازپرورده ترین جوانان قریش بود، زمانی که مادرش از اسلام آوردن وی آگاه شد، او را بدون دادن غذا از خانه بیرون کرد، تا اینکه پوست بدنش خشک گردید.

- بلال بن رباح غلام امیه بن خلف، یکی از مسلمانان سابقه دار بود. امیه بر گلولی بلال ریسمانی می‌بست و به کودکان می‌سپرد تا وسیله بازی آنان گردد؛ ولی بلال این عذاب را به خاطر دین خدا ﷺ تحمل می‌کرد. امیه همه روزه بلال را به هنگام چاشت از شهر مکه بیرون می‌برد و در ریگهای سوزان



دشت سوزان

بطحاء می‌خوابانید و سنگ بزرگی را بالای سینه وی گذاشته می‌گفت: سوگند به خدا در همین حالت همچنان باقی خواهی ماند تا بمیری و یا به محمد کافر شوی و لات و عزری را پرستی؛ اما بلال این همه رنج و عذاب را با پیشانی باز و قلب راضی تحمل نموده و بر گرمای سوزانی که در آن پوست انسان پخته می‌شد، صبر می‌نمود و فقط می‌گفت: احد، احد، یعنی فقط به لذت یکتا

پرستی اکتفا می‌کرد، تا اینکه روزی ابوبکر رضی الله عنه از آنجا می‌گذشت و بلال را زیر شکنجه یافت، دلش به حالش سوخت و او را بخريد و آزاد کرد.



بلال رضی الله عنه چه لذتی را احساس می‌کرد که به خاطر آن، همه عذاب و شکنجهٔ مشرکین را تحمل نمود، و در برابر آزار و خواسته‌های مشرکین فقط یک جواب که داشت: چي بود؟

نخستین شهید اسلام

از کسانی که شدیداً تحت تعذیب مشرکان قرار گرفتند، خانوادهٔ عمار بود که پدر و مادر وی همه برده بودند و به دین محمد صلی الله علیه و آله ایمان داشتند.

مشرکین و در رأس آنان ابوجهل، خانوادهٔ یاسر را روزانه به منطقهٔ ابطح می‌بردند و در گرمای سوزان تعذیب می‌نمودند. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از آنجا عبور می‌کرد که یاسر و خانواده اش را زیر شکنجه مشرکین یافت؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای آل یاسر صبر کنید که موعد شما بهشت است. یاسر زیر شکنجه جان سپرد، سمیهٔ مادر عمار را ابوجهل با ضرب نیزه شهید کرد، به این ترتیب سمیهٔ نخستین شهید اسلام است. اما عمار که زیر شکنجه شدید قرار داشت، گاهی با گرما و احیاناً با گذاشتن سنگ داغ روی سینه اش تعذیب می‌گردید، و سخت تر از آن به وی گفته می‌شد: تازمانی که به محمد دشنام نگویی ولات و عزی را به نیکی یاد نکنی ترا رها نخواهیم کرد. عمار از روی مجبورت به آن موافقت کرد و کلمهٔ کفر را به زبان آورد؛ اینجا بود که برخی مسلمانان گفتند: عمار کافر شد، ولی رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدا عمار کافر نشده، و از فرق سر تا قدم‌هایش مملوء از ایمان است. عمار گریه کنان و عذرخواهان به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد که در باره وی آیه شریفه: ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ النحل: ۱۰۶ "کسی که بعد از ایمان آوردن به الله کافر شود، به استثنای کسی که دلش به ایمان مطمئن باشد" فرود آمد.

چه فکر می کنید عمار کار درستی کرد که به خاطر نجات از قتل به خواسته های مشرکان تن داد و کلمه کفر را به زبان آورد؟

مشرکین همچنان بعضی یاران پیامبر ﷺ را در پوست شتر و گاو می پیچاندند، و روی ریگهای داغ می انداختند، و برخی دیگر را زرهی آهنین می پوشاندند و روی سنگ داغ می خواباندند.

کنیزانی که ایمان آورده بودند، حالتی بهتر از مردان مسلمان نداشتند، آنها هم شکنجه های مشابهی از دست مشرکین چشیدند، ابوبکر رضی الله عنه آنها را خریداری نمود و آزاد کرد. این بود نمونه هایی از حالت مسلمانان مستضعف که توسط مشرکین شکنجه می شدند. لیست کسانی که در راه الله جل جلاله شکنجه و تعذیب شده اند، بسیار طولانی و دردناک است؛ هیچ مسلمانی نبود که مشرکین از ایمان وی آگاه می شدند، مگر اینکه مانع وی می گردیدند و او را آزار و اذیت می نمودند.

آموختنی های درس

- - پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، همانند پیروان سایر پیامبران علیهم السلام، اکثراً طبقات مستضعف جامعه بودند، بنابر آن نباید دعوتگران این طبقه را نا دیده بگیرند.
- - لذت و حلاوتی که مومن در ایمان می بیند، از هر چیزی، حتی از جان خود آنرا بهتر می داند.
- - مرد و زن یکسان به خاطر ایمان به دین محمد صلی الله علیه و آله شکنجه شدند، و اولین شهید در اسلام زن بود.
- - اگر مسلمانی از روی اکراه مجبور به گفتن کلمه کفر شود، اگر در دل مومن باشد، به ایمان وی خللی وارد نمی کند.
- - ابوبکر صدیق رضی الله عنه در رهایی مسلمانان و آزادی بردگان سهم شایسته یی داشت.

الف: جواب این سوال‌ها را در کتابچه‌های خود بنویسید:

- ۱- بلال بن رباح غلام چه کسی بود، وقتی او را به کافر شدن دعوت کردند چه گفت؟
- ۲- خانوادهٔ عمار بن یاسر بعد از تعذیب چه سرنوشتی داشت؟
- ۳- وقتی عمار کلمهٔ کفر را به زبان آورد، مردم چه گفتند، و پیامبر ﷺ در باره وی چه فرمود؟
- ۴- نخستین شهید اسلام چه کسی بود، و توسط چه کسی به شهادت رسید؟

ب: در مقابل جملات صحیح علامه (✓) و مقابل جملات غلط علامت (X) بنویسید:

- ۱- مصعب بن عمیر از یک خانواده فقیر بود.
- ۲- عمار بن یاسر مجبور شد که زیر شکنجهٔ مشرکین کلمهٔ کفر به زبان آورد.
- ۳- بلال را حضرت عمر خریداری و آزاد کرد.
- ۴- مشرکین کنیزان مسلمان را هم مانند مردان تعذیب می کردند.



مشرکین بیشتر کدام طبقه از پیروان اسلام را تعذیب و شکنجه کردند؟ نام‌های آنان را در کتابچه‌های خود بنویسید.

تحت فشار قرار گرفتن ابوطالب

مشرکین برای مقابله با دعوت اسلام، فشارهای گوناگون به کار بردند، از جمله تهدید و تطمیع؛ تهدیدهای قریش که در آزار و اذیت پیامبر ﷺ، تعذیب و شکنجه مومنان صورت می گرفت، برای مشرکان نتیجه مطلوب نداشت، بنابراین یکبار دیگر فشار علیه ابوطالب را - که از میان رهبران قریش یگانه حامی نیرومند پیامبر ﷺ به حساب می آمد - افزایش بخشیدند.

ابوطالب زیر فشار بیشتر قرار می گیرد

مشرکین از رسول الله ﷺ زیاد یاد می کردند و یکدیگر را علیه وی تحریک می نمودند. سران قریش بار دیگر به نزد ابوطالب رفتند و گفتند: ابوطالب! تو در میان ما و جاهت، شرافت و جایگاه بالایی داری، از تو تقاضا کردیم که مانع برادر زاده ات شوی، که تو این کار را نکردی؛ ما بیش ازین صبر کرده نمی توانیم که بشنویم به پدران ما دشنام داده شود و خدایان (بتهای) ما مورد عیب جویی قرار گیرند، پس پیشنهاد می کنیم که یا خودت جلو برادر زاده ات را بگیری و یا اینکه ما با محمد و تو مبارزه خواهیم کرد تا اینکه یکی ازین دو گروه نابود شود.

این بار برای ابوطالب رها کردن قوم و دشمنی با آنان دشوار افتاد، از سوی دیگر دلش نمی خواست محمد ﷺ را به آنان تسلیم دهد؛ پس ابوطالب پیامبر ﷺ را نزد خود طلب نمود و گفت: ای برادر زاده! قوم تو، قریش نزد من آمده بودند و چنین و چنان گفتند، به من و بر جان خود رحم کن و مرا به کاری مجبور مساز که توان و طاقت آن را ندارم.

هر گز دست بردار نمی شوم...

وقتی پیامبر ﷺ این حرفها را از کاکایش ابوطالب شنید، گمان کرد که ابوطالب در باره

حمایت وی دچار اضطراب گردیده و از یاری رسانی و ایستادگی با وی دست برداشته است، پیامبر ﷺ گفت:

" کاکا! سوگند به خداوند ﷻ، اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند که من این کار (دعوت اسلام) را رها کنم، چنان نخواهم کرد، تا اینکه خداوند ﷻ این دین را پیروز گرداند و یا اینکه در راه آن جان سپارم!"

اشک در چشمان مبارک حلقه زد و گریست؛ سپس از جا برخاست و برفت؛ ابوطالب او را صدا زد و گفت: بیا برادر زاده ام! رسول الله ﷺ به سوی او آمد، ابوطالب گفت: برو برادر زاده، هر آنچه را که دوست داری بگو، قسم بخدا هرگز ترا به کسی تسلیم نخواهم داد.

برعلاوه این همه آزار و اذیت جسمی، کفار سخنان و اوصاف زشتی را همانند: ساحر شاعر، کاهن و دیوانه ... به جناب ایشان نسبت می دادند، که این حرفها برای پیامبر ﷺ - که فرزانه ترین فرزند آدم بود - درد آورتر و المناک تر از شکنجه های بدنی بود.



از این سخن پیامبر ﷺ " اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارند، من از کار دعوت اسلام دست بردار نمی شوم " چه مفهوم برداشت می کنید؟

مشرکان از اذیت و آزار پیامبر ﷺ دست نبرداشتند؛ روزی اشراف قریش در حجر اسماعیل (ساحه ای که توسط دیوار نیمه و دایروی بنام حطیم احاطه شده و به کعبه مشرفه پیوند داده شده است) گرد آمده بودند که رسول الله ﷺ آمد و دور کعبه طواف می نمود. آنان به پیامبر ﷺ عیب گویی کردند، سه بار این کار تکرار شد، بالاخره رسول خدا ﷺ ایستاد و به آنان سخنان سختی گفت؛ ولی چیزی نگفتند و هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، بالعکس به نرمی با وی سخن گفتند. فردای آنروز، مشرکین در همان جای نشسته بودند که رسول الله ﷺ آمد و مشرکان مانند شخص واحدی بر وی هجوم آورده و

او را در محاصره کشیدند. یکی از آنان از یخن پیامبر ﷺ گرفته بود که ابوبکر رضی الله عنه مانع گردید، ابوبکر رضی الله عنه در حالی که می‌گریست، خطاب به مشرکان می‌گفت: آیا شما مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگارم الله است؟ همان بود که مشرکین پیامبر ﷺ را رها کردند و شروع به ضرب و شتم ابوبکر رضی الله عنه کردند.

سر ابوبکر صدیق رضی الله عنه را شکسته و ریش مبارک ایشان را کردند.

روزی در همین راستا ابوبکر رضی الله عنه برخاست و مردم را به اسلام دعوت کرد که مشرکین علیه او شوریدند و او را زیر پا نموده و مورد لُت و کوب شدید قرار دادند؛ عتبه بن ربیعہ با نعلین خود به روی مبارک ابوبکر رضی الله عنه زد و او را شدیداً مجروح ساختند. بنی تیم، قبیله ابوبکر رضی الله عنه در حالیکه در مردن وی شک نداشتند، او را از زمین برداشتند. ابوبکر رضی الله عنه در پایان روز به هوش آمد و بلافاصله از حال پیامبر ﷺ پرسید، اطمینان دادند که الحمد لله صحیح و سالم است.



شاگردان با مراجعه به کتب سیرت و به رهنمایی استاد محترم تفصیل ماجرای لُت و کوب ابوبکر رضی الله عنه و نقش زن مومن (ام فضل) رضی الله عنها را به این ارتباط مباحثه نمایند.

آموختنی‌های درس

- پیامبر ﷺ همانند دیگر انسانها، خصوصیات بشری داشت، و هنگامی که احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کرد، عواطف انسانی اش ظاهر می‌گردید و به گریه می‌افتاد.
- ابوبکر رضی الله عنه در راه خداوند جل جلاله بی‌نهایت فداکار بود و اخلاص بی‌نظیری به پیامبر ﷺ داشت؛ همین که به هوش آمد، در باره خود فکر نکرد، بلکه به زندگی رسول صلی الله علیه و آله اندیشید.

- پیامبر در حالی که زیر فشارهای زیادی قرار گرفت برای یک لحظه هم در رساندن دعوت متردد نشد و هم چنان با عزم باقی ماند.

الف. به سؤالهای زیر پاسخ ارائه نماید:

- ۱ - وقتی که مشرکان ابوطالب را تهدید کردند تا پیامبر ﷺ را به ایشان بسپارد، عکس العمل ابوطالب چه بود؟
- ۲ - پیامبر ﷺ این حرف خود را " اگر آفتاب را در دست راست و ماه را در دست چپ بگذارند ... " در چه مناسبتی گفته بود؟
- ۳ - آیا ابوطالب تحت فشار مشرکین از حمایت پیامبر ﷺ دست بردار شد؟
- ۴ - قبیله ابوبکر رضی الله عنه چه نام داشت؟

ثانیا: از جملات زیر فقط یکی آن غلط است، آنرا یافته دور آن حلقه کنید:

- ۱ - هنگامی که فشار قریش بالای ابوطالب بیشتر شد، دلش میخواست پیامبر ﷺ را به آنان تسلیم دهد.
- ۲ - زمانی که پیامبر ﷺ از ابوطالب سخن بی سابقه یی شنید، گمان کرد از حمایت وی دست کشیده است.
- ۳ - نسبت دادن صفات ساحر، شاعر، کاهن، مجنون و غیره بر پیامبر ﷺ دردناکتر از شکنجه بدنی بود.
- ۴ - ابوبکر رضی الله عنه بعد از به هوش آمدن، اولین چیزیکه پرسید، حال رسول الله ﷺ بود.



کارخانه گی

راجع به موقف دو کاکای حضرت محمد ﷺ (ابوطالب و ابولهب) در برابر دعوت پیامبر ﷺ در کتابچه خود مطلبی تهیه کنید.

درس سی و یکم

حکمت خود داری مسلمانان از جنگ در مکه

مسلمانان در دفاع از خود علاقه مندی نشان می دادند و جوانان مسلمان از وضعیت عدم دفاع از خود در مقابل تجاوزات قریش راضی نبودند، عبد الرحمن بن عوف و دوستانش در مکه نزد پیامبر ﷺ آمده و گفتند: ما وقتی مشرک بودیم قوت داشتیم، و وقتی ایمان آوردیم ضعیف و بیچاره گشتیم! پیامبر ﷺ فرمود: من به عفو کردن مأمور شده ام پس با مردم نجنگید.



با استفاده از دروس گذشته عزت در اسلام و شرک را مقایسه کنید.

برخی از حکمت های خود داری مسلمانان از جنگ در مکه

مسلمان در برابر هر حکم شرعی مکلفیت دارد تا از آن اطاعت نماید، در دوران مکه مسلمانان مأمور به گذشت و تحمل ظلم و آزار کفار بودند، که این کار را با وجود نارضایتی پذیرفتند. خود داری مسلمانان از جنگ در مکه، حکمت هایی داشته که ذیلاً برخی آنها را یاد آور می شویم:

۱- مرحله زندگی مسلمانان در مکه، مرحله تربیه افراد در شرایط و اوضاع معینی بود؛ زیرا عرب ها عادتاً در برابر تجاوز صبور نبودند، بناء اسلام آنان را به صبر و شکیبایی فرا خواند تا با طبیعت معتدل عضو مفیدی در نظام و جامعه جدید بار آیند.

۲- در جامعه ای مثل قریش، دعوت به گونه مسالمت آمیز آن تأثیر مثبت داشت، اگر چنین حکمتی نمی بود به عوض دعوت به اسلام، انتقام گیری ها صورت می گرفت و بدین ترتیب مبادی فکر اسلامی به فراموشی سپرده می شد.

۳- همچنان خداوند می دانست آنانی که به تعذیب مسلمانان می پرداختند در آینده از جمله سپاهیان اسلام، بلکه مانند عمر بن خطاب از رهبران مسلمانان می گردند.

۴- یکی دیگر از عوامل خود داری مسلمانان از جنگ، اندک بودن تعداد مسلمانان و آن

هم تنها در مکه است؛ زیرا تا آن زمان قبایل دیگر به دین اسلام مشرف نشده بودند، و اگر درگیری صورت می گرفت، سایر قبایل موضع بی طرفانه اختیار می کردند. بدین ترتیب ملاحظه می گردد که مرحله دعوت در مکه طی سیزده سال، مرحله تربیه و آمادگی و غرس مفاهیم لا اله الا الله در قلوب مسلمین بود، عقیده و ایمان ضرورت به توجه مداوم داشته و با عجله و شتابزدگی نمی توان به اهداف عالی نایل آمد، و بر ضد جامعه جاهلی فقط افرادی می توانند مقابله کنند که عقیده به ذات الهی و توحید در دل آنها جا گرفته باشد.



شاگردان موارد دیگری را غیر از آنچه تذکر رفت، در مورد خودداری مسلمانان بگویند.

آموزشی‌های درس

- دعوت به اسلام در واقع تغییر همه جانبه اوضاع عقیدتی و اجتماعی مردم بوده و این مطلب نیازمند تربیه و آمادگی ذهنی پیروان است.
- پیروی از اوامر رهبری و قیادت، نتایج مثبتی را در قبال دارد.
- مصلحتی که منجر به فساد بزرگی شود، ترک آن مصلحت اولی است.



- ۱- آیا اصحاب پیامبر ﷺ آمادگی دفاع از خویش را داشتند؟
- ۲- آیا پیامبر ﷺ در خود داری از جنگ مأمور بود یا خود چنین تصمیمی گرفته بود؟



حکمت‌هایی را که دانشمندان برای خود داری مسلمانان از جنگ در مکه ارایه داشته اند، در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس سی و دوم

مصالحه و عقب نشینی قریش

پس از گرایش شماری بیشتر از مردم به دین اسلام، به خصوص پس از مسلمان شدن دو دلیر مرد قریش (حمزه بن عبد المطلب و عمر بن خطاب) اوضاع کم کم به نفع مسلمانان تغییر کرد، مشرکین کوشیدند تا با عرضه نمودن هر آنچه رسول الله ﷺ می خواهد سازش کنند، و بدین وسیله حضرت محمد ﷺ را از دعوت به اسلام باز دارند.

نماینده قریش و پیشنهاد به پیامبر ﷺ

عتبه به نماینده گی قریش نزد پیامبر ﷺ آمده گفت: برادر زاده من! تو نزد ما از نگاه نسب مقام بلندی داری، ولی برای قومت مشکل بزرگی را ایجاد کرده ای، آنان را نادان و پدران شان را کافر شمردی، من چند مطلب را برایت پیشنهاد می کنم و تو درین مورد خوب فکر کن!

رسول الله ﷺ گفت: بگو می شنوم. ای ابو الولید! عتبه گفت:

- اگر می خواهی به وسیله این راهی که در پیش گرفته ای ثروتمند گردی، برایت آن قدر مال و ثروت جمع می کنیم که از همه ما ثروتمند تر شوی.

- اگر می خواهی سرور و بزرگ شوی، تو را بزرگ خود می گردانیم و بدون نظر و مشوره تو هیچ کاری را انجام نمی دهیم.

- اگر می خواهی پادشاه شوی، تو را پادشاه خود می سازیم.

- اگر مرض روانی داری طیب لایقی را می طلبیم و تو را تداوی می کنیم.

پاسخ پیامبر ﷺ به نماینده قریش

وقتی سخن عتبه تمام شد، رسول الله ﷺ گفت: آیا سخنان تمام شد ای ابو الولید؟ عتبه گفت: بلی، پیامبر ﷺ گفت: اکنون از من بشنو، سپس با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم آیاتی را از اول سوره فصلت تلاوت کرده و به عتبه گفت: اکنون خود می دانی چه تصمیمی بگیری! وهمچنان پیامبر ﷺ برایش گفت: من برای این مبعوث نشده ام تا از شما مال جمع نمایم و یا اینکه بالای شما ریاست و پادشاهی کنم بلکه خداوند مرا بحیث پیامبر به شما فرستاده است و کتاب بر من نازل نموده و امر فرموده که برای شما مرزده دهنده ای به سوی جنت و بیم دهنده از دوزخ باشم

شکست پیشنهادهای قریش

عتبه با ناامیدی نزد دوستان خود برگشت و به آنان گفت: به خدا سوگند سخنی را شنیدم که مانند آنرا هرگز نشنیده بودم، به خدا سوگند آن سخن نه شعر است و نه جادو و نه هم کهنات و غیب گویی.

ای گروه قریش! مزاحم او نشوید و بگذارید که کارش را ادامه دهد، این نظر من است، ولی شما خود می‌دانید که چه کاری را انجام می‌دهید.



شاگردان عزیز! برخورد پیامبر ﷺ با عتبه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آموختنی‌های درس

- اصحاب پیامبر ﷺ وقتی صحبت حضرت محمد ﷺ را با عتبه شنیدند، در مورد مبادی و عقیده‌شان استوارتر و ثابت قدم تر شدند.
- حلم و بردباری رسول الله ﷺ در برابر حماقت‌ها و نادرستی‌های قریش.
- بی‌نیازی آنحضرت ﷺ در پیشنهادات مادی قریش، که غیر از پیامبر ﷺ اگر کسی دیگری می‌بود، حتما پیشکش‌های قریش را قبول می‌نمود؛ به دلیل اینکه مال، مقام و منزلت دنیایی، در تغییر روش و برخورد انسان اثر می‌گذارد.



- ۱- عتبه بن ربیعہ چه مطالبی را برای پیامبر ﷺ پیشنهاد کرد؟
- ۲- پاسخ پیامبر ﷺ در برابر پیشنهادات عتبه چه بود؟



کارخانه‌گی

پیشنهادات نماینده قریش برای پیامبر ﷺ و پاسخ آنحضرت ﷺ را در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس سی و سوم

سازش یهود با قریش

قریش وقتی ناتوانی خود را در برابر دعوت حق احساس کردند، نضر بن حارث و عقبه بن ابی معیط را نزد یهود به مدینه فرستادند تا از واقعیت دعوت اسلامی آگاهی یابند.

نمایندگان قریش نزد یهود مدینه

بزرگان قریش می‌دانستند که یهود در برابر همه پیامبران و حق‌گویان با حق و کینه برخورد می‌کردند، و بعثت حضرت محمد ﷺ را صدمه بزرگی بر یهود تلقی می‌نمودند؛ زیرا آنان سالیان متمادی در جزیره العرب زندگی کرده و امیدوار بودند پیامبری که در آینده مبعوث می‌شود، از میان یهود بوده و پراکندگی‌های یهودیان را وحدت بخشد. مشرکان قریش و یهود در راستای جلوگیری از دعوت اسلامی، هدف مشترک داشتند، دو تن از مشرکان مکه نزد یهود مدینه رفته و از وضع مسلمانان حکایت کردند و از آنها تقاضا نمودند تا در پرتو تعلیمات تورات، در مورد پیامبر ﷺ اطلاعاتی را در اختیار آنان قرار دهند.



شاگردان عزیز! چرا یهود و مشرکان قریش در برابر پیامبر ﷺ موضع واحدی داشتند؟

طرح پرسش‌هایی از پیامبر ﷺ

علمای یهود به نماینده‌های قریش گفتند: سه مطلب را از او پرسید، اگر پاسخ صحیحی ارائه داشت بدون شک پیامبر است، در غیر آن شخصی است که مشکل روانی دارد. سه مطلب متذکره عبارت بود از:

- ۱- جوانانی که از ترس ظلم حکام ظالم در کوهی پناهنده شدند، احوال شان چگونه است؟
- ۲- مردی که به غرب و شرق کره زمین سفر کرد، از وی چه خبری است؟
- ۳- روح چیست؟

برگشت نمایندگان قریش از مدینه

نمایندگان قریش به مکه برگشتند، و از پیامبر ﷺ سه مورد یاد شده را پرسیدند. درین هنگام خداوند جلّ و علاّ سورة کهف را بالای آنحضرت ﷺ نازل فرمود که در آن پاسخ هر

سه سوال داده شده است.

بدین ترتیب یهود مدینه خواستند طی سازش با قریش نور اسلام را که جدیداً پرتو افشانی می‌کرد، خاموش سازند.

فعالیت

داستان اصحاب کهف با وضع مسلمانان در عصر پیامبر ﷺ چه ارتباطی دارد؟ شاگردان با رهنمایی استاد ابراز نظر نمایند.

آموختنی‌های درس

- داستان اصحاب کهف اشاره به نجات و پیروزی مسلمانان است، خداوند ﷻ مسلمانان صادق و راستکار را در پناه خود نگه می‌دارد، چنانچه برای اصحاب کهف منزل و پناهگاهی داد و نجات یافتند.
- یهود با وجودی که ظهور پیامبر و صفات آنحضرت ﷺ را در تورات خوانده بودند، با آن هم در سازشی با قریش برای خاموش ساختن نور اسلام تلاش می‌نمودند.
- اشخاصی که خواهشات نفسانی شان بر آنان غلبه دارد، یا منافع و مصالح خود را بر تر از هر چیز دیگر می‌بینند، دلیل و برهان و معجزه بر آنان تأثیری نمی‌گذارد، گوش‌های شان حرف حق را نمی‌شنود و چشمان شان حق را نمی‌بینند.

ارزیابی

- ۱- چرا مشرکان قریش به نزد یهود نماینده فرستادند تا برای جلوگیری از دعوت اسلامی حيله و دسيسه‌ی بسازند؟
- ۲- نمایندگان مشرکان مکه کی‌ها بودند؟
- ۳- علمای یهود چه مطالبی را برای پرسیدن از پیامبر مطرح کردند؟



کارخانه‌گی

خلاصه پرسش یهود و پاسخ پیامبر ﷺ را در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس سی و چهارم

هجرت مسلمانان به حبشه

شکنبه مسلمانان که در آغاز اندک بود ولی روز به روز بر شدت آن افزوده شد، و اواسط سال پنجم به اوج خود رسید، به گونه ای که ماندن در مکه برای شان غیر ممکن گشت و این حالت پیامبر ﷺ را وادار نمود تا در مورد یاران خود راه و چاره ای بیندیشند که نه تنها آنان را از این عذاب طاقت فرسا نجات دهد، بلکه به اسلام دعوت کنند.

رهنمایی به هجرت

درین لحظات دشوار سوره کهف نازل شده و داستان اصحاب کهف رهنا و هدایتگر هجرت از سرزمین کفر و ستم می باشد که مؤمنان در زمان ترس نابودی عقیده، به جای امن و مطمئن با توکل به خدا هجرت می کنند.

سپس سوره زمر ﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^(۱) [سوره الزمر، آیه ۱۰] نازل شد که به هجرت اشاره می نمود و بیانگر آن بود که زمین خدا تنگ نیست.



هجرت نزد مسلمانان چه مطلبی را افاده می کند؟

۱- ترجمه: [برای کسانی که نیک کرده اند در این دنیا پاداش نیک است و زمین خدا پهناور است، مزد صابران بی حساب و کامل اداء می شود].

نخستین هجرت مسلمانان

رسول خدا ﷺ سرزمین حبشه را که نجاشی - پادشاه آن - مردی عادل و مهربان بود و در سایه حکومتش بر کسی ستم روا نداشته نمی شد برای هجرت مسلمانان انتخاب نمود و فرمان داد که برای حفظ و جان عقیده شان به حبشه هجرت نمایند، چنانچه پیامبر ﷺ خطاب به مسلمانان فرمود: ﴿لو خرجتم الي ارض الحبشة فان بها ملكا لا يظلم عنده احد و هي ارض صدق حتي يجعل الله لكم الخرج﴾^(۱)

یعنی به سرزمین حبشه بیرون شوید؛ زیرا در آنجا پادشاهی است که در نزد وی بر کسی ظلم نمی شود، و آن سرزمین نیکان است، تا آنکه خداوند برای شما راه برون رفتی بار آورد. همان بود که در ماه رجب سال پنجم بعثت، اولین گروه از اصحاب پیامبر ﷺ به رهبری عثمان بن عفان که همسرش رقیه دختر پیامبر ﷺ نیز همراه شان بود راهی حبشه شدند که شمار همه آنان (۱۲) مرد و (۴) زن بودند^(۲).

سفر این گروه کوچک و مستضعف در تاریکی شب صورت گرفت تا قریش آگاه نشوند، آنان رهسپار ساحل شده و به بندر شعیبه رسیدند و تقدیر الهی بر آن بود که کشتی های تجارتی آماده بود و ایشان را با خود بسوی حبشه بردند. قریش ازین موضوع اطلاع یافته در صدد تعقیب شان برآمدند ولی پیش از رسیدن شان به بندر، کشتی ها بندر را ترک نموده بودند.

دومین هجرت به حبشه

بعد از مدتی خبر پناه دادن و برخورد نیک نجاشی با مهاجرین به قریش رسید که برای شان سخت تمام شد، و از جانب دیگر به مهاجرین خبر شایعه ای رسید که مشرکین قریش اسلام را پذیرفته و به دین خدا گرویده اند، همان بود که مهاجرین به مکه بازگشتند، چون حقیقت را طور دیگری دریافتند رسول الله ﷺ برای بار دوم به اصحاب خویش پیشنهاد

۱- روایت ابن اسحاق و ابن هشام.

۲- السيرة النبوية، ابوالحسن ندوی، ص ۱۳۱.

هجرت دادند، اما این هجرت دوم از هجرت اولی دشوار تر بود، زیرا قریش از جریان این هجرت اطلاع یافته تصمیم گرفتند مانع آن گردند، ولی مسلمانان سریعتر از آنان عمل کردند و پیش از اینکه مشرکین به ایشان برسند خود را نجات دادند و با کشتیها رهسپار حبشه شدند.

شمار مسلمانان درین دور هجرت به (۱۲۰) تن می‌رسید که ۸۳ تن آنها مردان و بقیه را زنها تشکیل می‌دادند که به زعامت جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه صورت گرفت.



شاگردان با راهنمایی استاد محترم در مورد ماجرای برگشت مهاجرین اول از حبشه به مکه بحث و گفتگو نمایند.

آموختنی‌های درس

- - ثبات و پایداری مسلمانان پس از اینهمه شکنجه و عذاب دلیل اخلاص در عقیده و ایمان آنهاست.
- - مشروعیت خروج از وطن و موطن اصلی به منظور نجات عقیده و دین.
- - هجرت از سرزمین کفر به سرزمین ایمان عبادت شمرده می‌شود.
- - دستور به هجرت بیانگر شفقت پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای حفاظت و امنیت امت شان است.



ارزیابی

در مقابل جواب صحیح علامه (✓) را بگذارید.

۱- اولین هجرت در اسلام عبارت است از:

أ / هجرت به مدینه منوره.

ب / هجرت به طائف.

ج / هجرت به حبشه.

د / هجرت به یمن.

۲- مهاجرین از حبشه بخاطری به مکه برگشتند که:

ا / نجاشی آنان را اخراج کرد.

ب / مال و دارایی شان تمام شد.

ج / گمان کردند که اذیت مسلمانان از جانب اهل مکه تخفیف یافته است.

د / رسول الله ﷺ به بازگشت آنان دستور داد.

۳- هجرت مسلمانان بار اول از مکه به حبشه چگونه بود؟

أ / با ترس و فرار رفتند.

ب / با خانواده‌های شان خدا حافظی کرده و آشکارا رفتند.

ج / با خوشحالی و مصونیت رفتند.

د / یکباره و با سواری شتر رفتند.



کارخانه گی

در کتابچه‌های خود بنویسید که مسلمانان چگونه به هجرت رهنمایی شدند، برای اولین

بار به کجا هجرت کردند و چرا، و تعداد شان چند نفر بود.

مسلمان شدن دو دلیر مرد قریش

پس از شکست و ناامیدی قریش در جلوگیری دعوت اسلامی و فعالیت‌های پیامبر ﷺ، سرکشان قریش به فکر قتل آنحضرت ﷺ افتادند، این اندیشه ناجوانمردانه آنان سبب شد تا دو تن از دلیر مردان با شهادت مکه مسلمان شوند و با مسلمان شدن آنها اسلام نیرومند گردید.

این دو تن حمزه بن عبد المطلب و عمر بن خطاب رضی الله عنهما بودند.

اسلام آوردن حمزه رضی الله عنه

حمزه بن عبد المطلب رضی الله عنه در اواخر سال ششم بعثت به دین اسلام گروید. سبب مسلمان شدن او این بود که روزی ابوجهل پیامبر ﷺ را در نزدیک کوه صفا مورد توهین قرار داده و پس از آن در کنار کعبه آمده در مجلس قریش نشست و از آنچه در مقابل پیامبر ﷺ انجام داده بود با مباحثات برای قریش حکایت می نمود. خبر این واقعه به حمزه رضی الله عنه که از شکار برگشته بود رسید حمزه برای گرفتن انتقام از ابوجهل، خشمگین وارد مسجد الحرام شده در برابر ابوجهل ایستاد و گفت: (تو برادر زاده ام را دشنام می دهی در حالی که من بر دین اویم ؟) سپس با کمان داشته اش بر سر ابوجهل کوبید و او را سخت مجروح ساخت.

این سخن حمزه رضی الله عنه در آغاز نمایانگر غیرت و خشم مردی بود که نمی خواست دوست و برادر زاده اش مورد اهانت قرار گیرد، ولی بعداً خداوند جل جلاله دلش را شیفته اسلام گردانید و مسلمان شد.

چرا حمزه رضی الله عنه در مقابل ابو جهل این کلمه را بر زبان آورد؟ در حالیکه در آن وقت هنوز ایمان نیاورده بود. شاگردان ابراز نظر نمایند.

اسلام آوردن عمر بن خطاب رضی الله عنه

سه روز پس از مسلمان شدن حمزه رضی الله عنه، عمر بن خطاب رضی الله عنه به دین اسلام مشرف شد. پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام عمر رضی الله عنه را قبلاً از خداوند جل جلاله چنین در خواست کرده بود: (خدایا! اسلام را به وسیله یکی از این دو مرد، عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابو جهل) عزت ده!

عمر رضی الله عنه در منزل خواهرش

در حالیکه عمر رضی الله عنه با پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنی شدید داشت، شمشیر بدست گرفت و عزم کشتن آنحضرت صلی الله علیه و آله را کرد، در میانه راه شخصی از مسلمانان که ایمان خود را اعلام نکرده بود با وی مقابل شد، وقتی آن شخص از عزم او آگاه شد، غرض انحراف مسیر عمر به او گفت: اول چاره خانواده خود را بساز، خواهر و دامادت دین ترا ترک گفته اند!! عمر از شنیدن این حرف به خشم آمده مسیر خود را تغییر داد و بدون اجازه داخل خانه (فاطمه) خواهرش گردید که در آن هنگام خواب بن ارت در آن منزل برای فاطمه خواهر عمر و شوهرش سعید بن زید قرآن تلاوت می نمود. در این وقت خواب بن ارت خود را پنهان کرد و عمر به ضرب و شتم خواهر و شوهر خواهرش پرداخت، فاطمه خواهر عمر در حالیکه از چهره اش خون جاری بود به عمر گفت: ما ایمان آورده ایم، هر آنچه از دست می آید انجام بده، عمر با مشاهده این منظره پشیمان شده خواست آیاتی را که آنان تلاوت می کردند، برایش بدهند، اما خواهرش فاطمه به وی گفت: تو مشرک و نا پاک

هستی و با این حالت نمی توانی کلام خدا را بگیری! سپس با تقاضای عمر ایشان وی را رهنمائی کردند تا غسل کند و پاک شود، پس آیاتی از سوره مبارکه طه را تلاوت کرد و وقتی به این آیت رسید: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [سوره طه، آیه ۱۴] عمر گفت: این سخن چقدر نیکوست، چنین ذاتی تنها سزاوار عبادت است، مرا نزد محمد رهنمائی کنید!

وقتی عمر رضی الله عنه به منزل الارقم بن ابی الارقم که رسول الله صلی الله علیه و آله در آنجا قرار داشتند، داخل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای عمر چطور اینجا آمدی؟ عمر بن خطاب گفت: ای رسول خدا! نزد تو آمده ام تا به خدا و پیامبرش ایمان بیاورم، درین وقت پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفت، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که در خانه بودند فهمیدند که عمر مسلمان شده است.

سپس عمر رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آیا ما برحق نیستیم؟ پیامبر گفت: بلی، عمر گفت: پس چرا پنهان باشیم، پس از آن مسلمانان در دو قطار، پیشاپیش یکی حمزه و دیگرش عمر داخل مسجد الحرام شدند، قریش وقتی این صحنه را دیدند، غمگین شدند، اینجا بود که رسول الله صلی الله علیه و آله عمر رضی الله عنه را فاروق لقب داد.



شاگردان با رهنمائی استاد محترم راجع به تفصیلات بیشتر اسلام آوردن عمر رضی الله عنه مباحثه و تبادل نظر نمایند.

آموزشنی های درس

- تأثیر فوق العاده تلاوت قرآن کریم بر خواننده و شنونده.
- حمایت و جانبداری از مظلوم، وظیفه هر شخص با غیرت و با انصاف است.
- با دعا و التجاء به ذات الهی، می توان امیدوار به آینده خوب بود.



- ۱- حمزه و عمر رضی الله عنهما در کدام سال به دین اسلام گرویدند؟
- ۲- شنیدن کدام آیه قرآن کریم، عمر رضی الله عنه را در شگفت آورد؟
- ۳- چرا پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اسلام آوردن عمر رضی الله عنه تکبیر گفتند؟



کارخانه گوی

اسباب اسلام آوردن حمزه و عمر رضی الله عنهما را در کتابچه‌های خود بنویسید.

مساعی قریش برای باز گردانیدن مهاجرین از حبشه

مشرکین از اینکه مسلمانان توانسته بودند پناهگاهی بیابند که جان و دین شان در امان باشد، به خشم آمده، به منظور باز گردانیدن مهاجرین مسلمان از حبشه، عمرو بن عاص و عبدالله بن ابی ربیعہ را با هدیه‌های گرانبهائی نزد نجاشی فرستادند.

تقاضای نمایندگان قریش از نجاشی

این دو نماینده مشرکین با هدایای شان نزد نجاشی داخل شده و در باره باز گردانیدن مهاجرین به صحبت شروع نموده گفتند: شماری از خدمتگاران نادان ما به کشورت پناهنده شده اند، آنها دین پدران خویش را رها نموده، دینی را آورده اند که ساخته خود شان است، اینک پدران و قبایل شان ما را نزد شما فرستاده اند که آنان را همراه ما باز گردانید.^(۱)



برای جلوگیری از انتشار دین اسلام قریش به چگونه اعمالی دست زدند؟

۱- السيرة النبوية، الصلابي، ص ۱۹۷.

پرسشهای نجاشی و پاسخ مسلمانان

نجاشی تصمیم گرفت که این موضوع بررسی شده و دلایل هر دو طرف شنیده شود، ازین رو کسی را نزد مسلمانان مهاجر فرستاد و آنان را به دربار خود خواست. مسلمانان مهاجر تصمیم گرفتند تا آنچه حقیقت دارد، بگویند.

نجاشی در مورد اسلام از مسلمانان مهاجر پرسید که چگونه دینی است؟ جعفر رضی الله عنه به نمایندگی از مهاجرین مسلمان گفت: ما قومی بودیم نادان که بت‌ها را پرستش می نمودیم، گوشت حیوانات خود مرده را می خوردیم، اعمال نا روا را مرتکب می شدیم، پیوند خویشاوندی را می بریدیم، به همسایه بدی روا می داشتیم و قدرتمند ما بی‌نوا می ما را پایمال می نمود.^(۱)

بلی، ما بر این وضع بودیم تا آنکه خداوند پیامبری را از میان ما برگزید که دارای نسب عالی بوده، راستی و امانتداری او را تصدیق می کردیم، ما را به یکتا پرستی و عبادت پروردگار دعوت کرد و تقاضا نمود تا بت پرستی را رها کنیم، راست بگوییم و امانتدار باشیم، پیوند خویشاوندی را رعایت کنیم و همسایگی نیک داشته باشیم، از دروغ و خوردن مال یتیم خود داری کنیم، نماز ادا کنیم، زکات بدهیم و روزه بگیریم، ما فرموده او را تصدیق نموده و به او ایمان آوردیم.

همان بود که قوم ما بر ما تجاوز کرده ما را شکنجه نمودند و سعی کردند از دین اسلام ما را باز دارند، ما در کشور تو آمده ایم و امیدواریم نزد تو مورد ظلم و ستم قرار نگیریم.

۱- همان مرجع، ص ۱۹۸.

تلاوت آیاتی در حضور نجاشی

سپس جعفر رضی الله عنه سخنگوی مهاجرین بنا به تقاضای نجاشی آیاتی از اول سوره مریم را تلاوت کرد، نجاشی گریه کرد و گفت: بدون شک این و آنچه را که عیسی علیه السلام ^(۱) آورده از یک منبع و یک مشکاة بیرون شده اند.



ارزشهای اسلامی را که حضرت جعفر رضی الله عنه نزد نجاشی بیان داشت با ارزش های جاهلی مقایسه کنید.

شکست نیرنگ مشرکین

پس از آن نجاشی به نمایندگان قریش گفت: بروید، سوگند به خدا که آنان را به شما تسلیم نمی کنم، و به مسلمانان گفت: شما در سرزمین من در امن و امان هستید. و به اطرافیانش گفت: هدیه نمایندگان قریش را به آنان باز گردانید که من به آن نیازی ندارم. این نیرنگ مشرکین به شکست مواجه شد و حيله آنها نقش بر آب گردید.

آموختنی های درس

- پایداری مسلمانان در برابر آن همه شکنجه و تعذیب مشرکین دلیل صداقت و اخلاص در عقیده و ایمان آنهاست.

۱- در بعضی مراجع به لفظ (عیسی) و در برخی دیگر به لفظ (موسی) روایت شده است.

- - اجازه دادن به هجرت بیانگر شفقت پیامبر ﷺ به اصحاب شان است، و آنحضرت ﷺ می‌کوشید تا اصحاب شان در امن و آسودگی زندگی داشته باشند.
- - با هجرت مسلمانان به حبشه پیامبر توانست مناطق و سرزمین‌های اطراف مکه را بشناسد و ارزیابی کند.



- ۱- نمایندگان قریش روی چه هدفی نزد نجاشی رفتند؟
- ۲- نجاشی پس از شنیدن نظر دو جانب (مسلمانان و مشرکین) چه تصمیمی گرفت؟
- ۳- جعفر رضی الله عنه در حضور نجاشی کدام آیات را تلاوت کرد و نظر نجاشی در مورد آن چه بود؟



کارخانه‌گی

در کتابچه‌های خود بنویسید که جعفر رضی الله عنه ارزشهای دین اسلام و برخورد مشرکین قریش را چگونه بیان کرد؟

مقاطعه و تحریم همگانی

گرایش روز افزون مردم به دین اسلام، از جمله مسلمان شدن حمزه و عمر رضی الله عنهما، و عقد پیمان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب (کافر و مسلمان شان) بر حفظ و حمایت و دفاع از همدیگر، مشرکین را وحشت زده ساخت و فهمیدند اگر محمد را به قتل برسانند عواقب ناگواری خواهد داشت، بناء به توطئه بزرگ و ظالمانه دیگری دست زدند.

پیمان تحریم

مشرکین قریش گرد هم آمده و به ضد بنی هاشم و بنی عبدالمطلب با هم پیمان بستند که با آنان خویشاوندی نکنند، خرید و فروش نمایند، با آنان سخن نگویند و به منازل شان نروند تا آنکه رسول خدا را برای کشتن به آنان تسلیم نمایند.^(۱)

مطالب بالا را در پیمان نامه ای نگاشته و به نشانه تعهد و قاطعیت آن را در داخل کعبه آویختند، به دنبال آن بنی هاشم و بنی عبدالمطلب - کافر و مسلمان شان به جز ابولهب - در شب اول محرم سال هفتم بعثت در دره ابوطالب محاصره شدند.^(۲)

۱- السيرة النبوية، الصلابي، ۱۸۲.

۲- السيرة النبوية، ابوالحسن ندوی، ص ۱۳۸؛ الرحيق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۱۷۹.

چرا مشرکین بر ضد بنی هاشم و بنی عبدالمطلب پیمان مقاطعه و تحریم بستند؟

سه سال در شعب (دره) ابوطالب

این محاصره اقتصادی سه سال ادامه یافت و هر گونه معامله و داد و ستد با مسلمانان و بنی هاشم قطع شده بود؛ به گونه ای که بنی هاشم با سختی و مشقت روبرو شده به خوردن گیاهان و پوست خشک شده حیوانات مجبور گردیدند و فریادهای زنان و کودکان از شدت گرسنگی از آن دره شنیده می شد و جز به شکل پنهانی چیزی به ایشان نمی رسید^(۱).

پایان تحریم و پاره کردن پیمان نامه

سه سال بدینگونه گذشت و مشرکین با قساوت و بی رحمی به محاصره مسلمانان ادامه دادند. برخی افراد با غیرت قریش مانند هشام بن عمرو، زهیر بن ابی امیه، مطعم بن عدی با این پیمان ظالمانه مخالفت نموده برای شکستن آن بپا خاستند، اما با مخالفت شدید ابوجهل روبرو گردیدند.

در ماه محرم سال دهم بعثت پیامبر ﷺ به کاکایش ابوطالب خبر داد که به امر خداوند پیمان نامه قریش را موریانه خورده و به جز نام الله همه مواد آن نابود گردیده است. ابوطالب که به سخنان پیامبر ﷺ اعتماد داشت بعد از شنیدن این فرموده رسول خدا ﷺ به مجلس بزرگان قریش رفت و به ایشان گفت: برادر زاده ام خبر داده که پیمان نامه شما

۱- السيرة النبوية، ابوالحسن ندوی، ۱۳۹؛ الرحيق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص

۱۸۰؛ السيرة النبوية، الصلابی، ۱۸۳.

را موریانه نابود کرده است هرگاه دروغ گفته باشد او را به شما می سپارم و اگر راست گفته باشد از قطع رابطه و ستم بر ما دست بردارید. مشرکین با خوشحالی این مطلب را پذیرفتند، مطعم بن عدی برخاست تا آن نامه را پاره کند، ولی دید که موریانه تمام آن، به جز (باسمک اللهم) را خورده و هر جایی نام خدا بوده سالم باقی مانده است.

بدین ترتیب این پیمان ظالمانه شکسته شد و رسول الله ﷺ و همراهان شان از شعب (دره) خارج شدند و مشرکین با وجود مشاهده نشانه بزرگی از نشانه های نبوت ازین معجزه خداوندی روی گردانیدند و بیش از پیش به کفر شان افزودند^(۱).



پیمان نامه را از ناحیه حقوق انسانی چگونه ارزیابی می کنید؟

آموختنی های درس

- صبر و شکیبایی در برابر مشکلات زندگی و تحمل دشواریها در راه دعوت به اسلام.
- مشرکین بنی هاشم و بنی مطلب بحکم عادت و غیرت جاهلی از پیامبر حمایت کردند.

- مقاطعه اقتصادی و اجتماعی که از آن همه قبایل در موسم حج آگاه شدند، همه قبایل جزیره العرب را به دعوت اسلامی متوجه ساخت.

- این محاصره اقتصادی و اجتماعی باعث شد تا قبایل عرب بر پیامبر و اصحاب شان

شفقت نمایند و به مجرد رفع محاصره مردم آهسته آهسته به اسلام رو آوردند.

۱- السيرة النبوية، ابوالحسن ندوی، ص ۱۳۹؛ الرحيق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۱۸۱.



- ۱- مشرکین بر ضد کدام قبایل پیمان بستند؟
- ۲- چه مطالب در پیمان نامه نگارش یافته بود؟
- ۳- این مقاطعه اقتصادی چند سال دوام کرد؟
- ۴- این پیمان چگونه شکست و پیمان نامه پاره شد؟



در کتابچه‌های خود بنویسید که معجزه پیامبر در از میان رفتن پیمان نامه چگونه بود؟ و چه کسانی در شکست پیمان مقاطعه سعی و تلاش ورزیدند.

درس سی و هشتم

آخرین تلاش قریش نزد ابوطالب

پیامبر ﷺ از شعب (دره) ابوطالب برآمده و به کار و فعالیت دعوت شان مانند گذشته ادامه دادند، ولی مشرکین تلاش می کردند تا مانع اسلام آوردن مردم شوند، ابوطالب نیز با وجود ضعف و ناتوانی جسمی چون گذشته از برادر زاده اش (پیامبر ﷺ) حمایت بعمل می آورد.

باز هم بزرگان قریش در نزد ابوطالب

ابوطالب مریض شد و خبر بیماری وی به قریش رسید، مشرکین میان خود گفتند: حمزه و عمر بن خطاب مسلمان شده اند و کار مسلمانان بالا گرفته است، بیاید نزد ابوطالب که حمایت کننده برادر زاده اش است برویم و قبل از آنکه بمیرد باوی پیمانی بگذاریم.

پیشنهاد قریش به ابوطالب

تقریباً بیست و پنج تن از بزرگان قریش نزد ابوطالب رفتند، آنان پیشنهاد نمودند که برادر زاده ات را بخواه و برای او بر ما شرط بگذار و برای ما بر او شرط بگذار تا او به کار ما کاری نداشته باشد و ما به کار او، ما را به دین ما بگذارد و ما او و دینش را به حال خود می گذاریم.



مشرکان قریش چرا چنین پیشنهادی را مطرح ساختند؟

پیامبر ﷺ در مجلس بزرگان قریش

ابوطالب کسی را نزد پیامبر ﷺ فرستاد، پیامبر نزد ابوطالب آمد، ابوطالب گفت: برادر زاده ام! اینان بزرگان قوم تو اند که به خاطر تو جمع شده اند، و پیشنهاد عدم تعرض مشرکین را به پیامبر عرضه داشت.

رسول الله ﷺ برایشان گفت: چگونه است اگر به شما کلمه ای عرضه کنم که آن را بر

زبان آرید و بدان وسیله پادشاهان عرب شوید و مردم غیر عرب نیز از شما فرمان برند؟ همه در حیرت رفتند، ابوجهل گفت: ما این کلمه را می پذیریم، پس بما بگو که این یک کلمه چیست؟ پیامبر ﷺ گفت: لا اله الا الله بگویید و آنچه را جز او می پرستید رها کنید. مشرکان کف دست های شان را به هم زده گفتند: ای محمد! آیا می خواهی که خدایان متعدد را یک خدا بگردانی؟ کار تو تعجب آور است. پس از آن مشرکان با همدیگر شان گفتند: سوگند به خدا این مرد چیزی از آنچه می خواهید به شما نخواهد داد، پس بر دین پدران خویش چنگ زنید، سپس پراکنده شدند.



گفتن کلمه لا اله الا الله چگونه باعث سرفرازی می گردید؟

آموختنی های درس

- پیشنهاد مصالحه و عدم تعرض به یکدیگر از جانب مشرکان قریش بیانگر ضعف و ناتوانی آنان بود.
- گفتن کلمه توحید وسیله سرفرازی دنیا و آخرت بندگان است.
- ثبات و پایداری پیامبر در راستای دعوت به اسلام.



- ۱- مشرکان قریش چه مطالبی را برای پیامبر ﷺ پیشنهاد کردند؟
- ۲- پاسخ پیامبر ﷺ در برابر پیشنهاد مشرکان چه بود؟
- ۳- نتیجه پیشنهاد مشرکان قریش و پاسخ پیامبر ﷺ چگونه بود؟



کارخانه گی

خلاصه ناتوانی مشرکان قریش و توانایی پیامبر را در کتابچه های خود بنویسید.

درس سی و نهم

عام الحزن یا سال غم و اندوه

پس از پایان تحریم و پاره کردن پیمان نامه مشرکین، پیامبر ﷺ و خانواده اش از دره ابوطالب بیرون شده فعالیت‌های قبلی شانرا دو باره آغاز کردند، مسلمانان هنوز نفس راحتی نکشیده بودند که ابو طالب کاکای پیامبر و ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها یکی یکی دیگر وفات کردند.

وفات ابوطالب

ابوطالب کاکای پیامبر ﷺ که دعوت اسلامی را در ایام شدت مخالفت مشرکین مکه در سایه حمایت خویش قرار داده بود در سال دهم بعثت به اثر بیماری شدیدی وفات کرد. هر چند پیامبر ﷺ آرزو داشت تا کاکایش به دین اسلام مشرف شود لیکن او به دین اجدادش باقی ماند^(۱).



سال دهم بعثت را چرا عام الحزن نامیده اند؟

خدیجه رضی الله عنها به رحمت حق می پیوندد

خدیجه رضی الله عنها از نعمت‌های بزرگ خداوند برای آنحضرت ﷺ به شمار می‌رفت، در لحظات پریشانی برای شان شفقت می‌ورزید، در رسانیدن پیام خدا ایشان را یاری می‌نمود، در تبلیغ دعوت اسلامی مشارکت می‌کرد و مال خود را در اختیار آنحضرت ﷺ قرار داده بود.

ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها چند روز پس از وفات ابوطالب به عمر (۶۵) سالگی دیده از جهان بست^(۲).

۱- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۱۸۹؛ السیره النبویه، الصلابی، ص ۲۰۹.

۲- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۱۹۰.

چرا پیامبر ﷺ آرزو داشت کاکایش به دین اسلام مشرف شود؟

آموختنی‌های درس

- - تحمل در برابر مشکلات زندگی.
- - همکاری و مساعدت در زمینه تبلیغ و تقویه اسلام.
- - کمک به اقربا و خویشاوندان.

ارزیابی

- ۱- ابوطالب در کدام سال وفات کرد؟
- ۲- آیا ابوطالب مسلمان شده بود؟
- ۳- در برابر جواب صحیح علامه (✓) بگذارید.
 خدیجه رضی الله عنها هنگام وفات:
 أ / پنجاه ساله بود.
 ب / بیست و پنج ساله بود.
 ج / شصت و پنج ساله بود.
 د / چهل و پنج ساله بود.
- ۴- خدیجه رضی الله عنها در سال:
 أ / هفتم هجری وفات کرد.
 ب / دهم بعثت وفات کرد.
 ج / دوم بعثت وفات کرد.
 د / دوازدهم هجری وفات کرد.



کارخانه گي

در کتابچه‌های خود بنویسید که خدیجه رضی الله عنها و ابوطالب چه خدماتی را برای پیامبر ﷺ انجام داده بودند.

پیامبر ﷺ در طائف

وقوع پی در پی دو حادثه دردناک وفات ابوطالب و خدیجه پیامبر ﷺ را محزون ساخت، و پس از آن رنج‌ها و دشواری‌ها از سوی مشرکین به ایشان سرازیر شد، ولی پیامبر ﷺ با ایمان به خداوند و عزم راسخ خواست در خارج مکه به دعوت بپردازد.

عزم رفتن به طائف

در ماه شوال سال دهم بعثت رسول الله ﷺ همراه زید بن حارثه رضی الله عنه عازم طائف که در فاصله شصت میلی از مکه موقعیت دارد، گردیدند.^(۱)

در مسیر راه طائف از کنار هر قبیله‌یی که می‌گذشتند آنان را به اسلام دعوت می‌کردند، ولی هیچ یک پاسخ مثبت نداد. وقتی به طائف رسیدند مدت ده روز نزد بزرگان قبایل رفته و آنان را به سوی خدا و نصرت و مدد اسلام دعوت کرد.

آنان گفتند: از سرزمین ما بیرون شو، غلامان و ابلهان خویش را عقب پیامبر ﷺ انداختند و ایشان را به اندازه‌یی سنگباران کردند که نعلین شان با جاری شدن خون رنگین گشت.^(۲) درین حال پیامبر ﷺ به باغی که متعلق به عتبه و شیبه فرزندان ربیعہ بود داخل شده در سایه درختی نشست و به خداوند از ضعف نیرو و خوار شدن شان در چشم مردم شکوه کرد.^(۳)

پسران ربیعہ وقتی پیامبر ﷺ را دیدند، ترحم نموده به غلام نصرانی شان که از مردم (نینوی) بود و عداس نام داشت گفتند: خوشه‌یی از این انگور را بگیر و برای آن مرد ببر، چون عداس آن را نزد پیامبر ﷺ گذاشت، آنحضرت ﷺ دست خویش را دراز نموده

۱- السیره النبویه، الصلابی، ص ۲۱۱.

۲- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۰۸.

۳- سیره ابن هشام، ۴۲۰/۱.

بسم الله گفت آن را تناول کرد^(۱).

چون عداس کلمه بسم الله را از زبان پیامبر ﷺ شنید طی رد و بدل شدن چند پرسش و پاسخ دانست که محمد ﷺ پیامبر خدا جلّال است، خود را بر سر و پای آنحضرت ﷺ انداخته پاهای پیامبر ﷺ را بوسید^(۲).



بر خورد مردم طائف با رسول الله ﷺ را با برخورد مردم مکه مقایسه کنید، و همچنان گفتن بسم الله قبل از تناول طعام چه مطلبی را در ذهن شما تداعی می کند؟

برگشت به سوی مکه

رسول الله ﷺ پس از برآمدن از باغ با دل شکسته به طرف مکه روان شد، چون به قرن المنازل رسید خداوند با فرستادن جبرئیل و ملک کوهها مبنی بر نزول عذاب و نابود ساختن مشرکین مکه و مژدههای پیروزی به آنحضرت ﷺ، احساس رنج، اندوه و ناامیدی ای که بر پیامبر چیره شده بود، از میان برد و پیامبر ﷺ تصمیم گرفت تا به مکه برگردد و رساندن پیام الهی را با جدیت ادامه دهد.

تقاضای جوار از بزرگان سایر قبایل

پیامبر ﷺ در راه برگشت به مکه به غار حراء رفته شخصی را نزد دو تن از بزرگان قبایل غیر قریش فرستاد تا ایشان را در جوار(حمایت) خویش قرار دهند، آن دو تن از پناه دادن معذرت خواستند، سپس نزد مطعم بن عدی شخصی را فرستاد، او به پیامبر ﷺ جوار داد،

۱- السيرة النبوية، الصلابی، ص ۲۱۹.

۲- سيرة ابن هشام، ۴۲۱/۱؛ الرحيق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۱۱ السيرة

النبوية، الصلابی، ص ۲۱۹

و قومش را خواسته و گفت: سلاح بپوشید و نزدیک کعبه باشید، زیرا من به محمد پناه داده‌ام، و برای رسول الله ﷺ پیام فرستاد که به مکه داخل شود^(۱).

داخل شدن پیامبر به مکه

رسول الله ﷺ همراه زید بن حارثه رضی الله عنه به مکه داخل شده به مسجد الحرام رسیدند، مطعم بن عدی در حالیکه بر شترش سوار بود فریاد کشید: ای گروه قریش! بدانید که من به محمد پناه داده‌ام، کسی از شما به او تجاوز ننماید.

رسول خدا ﷺ به حجر الاسود رسیده آن را بوسید و دو رکعت نماز ادا کرد و سپس به خانه اش برگشت، در حالیکه مطعم بن عدی و فرزندان مسلح بودند ایشان را احاطه نموده تا آنکه داخل خانه شد.



پیامبر ﷺ برای دعوت به اسلام چرا از مکه خارج شد و طائف را انتخاب کرد؟

آموختنی‌های درس

- در راه رسیدن به هدف موانع و مشکلاتی وجود دارد که باید با شکیبایی آنرا تحمل کرد.
- یک مسلمان مصلح در شرایط دشوار نباید اهدافی را که دنبال می‌کند از آن منصرف شود.

۱- سیره ابن هشام ۳۸۱/۱؛ الرقیق المختوم، مبارک‌فوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۱۵



- ۱- پیامبر ﷺ در کدام سال عزم سفر طائف کرد و در آنجا با چه کسانی روبرو شد؟
- ۲- رسول الله ﷺ چگونه دوباره به مکه برگشت؟
- ۳- غلام نصرانی چگونه دانست که حضرت محمد ﷺ پیامبر است؟
- ۴- چرا پیامبر ﷺ تصمیم گرفت دوباره به مکه برگردد؟



کارخانه گي

سعی و تلاش پیامبر را در زمینه دعوت به اسلام درین سفر ارزیابی نموده در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس چهل و یکم

اسراء و معراج

حادثه اسراء و معراج هنگامی صورت گرفت که دعوت به اسلام در میان فشار مشرکین و پیروزی و موفقیت راه خود را باز می کرد.

جریان واقعه اسراء

حادثه اسراء یک سال قبل از هجرت به مدینه به وقوع پیوسته است. پیامبر ﷺ با جسم و روح خویش از مسجد الحرام به مسجد الاقصی به سواری براق و در مصاحبت جبریل علیه السلام برده شد، و در آنجا فرود آمده در حالیکه امامت پیامبران علیهم السلام را به دوش داشتند، نماز ادا کردند^(۱).

عروج از بیت المقدس به آسمانها

سپس پیامبر در آن شب از بیت المقدس به آسمانها برده شد، در آسمان دنیا آدم علیه السلام، در آسمان دوم یحیی و عیسی علیهما السلام، در آسمان سوم یوسف علیه السلام، در آسمان چهارم ادريس علیه السلام، در آسمان پنجم هارون علیه السلام، در آسمان ششم موسی علیه السلام، و در آسمان هفتم ابراهیم علیه السلام را ملاقات نمود، سپس به سدرۃ المنتهی، بیت المعمور و از آنجا به پیشگاه رب العزت عروج کرد.

۱- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروری، ص ۲۲۹.

فرض شدن نمازهای پنجگانه

خداوند درین فرصت پنجاه نماز را بر امت مسلمه فرض نمود، وقتی پیامبر ﷺ در برگشت نزد موسی علیه السلام رسید و از موضوع آگاه شد، گفت: امت تو توان ادای پنجاه وقت نماز را ندارد، برگرد و تخفیف بخواه تا بالآخره طی چند بار رفت و برگشت پنج وقت نماز فرض شد^(۱).



به معنای اسراء و معراج دقیق شوید، اسراء از کجا تا کجا و معراج از کجا به کجا صورت گرفت؟

حکمت اسراء و معراج

پیامبر ﷺ در جریان اسراء و معراج دوزخ و بهشت و اموری را مشاهده کرد که از دید سائر مردم پنهان است، درین مورد خداوند می فرماید: ﴿لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾^(۲) [سوره اسراء، آیه ۱۰]. همچنان خداوند می فرماید: ﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾^(۳) [سوره النجم، آیه ۱۸]، و این است سنت الهی در مورد پیامبران علیهم السلام.

حکایت پیامبر از جریان واقعه اسراء و معراج

پیامبر ﷺ صبح همان شبی که حادثه اسراء و معراج در آن به وقوع پیوست، جریان

۱- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۲۹؛ السیره النبویه، الصلابی، ص ۲۲۲.

۲- ترجمه: «تا برای او پاره یی از نشانه های قدرت مان را بنمایانیم».

۳- ترجمه: «همانا دیدار نشانه های بزرگ پروردگار خویش».

آن واقعه را حکایت کرد، مردم به سخن پیامبر ﷺ باور نداشتند، زیرا رفت و برگشت عادی تا سرزمین شام (که مسجد الاقصی در آنجا بود) یک ماه یا زمان بیشتری را در بر می گرفت، مردم نزد ابوبکر رضی الله عنه رفتند و در اشاره به پیامبر ﷺ گفتند: دوست میگوید او امشب به بیت المقدس رفته، نماز گزارده و دوباره به مکه برگشته است، ابوبکر رضی الله عنه گفت: اگر پیامبر ﷺ این مطلب را گفته باشد راست گفته است، سپس ابوبکر رضی الله عنه نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان واقعه را شنید و آنرا بی درنگ تصدیق کرد، و از همان روز ابوبکر ملقب به صدیق گردید^(۱).



برخی از امور اعتقادی ما غیبی است، واقعه اسراء و معراج را در چوکات این قاعده چگونه ارزیابی می کنید؟

آموختنی های درس

- - اعتقاد و باور به امور غیبی.
- - امامت پیامبر ﷺ در نماز به سایر پیامبران دلیل آن است که قناعت همه به رهبری پیامبر ﷺ فراهم شده و شرایع قبل از اسلام منسوخ شده است.
- - فرضیت نماز برای مسلمانان در شب معراج بیانگر اهمیت این فریضه الهی است.
- - حکایت اسراء و معراج نوعی از گفتن حق در برابر باطل است.

۱- سیره ابن هشام، ۱/ ۳۹۸.



- ۱- نمازهای پنجگانه چه وقت بر مسلمانان فرض شد؟
- ۲- حکایت جریان اسراء و معراج پیامبر میان مسلمانان و مشرکین چه عکس العمل‌هایی را در پی داشت؟
- ۳- حکمت اسراء و معراج چه بود؟



جریان واقعه اسراء از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمان‌ها را در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس چهل و دوم نخستین تماس پیامبر ﷺ با انصار

در ماه ذی القعدة سال دهم بعثت قبایل عرب از دور و نزدیک غرض زیارت بیت الله سوار و پیاده به صوب مکه می آمدند، پیامبر ﷺ تصمیم گرفته بود تا نزد هر قبیله رفته و اسلام را بر آنان عرضه کند.

موسم حج که زمان تجمع قبایل عرب بود پیامبر ﷺ با برنامه و اهداف معینی به دعوت قبایل به اسلام می پرداخت.

ابو جهل و ابو لهب که از اذیت و آزار رسول الله ﷺ دریغ نمی ورزیدند، پیامبر ﷺ برای جلوگیری از مقابله و برخورد با آنان از اسلوب های دیگری استفاده می کرد، مثلاً با قبایل، شب هنگام ملاقات می کرد تا مشرکین قریش بر ضد دعوت پیامبر ﷺ عمل نکنند و دعوت به اسلام را در میان قبایل بی تأثیر ن سازند.

و یا در محلاتی که قبایل فرود آمده بودند می رفت تا دور از آزار قریش به دعوت آنان بپردازد.

و یا همراه با خود اشخاصی چون ابوبکر و علی رضی الله عنهما را می برد تا قبایل گمان نکنند که پیامبر تنها است و پیروی ندارد.



فعالیت

پیامبر سران قبایل را چرا بیشتر مورد توجه قرار می دادند؟

قبایل و افرادی که اسلام بر آنان عرضه شد

رسول الله ﷺ اسلام را به سران قبایل بنو شیبان، بنو عامر، بنو حنیفه، بنو نضیر و بعضی قبایل دیگر که درین سال به بیت الله آمده بودند عرضه داشت، ولی از آنان پاسخ منفی شنید. همچنان پیامبر ﷺ درین موسم اسلام را به اشخاصی نیز عرضه کرد که از برخی آنان پاسخهای مثبتی دریافت نمود، و پس از موسم حج سوید بن صامت، ایاس بن معاذ، ابوذر غفاری، طفیل بن عمرو دوسی و ضماد ازدی به آنحضرت ﷺ ایمان آوردند.^(۱)

ادامه دعوت در موسم حج سال یازدهم بعثت

در موسم حج سال یازدهم بعثت شب هنگام پیامبر ﷺ، ابوبکر صدیق و علی رضی الله عنهما

۱- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۱۷-۲۲۴؛ السیرة النبویة، الصلابی، ص ۲۳۷.

جهت دعوت قبایل از عقبه منی می گذشتند، آواز مردانی را شنیدند، پیامبر ﷺ با همراهان شان در جستجوی آنان شده نزد شان رفتند، ایشان شش تن مردان پاک سیرتی از قبیله خزرج بودند.

قبیله خزرج از هم پیمانان یهود بود، آنان از یهود ظهور پیامبری را قبلاً شنیده بودند، وقتی پیامبر ﷺ اسلام را برای شان عرضه نمود و آنان را به سوی خدا فرا خواند و قرآن را برای شان تلاوت کرد، خداوند دل های آن شش تن (اسعد بن زراره، عوف بن حارث، رافع بن مالک، قطبه بن عامر، عطیه بن عامر و جابر بن عبدالله) را شیفته اسلام ساخت و اسلام آوردند.

این عده وقتی به مدینه رسیدند از پیامبر ﷺ و دعوت وی یاد آور شدند و مردم را به اسلام دعوت می کردند، همه مردم از ظهور پیامبر ﷺ و دعوت اسلامی آگاه شدند^(۱).



فعالیت

عواملی که به انتشار دین اسلام در مدینه کمک کرد چه بود؟

آموختنی های درس



- برنامه پیامبر ﷺ ترکیز بر مردم یثرب بود، و شش نفری که مسلمان شده بودند در همان سال تأثیر بزرگی بر انتشار دعوت اسلامی داشت.
- پیامبر ﷺ از سران قبایل کمک می خواست، زیرا آنان توانایی حمایت از پیامبر ﷺ و دعوت وی را داشتند.



ارزیابی

- ۱- پیامبر ﷺ از کدام قبایل مدینه منوره دعوت بعمل آورد؟
- ۲- پس از موسم حج سال دهم بعثت کدام اشخاص ایمان آوردند؟
- ۳- از قبیله خزرج کدام اشخاص و در کدام سال ایمان آوردند؟
- ۴- آنانیکه از قبیله خزرج ایمان آورده بودند پس از برگشت چگونه عمل کردند؟



کارخانه گی

در کتابچه های خودنام قبایل و اشخاصی که اسلام به ایشان عرضه شد و آنرا پذیرفتند، بنویسید.

۱- سیره ابن هشام، ۴۲۹/۱.

درس چهل و سوم

نخستین بیعت در عقبه

در موسم حج سال یازدهم بعثت که شش تن از مردم یثرب (مدینه) با پیامبر ﷺ مقابل شده و پس از پذیرفتن اسلام وعده سپرده بودند تا رسالت پیامبر ﷺ را به قوم خویش برسانند که در نتیجه شماری از مردم اوس و خزرج را به اسلام جلب نمودند.

بیعت با پیامبر ﷺ

در موسم حج سال دوازدهم بعثت دوازده تن (ده تن از قبیله خزرج و دو تن دیگر از قبیله اوس) نزد پیامبر ﷺ آمدند که همراه با پنج تن افراد قبلی هفت تن دیگر با رسول الله ﷺ در عقبه بیعت کردند، ایشان تعهد سپردند که خدا را به یگانگی می‌پرستند، دزدی و زنا نمی‌کنند، فرزندان شان را به قتل نمی‌رسانند و در امور پسندیده فرمانبردار خواهند بود. در مقابل پیامبر ﷺ به ایشان وعده سپرد که اگر به این تعهد وفا نمودید شما در بهشت خواهید بود، و اگر در مورد خیانت روا داشتید، کار شما به خداست، اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند و اگر بخواهد شما را می‌آمرزد.^(۱)

سفیر اسلام در مدینه

پیامبر ﷺ پس از بیعت و پایان موسم حج مصعب بن عمیر را برگزید تا به مسلمانان مدینه تلاوت قرآن، احکام و قوانین اسلام را بیاموزد.^(۲)



شاگردان عزیز تعهد هر دو جانب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مسلمان شدن بزرگان مدینه:

مصعب بن عمیر رضی الله عنه در مدینه نزد اسعد بن زراره فرود آمد، هر دو با جدیت در میان مردم مدینه به نشر اسلام پرداختند. اسید بن حضیر و سعد بن معاذ که از بزرگان قوم بنی عبدالاشهل بودند، در اثر سعی و دعوت مصعب و اسعد رضی الله عنهما یکی پس از دیگری به اسلام مشرف شدند که با گرویدن آن

۱- السیره النبویه، ابوالحسن ندوی، ص ۱۵۳؛ السیره النبویه، الصلابی، ص ۲۳۹.

۲- سیره ابن هشام، ۴۳۵/۱؛ السیره النبویه، ابوالحسن ندوی، ص ۱۵۸؛ الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۳۸.

دو به اسلام همه مرد و زن بنی عبدالاشهل از قبیله اوس مسلمان گردیدند^(۱). مصعب رضی الله عنه مسئولیتی را که به عهده داشت موفقانه انجام داد و در آموختن احکام قرآن، توضیح دساتیر اسلام و تقویه روابط برادری میان افراد قبایل که به اسلام گرویده بودند و همچنان برای ایجاد پایگاه امنی که از آن به دعوت اسلامی بپردازند سعی و کوشش زیادی به خرج داد، مصعب رضی الله عنه در حالیکه مژده پیروزی و موفقیت و خبر مسلمان شدن قبایل اوس و خزرج و قدرت نیروی دفاعی آنان را با خود داشت قبل از موسم حج سال سیزدهم بعثت به مکه برگشت.



شاگردان با رهنمایی استاد محترم راجع به روش دعوت مصعب بن عمیر رضی الله عنه و ایمان آوردن اسید بن حضیر و سعد بن معاذ رضی الله عنهما مباحثه نمایند.

آموختنی‌های درس

- برای موفقیت دعوت به اسلام، بزرگان و سرشناسان قوم الگو قرار گیرند.
- دعوتگر به تدریج و با استفاده از اسلوب مسالمت آمیز به دعوت ادامه دهد.
- پیامبر صلی الله علیه و آله با گرفتن بیعت از مردم یترب برای دعوت و رهبری مردم آهسته آهسته مرکز دیگری را برای دعوت اسلامی آماده می‌سازد.



- ۱- چرا پیامبر صلی الله علیه و آله مصعب بن عمیر رضی الله عنه را به مدینه فرستاد؟
- ۲- در سال دوازدهم بعثت چند تن با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کردند؟
- ۳- مصعب بن عمیر رضی الله عنه در یترب به کمک چه کسی به نشر اسلام پرداخت؟
- ۴- از بزرگان قبیله عبدالاشهل چه کسانی به دین اسلام گرویدند.



- ۱- نتیجه بیعت پیامبر صلی الله علیه و آله با مردمان یترب را در کتابچه‌های خود بنویسید.

۱- سیره ابن هشام، ۴۲۱/۱؛ الرقیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۱۱.

درس چهل و چهارم

دومین بیعت در عقبه

موسم‌های سالیانه حج مناسب خوبی برای دعوت به اسلام بود، چنانچه پیامبر ﷺ نیز تصمیم بر آن داشت تا دعوت اسلام را از همین طریق به قبایل دور و نزدیک برساند.

عزم بیعت

در موسم حج سال سیزدهم بعثت هفتاد و سه تن مرد و دو زن از مسلمانان یثرب (مدینه) برای ادای مناسک حج حضور یافتند، آنان با محمد ﷺ پنهانی قرار گذاشتند تا در ایام تشریق در منطقه عقبه با هم دیدار داشته باشند.

مسلمان شدن یکتن از سرداران یثرب

شبی که اهل یثرب با رسول الله ﷺ قرار گذاشته بودند فرا رسید، یکی از سرداران یثرب به نام عبدالله بن عمرو بن حزام نیز با ایشان همراه بود، او را از موضوع آگاه ساخته و به اسلام دعوتش کردند، او بلا فاصله اسلام را پذیرفت و در عقبه حضور یافت.



موسم‌های حج چرا برای دعوت انتخاب می‌شد؟

گرد هم آیی بزرگی در عقبه

طبق وعدهٔ قبلی، شب هنگام اهل یثرب آهسته آهسته داخل دره عقبه شده و در آنجا با هم یکجا شدند، پیامبر ﷺ نیز همراه کاکایش عباس که در آن وقت هنوز مسلمان نشده بود آمد.

پس از آنکه همه در مجلس حضور یافتند گفتگو برای بیعت و عقد پیمان همبستگی دینی و نظامی آغاز شد. عباس در مورد اهمیت مسئولیتی که در نتیجه این پیمان بر دوش آنان نهاده می‌شود، توضیح داد.

مطالب بیعت

جابر رضی الله عنه یکن از اشخاص بیعت کننده به پیامبر ﷺ گفت: ای رسول خدا! بر چه چیز با شما بیعت کنیم؟ آنحضرت فرمود:

بر شنیدن و فرمان بردن در حالت سختی و آسانی.

بر نفقه کردن در راه خدا در سختی و آسانی.

بر امر به معروف و نهی از منکر.

بر اینکه در راه خدا پایداری ورزید و درین راه از سرزنش هیچ ملامتگری نهراسید^(۱).

و بر اینکه هرگاه نزد شما آمدم مرا یاری دهید و از آنچه خود، همسران و فرزندان خود را باز میدارید، مرا نیز باز دارید، و در برابر آن برای شما بهشت باشد.

۱- الرحیق المختوم، مبارکفوری، ترجمه خاموش هروی، ص ۲۴۶.

اجرای بیعت

پس از تثبیت مطالب بیعت، عقد بیعت با مصافحه آغاز شد، اولین شخصی که دستش را به دست پیامبر ﷺ گذاشت براء بن معرور بود، سپس یک یک با پیامبر ﷺ مصافحه کردند و پیمان بستند، بیعت دو تن زنی که درین واقعه حضور داشتند زبانی بود^(۱).
این بیعت عقبه دوم در فضای مملو از محبت و ایثار در میان گروه‌های مختلف مسلمان بر اساس اعتماد و پایداری در راه اسلام صورت گرفت.

فعالیت (۲)



پیامبر ﷺ در مقابل بیعت انصار چه چیزی را برایشان وعده داد؟ شاگردان ابراز نظر نمایند.

آموختنی‌های درس



- آمادگی بزرگان قبایل اوس و خزرج بیانگر تأثیر ایمان بر دلهاست.
- برنامه ریزی این بیعت در شرایط و ظروف دشوار چالشی در برابر مشرکین شمرده می‌شد، زیرا با گرد هم آیی به صورت منظم و سری در مکان و زمان معین و اختیار کردن شب سیزدهم ذی الحجه، آخرین شبهای حج تأثیر بزرگی در موفقیت برنامه بیعت داشت.
- در زندگی روزمره تان دفاع از حق نموده و در راه عقیده و دعوت اسلامی پایداری

۱- سیره ابن هشام، ۴۴۷/۱.

و مقاومت داشته باشید.

۴- از این درس می‌آموزیم که ممکن است از مناسبت‌ها برای اصلاح امور اجتماعی و دینی استفاده خوبی صورت بگیرد.



- ۱- بیعت عقبه دوم در کدام سال بود، در کجا و چند نفر درین بیعت حضور داشتند؟
- ۲- کاکای پیامبر ﷺ چرا درین بیعت اشتراک کرد؟
- ۳- اولین شخصی که دست بیعت به دست پیامبر ﷺ گذاشت چه نام داشت؟
- ۴- پیامبر ﷺ با زنان چگونه بیعت کردند؟



کارخانه گی

مطالب بیعت مردم یثرب با پیامبر ﷺ را در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس چهل و پنجم

عوامل صبر و پایداری مسلمانان

مسلمانان در راه نشر دین اسلام مصائب و مشکلات فراوانی را تحمل نموده و تا سرحد از دست دادن زندگی در راستای انتشار آن کوشیده اند، درینجا از عوامل و وسایلی یاد آور می شویم که مسلمانان را به صبر و پایداری بیش از حد واداشته بود.

۱- ایمان به خداوند و شناخت واقعی ذات الهی

وقتی ایمان واقعی در دل ها جای گیرد، صاحب همچو ایمان به سوی رنج ها و مصائب دنیوی اگرچه بزرگ و طاقت فرسا هم باشد به نظر حقارت می بیند، از این سبب اسباب دیگری منشأ می گیرد و پایداری و صبر را تقویت می کند.

۲- رهبری و قیادتی که دل ها را گرویده سازد

حضرت محمد ﷺ رهبر و رهنمای تمام بشریت است، در عفت و پاکدامنی، امانتداری و انجام کارهای نیک به مقامی رسیده بود که نه تنها دوستان و یاران بلکه دشمنانش به حقانیت و صداقت او یقین می کردند.

۳- احساس مسئولیت

اصحاب پیامبر ﷺ احساس می کردند که مسئولیت بزرگی را بر عهده دارند که به هیچ

صورت نباید از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کنند. زیرا عواقب و نتایج ناگوار این مسئولیت گریزی را می‌دانستند.



تأثیر رهبری مناسب را در روحیه و عملکرد پیروان و زیر دستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ شاگردان ابراز نظر نمایند.

۴- ایمان به آخرت و روز رستاخیز

مسلمانان یقین داشتند که از هرگونه اعمال نیک و بد شان در آخرت مورد بازپرس قرار می‌گیرند و پس از آن راهی بهشت شده و یا به عذاب دوزخ گرفتار می‌شوند. آنان می‌دانستند که دنیا با تمام نعمت‌ها و عذاب‌ها در برابر آخرت به اندازه بال پشه‌یی ارزش ندارد، بناء تلخی‌ها و مشکلات دنیا برای شان خیلی کوچک و ناچیز جلوه می‌کرد.

۵- قرآن کریم

قرآن مسلمانان را به صبر و پایداری ترغیب کرده و داستان‌های عبرت‌انگیزی را یاد آور شده و حکمت‌های آنرا برای شان بازگو می‌کرد، قرآن مسلمانان را به جهانی دیگر سیر می‌داد که در برابر جاذبه آن هیچ کسی مقاومت کرده نمی‌توانست.

۶ - مژده‌های کامیابی و پیروزی

مسلمانان از همان آغاز پذیرفتن اسلام می‌دانستند که معنای داخل شدن به دین اسلام تحمل رنج‌ها نبوده بلکه هدف آنان اصلاح جامعه جاهلی و گسترش قدرت و نفوذ سیاسی است تا انسان‌ها را از عبادت بت‌ها به عبادت خدای یکتا بکشانند.

نزول آیات قرآن و حکایت داستان‌های اقوام گذشته و درگیری‌های آنها با پیامبران شان بیانگر حالاتی بود که با وضع مسلمانان مکه و کافران کاملاً هماهنگی داشت، درین داستان‌ها اشاره بدان بود که مردم مکه در آینده شکست می‌خورند و دعوت اسلامی و مسلمانان پیروز می‌شوند.

مسلمانان با ایمان قوی به خداوند و با پیروی از دساتیر پیامبر ﷺ و باور به رستگاری در بهشت، فشارها و رنج‌هایی که از هر طرف آنان را احاطه کرده بود تحمل می‌کردند و یقین داشتند که این همه مشکلات به زودی از بین رفته و پیروزی نصیب آنان می‌شود.



مژده‌های کامیابی و پیروزی برای مسلمانان چه بود، و نتایج صبر و پایداری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آموختنی‌های درس

- هدف نهایی مسلمانان اصلاح جامعه جاهلی و عبادت ذات الهی بود.
- ایمان به خداوند و روز رستاخیز، احساس مسئولیت و موجودیت قیادت و رهبری مناسب از عوامل صبر و پایداری و موفقیت و پیروزی مسلمانان بود.

- - یقین و باور کامل به وعده‌ها و وعیدهایی که پیامبر ﷺ می‌کرد مسلمانان را امیدوار به پیروزی و موفقیت ساخته و از عذاب جهنم بر حذر می‌داشت.



- ۱- به پیروزی مسلمانان در قرآن چگونه مژده داده شده بود؟
- ۲- رهبری پیامبر ﷺ در روحیه پیروان اسلام چگونه تأثیری داشت؟
- ۳- عوامل صبر و پایداری مسلمانان که درین درس خواندید چه بود؟



عوامل صبر و پایداری مسلمانان را به صورت مختصر در کتابچه‌های خود بنویسید

درس چهل و ششم

پیش آهنگان هجرت

پس از دومین بیعت در عقبه، مسلمانان با ایجاد مرکز و پایگاهی در خارج مکه موفقیت بزرگی را به دست آوردند، و پس از آن رسول الله ﷺ به مسلمانان اجازه دادند تا به این مرکز هجرت نمایند.

پی بردن به مشکلات هجرت و اقدام به آن

مسلمانان با وجودی که به مشکلات هجرت که از دست دادن منافع، نابودی مال و دارایی و مواجه شدن با هلاکت و بی سرنوشتی بود، پی می بردند، به هجرت آغاز کردند، نمونه هایی از سرگذشت این پیش آهنگان هجرت را یاد آور می شویم.

۱- از جمله نخستین کسانی که هجرت نمود یکی هم ابوسلمه رضی الله عنه است، او یک سال قبل از دومین پیمان عقبه تصمیم گرفت با همسر و فرزندش هجرت کند، خویشاوندانش به مسافرت و هجرت همسر وی مخالفت کرده و او را از وی گرفتند، خانواده ابوسلمه رضی الله عنه نیز خشمگین شد و فرزندش را از مادر جدا نموده و نزد خود گرفتند، ابوسلمه رضی الله عنه تنها عازم مدینه شد.

همسرش همیشه از دوری و جدایی ابوسلمه رضی الله عنه گریه می کرد تا آنکه پس از یکسال به وی اجازه دادند به مدینه برود، او فرزندش را از خانواده شوهرش گرفته به تنهایی راه مدینه را در پیش گرفت، وقتی عثمان بن ابی طلحه از موضوع اطلاع یافت او را تا مدینه همراهی کرد و به دهکده یی قباء که شوهرش در آنجا بود رهنمایی

نموده و خود به مکه برگشت.

۲- همچنان وقتی صهیب رضی الله عنه تصمیم گرفت هجرت نماید، مردم مکه برایش گفتند: تو فقیر بودی و اکنون مال و دارایی زیادی به دست آورده ای، حالا امکان ندارد این همه مال و دارایی را از اینجا ببری، صهیب رضی الله عنه با رها کردن دارایی اش به قریش، اجازه هجرت یافت، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از این واقعه اطلاع یافت، گفت: صهیب فایده کرد، صهیب فایده کرد.



با استفاده از درس های گذشته گفته می توانید که پایگاه مسلمانان در خارج مکه چگونه و در کجا ایجاد شده بود؟

۳- عمر بن خطاب، عیاش بن ابی ربه و هشام بن عاص با هم وعده کردند که در محل معینی در خارج مکه با هم یکجا شوند و پس از آن به سوی مدینه هجرت کنند، عمر و عیاش در آن محل و موعد به هم رسیدند، ولی هشام نتوانست به آن دو بپیوندد.

آن دو تن به مدینه رسیدند، ابوجهل و برادرش حارث نزد عیاش رفتند - مادر هر سه تن یکی بود - به او گفتند: مادرت نذر کرده تا ترا نبیند مویش را شانه نکند و از آفتاب به سایه نرود، دلش به حال مادرش سوخت و تصمیم گرفت نزد مادرش برود، ولی عمر رضی الله عنه به او گفت: ای عیاش! اینان در مورد تو قصد دیگری دارند، می خواهند ترا

از دینت بر گردانند، از آنان حذر کن.

چون عیاش تصمیم گرفته بود که نزد مادرش بر گردد، عمر رضی الله عنه اشتر خود را به وی داد و برایش گفت که هر گاه در مسیر راه از آنها خیانتی را احساس نمودی با این اشتر خود را نجات بده و به مدینه برگرد. در نیمه راه ابو جهل و برادرش با حيله ای بر عیاش حمله کردند و دست و پای او را بسته با خود به مکه آورده گفتند: ای مردم مکه! شما هم با بی خردان خویش همین رفتاری را نمایید که ما با این بی خرد انجام دادیم.

این بود واکنش مشرکان مکه در برابر آنانی که می خواستند هجرت کنند، با آن هم مسلمانان دسته دسته و تک تک در پی یکدیگر هجرت می نمودند.



با وجودی که صهیب رضی الله عنه مال و دارایی اش را رها می کند پیامبر چطور می گوید: صهیب فایده کرد؟

آموختنی های درس

- مسلمانان در راه حفظ عقیده و ایمان از جان و مال خود می گذرند.
- مشرکان قریش در جلوگیری از گرایش مردم به دین اسلام در استفاده از هر وسیله بی فرو گذاشت نمی کردند.



- ۱- قساوت و سنگدلی مشرکان در برابر هجرت ابوسلمه رضی الله عنه چگونه بود؟
- ۲- مردم مکه با صهیب رضی الله عنه وقتی تصمیم گرفت هجرت کند چگونه برخوردی داشتند؟
- ۳- عیاش بن ابی ریععه پس از هجرت چگونه به دام مشرکین افتاد؟



نمونه ی از تحمل مشکلات پیش آهنگان هجرت را در کتابچه های خود بنویسید.

درس چهل و هفتم

دار الندوه و فیصله بزرگ قریش

تصمیم هجرت مسلمانان که همراه مال و خانواده‌های شان به سوی مدینه می‌رفتند موجبات نگرانی مشرکان را فراهم ساخت و خطر تهدید سیاسی و اقتصادی شان را مشاهده می‌کردند، بناء بزرگان قریش در دارالندوه اجتماعی را تشکیل دادند تا جلو فعالیت‌های پیامبر ﷺ را بگیرند.

نگرانی قریش و پیشرفت روز افزون مسلمانان

مشرکان از شخصیت گیرای حضرت محمد ﷺ، توانایی رزمی اوس و خزرج و موقعیت استراتژیکی مدینه که بر سر جاده تجارتي یمن و شام قرار داشت، آگاه بودند، و از جانب دیگر تمرکز دعوت اسلامی در مدینه خطر بزرگی برای قریش به حساب می‌رفت.

دو نیم ماه پس از بیعت عقبه دومی نمایندگان قبایل قریش در دارالندوه اجتماع بزرگی را دایر کردند تا جلو فعالیت‌های حضرت محمد ﷺ را که پرچم دار دعوت اسلامی بود، بگیرند.

درین اجتماع اشخاصی چون ابو جهل بن هشام، جبیر بن مطعم، شیبه بن ربیع، عتبه بن ربیع، ابوسفیان بن حرب، نصر بن حارث، ابوالبحتری بن هشام، امیه بن خلف و شمار دیگری از بزرگان قبایل قریش حضور داشتند.

درین میان ابلیس در قیافه مرد کهنسالی آمده و گفت: پیر مردی از مردم نجد هستم، از اجتماع شما اطلاع یافته‌ام، آمدم تا سخنان شما را بشنوم و از رأی و نصیحتی اگر لازم باشد دریغ نکنم.



تمرکز دعوت اسلامی در مدینه چرا موجبات نگرانی مشرکان را به بار آورد؟

فیصله مشرکین مبنی بر کشتن پیامبر ﷺ

در اجتماع یاد شده مباحثاتی در مورد طرح‌های پیشنهادی ادامه یافت.

ابوالاسود گفت: او را از میان خویش بیرون می‌کنیم و ازین سرزمین تبعید می‌نمایم. ابلیس در همان قیافه یاد شده گفت: نه، این نظر صواب نیست؛ زیرا اگر او به هر قبیله ای برود و سخن بگوید مردم از او پیروی می‌کنند و شما را به وسیله پیروانش سرکوب خواهد کرد.

ابوالبختری گفت: او را در غل و زنجیر مقید سازید و دروازه منزلش را ببندید و پس از آن در انتظار مرگش باشید.

ابلیس با همان قیافه گفت: نه، این نظر نیز درست نیست، هرگاه او را زندانی کنید راه دعوت او را بسته نمی‌توانید، بلکه اصحابش با او همکاری نموده و او را رها می‌سازند. در این وقت ابوجهل بزرگترین دشمن پیامبر ﷺ سومین طرح را پیشنهاد کرد و گفت: از هر قبیله یک یک نفر جوانی که در میان ما دارای نسب و شرف عالی باشد انتخاب می‌کنیم، هریک شمشیری گرفته به یک حمله و با یک ضربه او را از بین ببرند، خون او میان قبایل تقسیم می‌شود و خون بها (دیت) او را می‌پردازیم، به این ترتیب از شر او آسوده خواهیم شد.

ابلیس در این وقت گفت: به نظر من این رأی و نظر صواب و درست است. بزرگان قریش به این فیصله موافقت کردند و برای اجرای فوری آن تصمیم گرفتند.



موارد دیگری از حقد و کینه مشرکان را اگر به یاد دارید بگویید.

آموختنی‌های درس

- مشرکین تا سرحد از بین بردن پیامبر ﷺ غرض جلوگیری دعوت اسلامی تلاش می‌کردند.
- ابلیس با انواع حیل‌ها مانع پیشرفت اسلام و مسلمانان می‌شود.



- ۱- مشرکان قریش چه وقت و در کجا و به چه منظوری گرد هم آمدند؟
- ۲- چرا ابلیس این حقد و کینه را دامن می‌زد؟
- ۳- مهمترین طرح پیشنهادی مشرکان برای جلوگیری از دعوت اسلامی از طرف کی و چگونه مطرح گردید؟



کارخانه‌گی

در کتابچه‌های خود بنویسید که چه کسانی در دار الندوه گرد هم آمدند و چگونه طرح‌هایی را برای جلوگیری دعوت اسلامی پیشنهاد کردند.